
بسم الله الرحمن الرحیم

اعمال ماه مبارك رمضان

تهیه کننده: محمدعلی شرطان

این اعمال که آثار عمیقی در پرورش روح و جان انسان دارد، به دو بخش تقسیم می شود:

اعمال مشترك ماه مبارك رمضان

اعمال مخصوصِ شب ها یا روزهای معیّنِ ماه مبارك رمضان

فهرست

اعمال مشترك هر شب و روز

اعمال مشترك هر شب و روز ماه رمضان، بسيار است از جمله:

1. (سيّد بن طاووس) از امام صادق و امام كاظم(عليهما السلام) روايت كرده است كه فرمودند:

از اوّل ماه تا آخر ماه مبارك - بعد از هر فريضه - اين دعا را مى خوانى:

اَللّـهُمَّ ارْزُقْنى حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ، فى عامى هذا وَفى كُلِّ عام، ما

خدايا روزيم گردان حج خانه كعبه را دراين سال و در هر سال تا

اَبْقَيْتَنى فى يُسْر مِنْكَ وَعافِيَة وَسَعَةِ رِزْق، وَلا تُخْلِنى مِنْ تِلْكَ الْمواقِفِ

زنده هستم در آسايش و تندرستى از جانب تو و وسعت روزى و دورم مكن از اين اماكن

الْكَريمَةِ، وَالْمَشاهِدِ الشَّريفَةِ، وَزِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

گرامى و مشاهد شريفه و زيارت قبر پيامبرت كه درود تو بر او و آلش باد

وَفى جَميعِ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالأخِرَةِ فَكُنْ لى، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ فيما

در همه حاجتهاى دنيا و آخرتم پشتيبان من باش خدايا از تو خواهم در آنچه

تَقْضى وَتُقَدِّرُ مِنَ الاَمْرِ الْمَحْتُومِ فى لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذى لا يُرَدُّ

بنا هست درباره اش حكم فرمايى و مقدّر كنى در آن فرمان حتمى و مسلّم در شب قدر از آن تقديرى كه برگشت ندارد

وَلا يُبَدَّلُ، اَنْ تَكْتُبَنى مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، اَلْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

و تغيير نپذيرد كه مرا از حاجيان خانه محترم كعبه ات ثبت فرمايى آن حاجيانى كه حجشان درست

اَلْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، اَلْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، اَلْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَاجْعَلْ

و سعيشان مورد تقدير و سپاس است و گناهانشان آمرزيده و كارهاى بدشان بخشيده شده است و قرار ده

فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطیلَ عُمْری، وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ رِزْقی، وَتُؤَدِّیَ عَنّی

در همان قضا و تقدیراتت که عمر مرا طولانی گردانی و روزیم را فراخ کنی و امانت و قرضم را

اَمانَتی وَدَیْنی، آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.

اداء فرمائی، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

و همچنین بعد از هر نماز فریضه ای می گویی:

یا عَلِیُّ یا عَظیمُ، یا غَفُورُ یا رَحیمُ، اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظیمُ، اَلَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ

ای والا ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان تویی پروردگار بزرگی که نیست مانند او

شَیْءٌ، وَهُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ، وَهذا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَکَرَّمْتَهُ، وَشَرَّفْتَهُ

چیزی و او شنوا و بیناست و این ماهی است که آنرا بزرگ و گرامی داشته و او را شرافت

وَفَضَّلْتَهُ عَلَی الشُّهُورِ، وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذی فَرَضْتَ صِیامَهُ عَلَیَّ، وَهُوَ شَهْرُ

و برتری داده ای بر ماههای دیگر و این ماهی است که روزه آن را بر من واجب کرده و این ماه

رَمَضانَ، اَلَّذی اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ، هُدًی لِلنّاسِ وَبَیِّنات مِنَ الْهُدی

رمضان است همان ماهی که قرآن را در آن فرو فرستادی آن قرآنی که راهنمای مردم و نشانه های روشنی از هدایت

وَالْفُرْقانِ، وَجَعَلْتَ فیهِ لَیْلَةَ الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَها خَیْراً مِنْ اَلْفِ شَهْر، فَیا ذَا

و جدا ساختن (میان حق و باطل) است و قراردادی در این ماه شب قدر را و آن را بهتر از هزار ماه کردی پس ای

الْمَنِّ وَلا یُمَنُّ عَلَیْكَ، مُنَّ عَلَیَّ بِفَکاكِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ، فیمَنْ تَمُنُّ عَلَیْهِ،

منّت داری که کسی بر تو منّت ندارد منّت نه بر من به آزاد ساختنم از آتش در میان آنان که بر آنها منّت نهی

وَاَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ، بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

و داخل بهشتم گردان برحمتت ای مهربانترین مهربانان.

2ـ (شیخ کفعمی) در **(مصباح)** و **(بلدالامین)** از حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از هر نماز واجب بخواند، خدای متعال گناهان او را بیامرزد:

اَللّهُمَّ اَدْخِلْ عَلی اَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ، اَللّهُمَّ اَغْنِ کُلَّ فَقیر، اَللّهُمَّ اَشْبِعْ

خدایا بفرست بر خفتگان در گور نشاط و سرور خدایا دارا کن هر نداری را خدایا سیر کن

کُلَّ جائِع، اَللّهُمَّ اکْسُ کُلَّ عُرْیان، اَللّهُمَّ اقْضِ دَیْنَ کُلِّ مَدین، اَللّهُمَّ

هر گرسنه ای را خدایا بپوشان هر برهنه را خدایا ادا کن قرض هر قرضداری را خدایا

فَرِّجْ عَنْ کُلِّ مَکْرُوب، اَللّهُمَّ رُدَّ کُلَّ غَریب، اَللّهُمَّ فُکَّ کُلَّ اَسیر،

بگشا اندوه هر غمزده را خدایا به وطن بازگردان هر دور از وطنی را خدایا آزاد کن هر اسیری را

اَللّهُمَّ اَصْلِحْ کُلَّ فاسِد مِنْ اُمُورِ الْمُسْلِمینَ، اَللّهُمَّ اشْفِ کُلَّ مَریض،

خدایا اصلاح کن هر فسادی را از کار مسلمین خدایا درمان کن هر بیماری را

اَللّهُمَّ سُدَّ فَقْرَنا بِغِناکَ، اَللّهُمَّ غَیِّرْ سُوءَ حالِنا بِحُسْنِ حالِکَ، اَللّهُمَّ

خدایا ببند رخنه فقر ما را به وسیله دارایی خود خدایا بدی حال ما را بخوبی حال خودت مبدل کن خدایا

اقْضِ عَنَّا الدَّیْنَ، وَاَغْنِنا مِنَ الْفَقْرِ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْء قَدیرٌ.

ادا کن از ما قرض و بدهیمان را و بی نیازمان کن از نداری که راستی تو بر هر چیز توانایی.

3ـ مرحوم **(**شیخ کلینی**)** در **(**کافی**)** از ابوبصیر روایت کرده که امام صادق(علیه السلام) در ماه رمضان این دعا را می خواند**:**

اَللّهُمَّ اِنّی بِكَ أَتَوَسَّلُ وَمِنْكَ اَطْلُبُ حاجَتی، مَنْ طَلَبَ حاجَةً اِلَی

خدایا من به تو متوسّل می شوم و از شخص تو می جویم حاجتم را و هر که حاجت خویش از

النّاسِ فَاِنّی لا اَطْلُبُ حاجَتی اِلاَّ مِنْكَ، وَحْدَكَ لا شَریكَ لَكَ، وَاَسْئَلُكَ

مردم می جوید ولی من نجویم حاجتم را جزاز تو تنها که شریکی نداری و از تو خواهم

بِفَضْلِكَ وَرِضْوانِكَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَاَهْلِ بَیْتِهِ، وَاَنْ تَجْعَلَ لی فی

به حق فضل و خشنودیت که درود فرستی بر محمّد و خاندان او و این که در این

عامی هذا اِلی بَیْتِكَ الْحَرامِ سَبیلاً، حَجَّةً مَبْرُورَةً، مُتَقَبَّلَةً زاكِیَةً خالِصَةً

سال برای رسیدن من به خانه محترمت کعبه راهی قرار دهی که حجی صحیح و پذیرفته و پاکیزه و خالص

لَكَ، تَقِرُّ بِها عَیْنی، وَتَرْفَعُ بِها دَرَجَتی، وَتَرْزُقُنی اَنْ اَغُضَّ بَصَری، وَاَنْ

برای تو انجام دهم آن چنانکه دیده ام بدان روشن شود و درجه ام بدان بالا رود و روزیم کن که دیده ام را بپوشانم و

اَحْفَظَ فَرْجی، وَاَنْ اَكُفَّ بِها عَنْ جَمیعِ مَحارِمِكَ، حَتّی لایَكُونَ شَیْءٌ

عورتم را (از گناه) نگهدارم و خود را از همه کارهای حرام تو باز دارم تا بدان حد که هیچ چیزی

آثَرَ عِنْدی مِنْ طاعَتِكَ وَخَشْیَتِكَ، وَالْعَمَلِ بِما اَحْبَبْتَ، وَالتَّرْكِ لِما

در پیش من محبوبتر از اطاعت و ترس از تو و انجام آنچه دوست داری و نکردن آنچه را

كَرِهْتَ وَنَهَیْتَ عَنْهُ، وَاجْعَلْ ذلِكَ فی یُسْر وَیَسار وَعافِیَة، وَ اَوْزِعْنی

ناخوش داری و آن را قدغن کرده ای نباشد و قرار ده همه اینها را در گشایش و آسودگی و تندرستی با هر چه

شُكْرَ ما اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ وَفاتی قَتْلاً فی سَبیلِكَ تَحْتَ

نعمت كه به من داده ای و از تو خواهم كه مرگ مرا كشته شدن در راهت قرار دهی كه در زیر

رایَةِ نَبِیِّكَ مَعَ اَوْلِیآئِكَ، وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَقْتُلَ بی اَعْدآئَكَ وَاَعْدآءَ رَسُولِكَ،

پرچم پیغمبرت با دوستانت كشته شوم و از تو خواهم كه دشمنان خود و دشمنان پیامبرت را بدست من بكشی

وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُكْرِمَنی بِهَوانِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَلا تُهِنّی بِكَرامَةِ اَحَد

و از تو خواهم كه مرا گرامی داری بخوار كردن هر یك از خلق خود كه خواهی ولی خوارم نكنی به گرامی داشتن هیچ یك

مِنْ اَوْلِیآئِكَ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ لی مَعَ الرَّسُولِ سَبیلاً، حَسْبِیَ اللهُ ما شآءَ اللهُ.

از دوستانت خدایا قرار ده برای من با پیامبرت راهی خدا مرا بس است و آنچه خواهد شود.

(سیّد بن طاووس) در (اقبال) از ابوبصیر روایت كرده است كه امام صادق(علیه السلام) فرمود: درشب های ماه رمضان بعداز نماز مغرب با این دعا برای توفیق زیارت خانه خدا دعا كن.

و (كفعمی) در (بلدالامین) گفته است كه: مستحبّ است این دعا را در شب اوّل ماه رمضان و هر روز از این ماه بخواند.

4- بهترین اعمال در شبها و روزهای ماه مبارك رمضان تلاوت قرآن است; زیرا قرآن در ماه مبارك رمضان نازل شده است و در حدیث آمده است كه: هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماههای دیگر، هر ماهی یك بار ختم قرآن سنّت است و اقلّ آن هر شش روز است; ولی در ماه رمضان، هر سه روز یك ختم قرآن سنّت است و اگر بتواند روزی یك قرآن ختم كند، خوب است.

شكّی نیست كسانی كه با مفاهیم و محتوای قرآن آشنایی ندارند سزاوار است در محتوای آیات دقت بیشتری كنند و در مكتب قرآن درس فرا گیرند، هر چند مقدار كمتری بخوانند همان گونه كه تشكیل جلسات تفسیر برای فهم هدایت های قرآن در این باره بسیار مناسب است.

(علاّمه مجلسی**)** می فرماید: اگر ثواب هر ختم قرآنی به روح مقدّس پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) و یا یکی از ائمه هدی(علیهم السلام) و یا به محضر حضرت ولی عصر(علیه السلام)) هدیه شود ثوابش بیشتر می شود و از روایتی برمی آید که پاداش چنین کسی آن است که در روز قیامت در سایه آن بزرگواران باشد.

5- باید دعا و ذکر صلوات و استغفار از گناهان در این ماه بسیار نمود. و کلمه طیّبه لا إلهَ اِلاَّ الله را فراوان گفت. در روایتی می خوانیم: وقتی ماه مبارك رمضان داخل می شد امام زین العابدین(علیه السلام) جز به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر، سخن نمی گفت.

همچنین باید به عبادت و نافله های شب و روز در این ماه اهمّیّت فراوان داد، مخصوصاً کسانی که در غیر این ماه موفّق به انجام نافله ها (مخصوصاً نافله شب) نیستند.

اعمال مشترك شب های ماه مبارك رمضان

اعمالی که در شب های ماه رمضان بجا آورده می شود چند امر است:

1ـ افطار کردن به هنگام دخول وقت مغرب شرعی. و مستحبّ است که بعد از نماز مغرب افطار کند، مگر آن که ضعف و ناتوانی بر او غلبه کرده باشد که توجّه و حضور قلب از او سلب شود، و یا آن که جمعی منتظر او باشند.

2ـ افطار با غذاها و نوشیدنی های پاك و طاهر از حرام و مشتبه به حرام باشد.

بهتر آن است که به خرمای حلال افطار کند که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود: هر کس با خرمای حلال افطار کند، ثواب نمازش افزون گردد.

همچنین امام علی(علیه السلام) فرمود: مستحب است با شیر افطار کند. افطار کردن به آب و نبات و حلوا و به آب نیم گرم، به هر کدام که باشد، نیز خوب است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) با اینها افطار می کردند.

3ـ به هنگام افطار دعاهای کوتاهی که از معصومین(علیهم السلام) وارد شده است رابخواند مانند:

اَللّهُمَّ لَكَ صُمْتُ، وَعَلی رِزْقِكَ اَفْطَرْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ.

خدایا برای تو روزه گرفتم و با روزی تو افطار کنم و بر تو توکل کنم.

امیرمؤمنان(علیه السلام) به هنگام افطار کردن، این دعا را می خواند:

بِسْمِ اللهِ، اَللّهُمَّ لَكَ صُمْنا، وَعَلی رِزْقِكَ اَفْطَرْنا ، فَتَقَبَّلْ مِنّا، اِنَّكَ اَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ.

خدایا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کنیم پس از ما بپذیر که براستی تو شنوا و دانایی.

4ـ خواندن سوره «انّا انزلناه» به هنگام افطار، پاداش بسیاری دارد.

5ـ در لقمه اوّل به هنگام افطار، بگوید: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرّحَیمِ، یا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، اِغْفِرْلی، که امام حسن مجتبی(علیه السلام) فرمود: کسی که آن را بگوید، خداوند او را بیامرزد.

6ـ دعا کردن به هنگام افطار نیز بسیار خوب است. در روایتی آمده است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) می فرمود: برای روزه دار به هنگام افطارش، یك دعای اجابت شده، می باشد.

7ـ به هنگام افطار، صدقه دهد و روزه داران را افطار دهد هرچند در صورت عدم توانایی، به تعدادی خرما یا جرعه ای از آب باشد، و افطار دادن از مستحبّات بسیار مؤکّد است که سزاوار است مؤمنان آن را فراموش نکنند، و در بعضی از کشورهای اسلامی هنگام افطار در تمام مساجد سفره های ساده طولانی گسترده می شود.

از رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) نقل شده است که هر کس در ماه رمضان، مؤمن روزه داری را افطار دهد پاداش آزاد کردن بنده مؤمنی رادارد وسبب آمرزش گناهان او می شود.

وقتی که اصحاب پرسیدند، توانِ چنین کاری نداریم، فرمود: آن کس که توان ندارد، مقداری شیر یا قدری آب و یا تعدادی خرما هم بدهد، خداوند به او چنین پاداشی را عطا می کند.

در روایت دیگری که **(**مرحوم کلینی**)** و **(**شیخ صدوق**)** و **(**شیخ طوسی**)** از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده اند آمده است: هر کس روزه داری را افطار دهد، همانند پاداش آن روزه دار ثواب می برد. (بی آن که از ثواب او کاسته شود).

8ـ هر شب بعد از مغرب، دعای حج را بخواند که در اعمال مشترك هر شب و روز ذکر شد.

9ـ (سیّد بن طاووس) در (اقبال) روایت کرده است: هر کس در هر شب از ماه رمضان این دعا را بخواند گناهان بسیاری از او آمرزیده می شود:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ، اَلَّذی اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ، وَافْتَرَضْتَ علی

خدایا ای پروردگار ماه رمضان که در آن قرآن را فرستادی و بر بندگان روزه را

عِبادِكَ فیهِ الصِّیامَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِكَ

در این ماه واجب کردی درود فرست بر محمّد و آل محمّد و روزیم گردان حج خانه محترم خود

الْحَرامِ، فی عامی هذا وَفی کُلِّ عام، وَاغْفِرْ لی تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ، فَاِنَّهُ

کعبه را در این سال و در هر سال و بیامرز برایم این گناهان بزرگ را که براستی

لا یَغْفِرُها غَیْرُكَ یا رَحْمنُ یا عَلاّمُ.

نیامرزد آنها را جز تو ای بخشاینده و ای بسیار دانا.

10ـ در هر شب از ماه رمضان دعای افتتاح را بخواند.

دعای افتتاح: دعای افتتاح به سند معتبر از حضرت صاحب الأمر امام زمان (ارواحنا فداه) نقل شده است که به شیعیان نوشتند: در هر شب از ماه مبارك رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را فرشتگان می شنوند و برای صاحبش استغفار می کنند.

متن دعا مطابق نقل (زاد المعاد) چنین است:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِكَ، وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ، وَاَیْقَنْتُ

خدایا من ستایش را بوسیله حمد تو می گشایم و تویی که به نعمت بخشی خود بندگان را به درستی واداری و یقین دارم

اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ فی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَاَشَدُّ الْمُعاقِبینَ

که براستی تو مهربانترین مهربانانی اما در جای گذشت و مهربانی ولی سخت ترین کیفرکننده ای

فى مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ، وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ فى مَوْضِعِ الْكِبْرِيآءِ

در جای شکنجه و انتقام و بزرگترین جبارانی در جای بزرگی

وَالْعَظَمَةِ، اَللّهُمَّ اَذِنْتَ لى فى دُعآئِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يا سَميعُ

و عظمت خدایا تو به من اجازه دادی در این که بخوانمت و از تو درخواست کنم پس ای خدای شنوا

مِدْحَتى، وَاَجِبْ يا رَحيمُ دَعْوَتى، وَاَقِلْ يا غَفُورُ عَثْرَتى، فَكَمْ يآ اِلهى

مدح و ثنایم را بشنو و پاسخ ده ای مهربان خواسته ام را و نادیده گیر ای آمرزنده لغزشم را ای معبود من چه بسیار

مِنْ كُرْبَة قَدْ فَرَّجْتَها، وَهُمُوم قَدْ كَشَفْتَها، وَعَثْرَة قَدْ اَقَلْتَها، وَرَحْمَة قَدْ

گرفتاری که برطرف کردی و چه بسیار اندوه که زدودی و لغزشها که چشم پوشیدی و مهر و رحمت که

نَشَرْتَها، وَحَلْقَةِ بَلاء قَدْ فَكَكْتَها، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذى لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا

گستردی و زنجیر بلا که از هم باز کردی ستایش خاص خدایی است که نگیرد همسری و نه

وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فى الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ كَبِّرْهُ

فرزندی و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش یاوری از خواری و به کمال بزرگی

تَكْبيراً، اَلْحَمْدُ للهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها، عَلى جَميعِ نِعَمِهِ كُلِّها، اَلْحَمْدُ للهِ

او را یاد کن ستایش خدای را به همه ستودگیهایش یکسر بر همه نعمتهایش یکسر ستایش برای خدایی است

الَّذى لا مُضآدَّ لَهُ فى مُلْكِهِ، وَلا مُنازِعَ لَهُ فى اَمْرِهِ، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذى لا

که ضد و دشمنی در پادشاهی او و ستیزه جویی در فرمانش نیست ستایش خدایی را است که

شَريكَ لَهُ فى خَلْقِهِ، وَلا شَبيهَ لَهُ فى عَظَمَتِهِ، اَلْحَمْدُ للهِ الْفاشى فِى

شریکی در خلقتش ندارد و شبیهی در عظمت او نیست ستایش خاص خدایی است که هویداست در

الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَ حَمْدُهُ، اَلظّاهِرِ بِالْکَرَمِ مَجْدُهُ، اَلْباسِطِ بِالْجُودِ یَدَهُ، اَلَّذی لا

میان خلق کارش و ستایشش و آشکار است به بزرگواری شوکتش و گشاده است دستش آن که

تَنْقُصُ خَزآئِنُهُ، وَلا تَزیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطآءِ اِلاَّ جُوداً وَ کَرَماً، اِنَّهُ هُوَ الْعَزیزُ

نقصان نپذیرد خزینه هایش و نیفزایدش بسیاری عطا مگر جود و بزرگواری براستی که او عزیز

الْوَهّابُ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ قَلیلاً مِنْ کَثیر مَعَ حاجَة بی اِلَیْهِ عَظیمَة،

و بسیار بخشنده است خدایا از تو خواهم اندکی ازبسیار با این که نیازمندیم بدان بزرگ است

وَغِناکَ عَنْهُ قَدیمٌ، وَ هُوَ عِنْدی کَثیرٌ، وَهُوَ عَلَیْکَ سَهْلٌ یَسیرٌ، اَللّهُمَّ اِنَّ

و بی نیازی تو از آن قدیم و ازلی است و آن درخواست پیش من بسیار ولی در نزد تو اندك و آسان است خدایا براستی

عَفْوَکَ عَنْ ذَنْبی، وَتَجاوُزَکَ عَنْ خَطیئَتی، وَصَفْحَکَ عَنْ ظُلْمی،

گذشت تو از گناهم و چشم پوشیت ازخطایم و نادیده گیریت از ستمم

وَسَتْرَکَ عَلی قَبیحِ عَمَلی، وَحِلْمَکَ عَنْ کَثیرِ جُرْمی عِنْدَ ما کانَ مِنْ

و پرده پوشیت بر کار زشتم و بردباریت در برابر جنایت و جرم بسیارم که به خطا

خَطَأی وَعَمْدی، اَطْمَعَنی فی اَنْ اَسْئَلَکَ ما لا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْکَ الَّذی

یا از روی تعمد کردم مرا به طمع انداخت تا از تودرخواست کنم چیزی را که مستحق آن نیستم، درخواست کنم آنچه را

رَزَقْتَنی مِنْ رَحْمَتِکَ، وَاَرَیْتَنی مِنْ قُدْرَتِکَ، وَعَرَّفْتَنی مِنْ اِجابَتِکَ،

که از رحمتت روزی من کردی و از قدرتت به من نمایاندی و از اجابت دعایت به من شناساندی

فَصِرْتُ اَدْعُوکَ آمِناً، وَاَسْئَلُکَ مُسْتَأْنِساً لا خآئِفاً وَلا وَجِلاً، مُدِلاًّ عَلَیْکَ

و این سبب شد که من از روی اطمینان تو را بخوانم و با تو انس گرفته بدون ترس و واهمه از تو حاجت بخواهم و تازه در مطلوب

فيما قَصَدْتُ فيهِ اِلَيْكَ، فَاِنْ اَبْطَاَ عَنّى عَتَبْتُ بِجَهْلى عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ الَّذى

و مقصود خود با ناز و عشوه به درگاهت آیم و اگر حاجتم دیر برآید بواسطه نادانیم بر تو اعتراض کنم در صورتی که شاید

اَبْطَاَ عَنّى هُوَ خَيْرٌ لى لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الأُمُورِ، فَلَمْ اَرَ مَوْلاً كَريماً اَصْبَرَ

دیر کردن آن برای من بهتر باشد زیراتو دانای به سرانجام کارها هستی و از این رو من ندیدم مولای بزرگواری را که

عَلى عَبْد لَئيم مِنْكَ عَلَيَّ يا رَبِّ، اِنَّكَ تَدْعُونى فَاُوَلّى عَنْكَ، وَتَتَحَبَّبُ

بر بنده پست خود شکیباتر از تو باشد بر من ای پروردگارم تو مرا می خوانی ولی من از تو رو می گردانم و تو به من دوستی می کنی

اِلَيَّ فَاَتَبَغَّضُ اِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلا اَقْبَلُ مِنْكَ، كَاَنَّ لِىَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ،

ولی من با تو دشمنی می کنم و تو به من محبّت کنی و من نپذیرم گویا من منّتی بر تو دارم

فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لى وَالاِحْسانِ اِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ

و باز این احوال باز ندارد تو را ازمهر به من و و احسان بر من و بزرگواریت نسبت به من از روی بخشندگی

وَكَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجاهِلَ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ اِحْسانِكَ، اِنَّكَ جَوادٌ

و بزرگواریت پس بر بنده نادانت رحم کن و از زیادی احسانت بر او ببخش که براستی تو بخشنده

كَريمٌ، اَلْحَمْدُللهِ مالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِى الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّياحِ، فالِقِ

و بزرگواری ستایش خاص خداست که مالك سلطنت و روان کننده کشتی (وجود) و مسخرکننده بادها و شکافنده

الاِصْباحِ، دَيّانِ الدّينِ، رَبِّ الْعالَمينَ، اَلْحَمْدُ للهِ عَلى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ،

سپیده صبح و حکمفرمای روز جزا و پروردگار جهانیان است ستایش خدای راست که بردباریش پس از دانستن

وَالْحَمْدُ للهِ عَلى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ للهِ عَلى طُولِ اَناتِهِ فى غَضَبِهِ،

و ستایش برای خداست بر گذشتش با این که نیرومند است و ستایش برای خدا است بر زیادی تحمل و بردباریش در عین خشم

وَهُوَ الْقادِرُ عَلى ما يُريدُ، اَلْحَمْدُ للهِ خالِقِ الْخَلْقِ، باسِطِ الرِّزْقِ، فالِقِ

او با این که او بر هرچه بخواهد تواناست ستایش خدای را است که آفریننده خلق و گسترنده روزی و شکافنده

الاِصْباحِ، ذِی الْجَلالِ وَالاِکْرامِ، وَالْفَضْلِ وَالاِنْعامِ، اَلَّذی بَعُدَ فَلا یُری،

صبح صاحب جلال و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی آن که دور است پس دیده نشود

وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوی، تَبارَکَ وَتَعالی، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی لَیْسَ لَهُ مُنازِعٌ

و نزدیك است که مطلع از گفتگوهای سری است برتر و والاست ستایش خدایی را که نیست برای او ستیزه جویی که

یُعادِلُهُ، وَلا شَبیهٌ یُشاکِلُهُ، وَلا ظَهیرٌ یُعاضِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الاَعِزّآءَ،

با او برابری کند و نه شبیهی که هم شکل او باشد و نه پشتیبانی که کمکش کند به عزت خویش چیره دستان را مقهور ساخته

وَتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمآءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما یَشآءُ، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی

و مقابل عظمتش بزرگان فروتنی کرده پس بوسیله نیرویش بهرجا که خواهد رسیده ستایش خدایی را که

یُجیبُنی حینَ اُنادیهِ، وَیَسْتُرُ عَلَیَّ کُلَّ عَوْرَة وَاَنَا اَعْصیهِ، وَ یُعَظِّمُ النِّعْمَةَ

پاسخم دهد هرگاه بخوانمش و بپوشاند بر من هر زشتی را و من نافرمانیش کنم و بزرگ گرداند بر من نعمتش را

عَلَیَّ فَلا اُجازیهِ، فَکَمْ مِنْ مَوْهِبَة هَنیئَة قَدْ اَعْطانی، وَعَظیمَة مَخُوفَة قَدْ

ولی من پاداشش ندهم پس چه بسیار بخششهای جانبخشی که به من عطا فرمود و چه پیش آمدهای بزرگ و هولناکی را که

کَفانی، وَبَهْجَة مُونِقَة قَدْ اَرانی، فَاُثْنی عَلَیْهِ حامِداً، وَاَذْکُرُهُ مُسَبِّحاً،

از من دور کرد و چه خوشیهای شگفت انگیزی که به من نمایاند او را ستایش کنان ثنا گویم و تسبیح گویان یادش کنم

اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی لا یُهْتَکُ حِجابُهُ، وَلا یُغْلَقُ بابُهُ، وَلا یُرَدُّ سآئِلُهُ، وَلا

ستایش خاص خدایی است که پرده اش دریده نشود و در خانه اش بسته نگردد و خواهنده اش رد نشود و

یُخَیَّبُ آمِلُهُ، اَلْحَمْدُللهِ الَّذی یُؤْمِنُ الْخآئِفینَ، وَیُنَجِّی الصّالِحینَ، وَیَرْفَعُ

آرزومندش نومید نگردد ستایش خاص خدایی است که هراسناکان را امان بخشد و شایستگان را نجات دهد و ناتوان

الْمُسْتَضْعَفینَ، وَیَضَعُ الْمُسْتَکْبِرینَ، وَیُهْلِکُ مُلُوکاً، وَیَسْتَخْلِفُ آخَرینِ،

شمردگان را بلند کند و گردنکشان را زبون کند وشاهان را نابود کند و به جایشان دسته دیگری نشاند

وَالْحَمْدُ للهِ قاصِمِ الْجَبّارينَ، مُبيرِ الظّالِمينَ، مُدْرِكِ الْهارِبينَ، نَكالِ

ستایش خدای را در هم شکننده سرکشان و نابودکننده ستمکاران دریابنده گریختگان کیفردهنده

الظّالِمينَ، صَريخِ الْمُسْتَصْرِخينَ، مَوْضِعِ حاجاتِ الطّالِبينَ، مُعْتَمَدِ

ظالمان فریادرس فریادخواهان جایگاه حاجتهای جویندگان تکیه گاه

الْمُؤْمِنينَ، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذى مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ السَّماۤءُ وَسُكّانُها، وَتَرْجُفُ

مؤمنان ستایش خدایی راست که از ترس او آسمان و ساکنانش غرش کنند و

الاَرْضُ وَعُمّارُها، وَتَمُوجُ الْبِحارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فى غَمَراتِها، اَلْحَمْدُللهِ

زمین و آباد کنندگانش بر خود بلرزند و دریاها و آنان که در قعر آنها شناوری کنند به جنبش و موج درآید ستایش خاص خدایی است

الَّذى هَدانا لِهذا، وَما كُنّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللهُ، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذى

که ما را به این (دین) هدایت فرمود و اگر او ما را هدایت نکرده بود ما بدان هدایت نمی شدیم ستایش خدایی راست که

يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ، وَيَرْزُقُ وَلا يُرْزَقُ، وَيُطْعِمُ وَلا يُطْعَمُ، وَيُميتُ

آفرید و خود آفریده نشده روزی دهد و کسی او را روزی ندهد و بخوراند و خود بی نیاز از خوراك است و بمیراند

الاَحياۤءَ وَيُحْيِى الْمَوْتى، وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى كُلِّ

زندگان را و زنده کند مردگان را و اوست زنده ای که نمیرد هرچه خیر است به دست اوست و او برای هر چیز

شَىْءٍ قَديرٌ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَاَمينِكَ وَصَفِيِّكَ،

تواناست خدایا درود فرست بر محمّد بنده ات و پیامبرت و امین بر وحیت و پسندیده ات

وَحَبيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَحافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسالاتِكَ، اَفْضَلَ

و حبیبت و برگزیده ات از میان خلق و نگهدار رازت و رساننده پیامهایت برترین درود

وَاَحْسَنَ وَاَجْمَلَ، وَاَكْمَلَ وَاَزْكى وَاَنْمى، وَاَطْيَبَ وَاَطْهَرَ وَاَسْنى، وَاَكْثَرَ

و بهترين و زيباترين و كاملترين و پاكيزه ترين و پررشدترين و خوشترين و پاكترين و بلندترين و بيشترين

ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلى اَحَد مِن عِبادِكَ

درودى كه فرستادى و بركتى كه دادى و ترحمى كه كردى و عطوفتى كه ورزيدى و تحيتى كه فرستادى بر هر يكى از بندگانت

وَاَنْبِيآئِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَاَهْلِ الْكَرامَةِ عَلَيْكَ مِن خَلْقِكَ، اَللّهُمَّ

و پيمبرانت و رسولانت و برگزيدگانت و گراميان تو از ميان خلقت خدايا

وَصَلِّ عَلى عَلِيٍّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمينَ، عَبْدِكَ

و درود فرست بر على امير مؤمنان و وصى فرستاده پروردگارجهانيان بنده تو

وَوَلِيِّكَ وَاَخى رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلى خَلْقِكَ، وَآيَتِكَ الْكُبْرى وَالنَّبَأِ

و ولى تو و برادر پيامبر تو و حجت تو بر خلقت و نشانه بزرگت و نبأ

الْعَظيمِ، وَصَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ الطّاهِرَةِ، فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ الْعالَمينَ،

عظيم (آن خبر بزرگ) و درود فرست بر صديقه طاهره فاطمه (زهرا) بانوى زنان جهانيان

وَصَلِّ عَلى سِبْطَىِ الرَّحْمَةِ وَاِمامَىِ الْهُدى، اَلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَىْ

و درود فرست بر دو سبط (پيامبر) رحمت و دو پيشواى هدايت حسن و حسين دو آقاى

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، وَصَلِّ عَلى اَئِمَّةِ الْمُسْلِمينَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ،

جوانان اهل بهشت و درود فرست بر پيشوايان مسلمانان على بن الحسين

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّد، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَر، وَعَلِيِّ بْنِ

و محمّد بن على و جعفر بن محمّد و موسى بن جعفر و على بن

مُوسى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّد، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلَفِ

موسى و محمّد بن على و على بن محمّد و حسن بن على و يادگار

الْهادِى الْمَهْدِيِّ، حُجَجِكَ عَلى عِبادِكَ، وَاُمَنآئِكَ فى بِلادِكَ، صَلاةً كَثيرَةً

شايسته و راهنمايش حضرت مهدى كه اينها حجتهاى تو بر بندگانت هستند و امينهاى تو در شهرها و بلاد
تواند درودى فرست كه بسيار

دآئِمَةً، اَللّهُمَّ وَصَلِّ عَلى وَلِيِّ اَمْرِكَ الْقآئِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ،

و هميشگى باشد خدايا و بالخصوص درود فرست بر سرپرست دستورت آن امام قائم كه مايه اميد
است و آن عدل و دادى كه همه چشم براهش هستند

وَحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَاَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يا رَبَّ الْعالَمينَ، اَللّهُمَّ

و فراگير او را به فرشتگان مقربت حلقهوار و به روح القدس ياريش كن اى پروردگار جهانيان خدايا

اجْعَلْهُ الدّاعِىَ اِلى كِتابِكَ، وَالْقآئِمَ بِدينِكَ، اِسْتَخْلِفْهُ فِى الاَرْضِ كَما

وسايل آمدنش را آماده كن تا او به كتابت دعوت كند و به دين تو قيام كند و او را روى زمين جايگزين گردان چنانچه

اسْتَخْلَفْتَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ دينَهُ الَّذِى ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ

جايگزين كردى آنان كه پيش از او بودند و آن دينى را كه برايش پسنديده اى بدست او پابرجا كن و پس از ترس و خوفى كه داشته

خَوْفِهِ اَمْناً، يَعْبُدُكَ لا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً، اَللّهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعْزِزْ بِهِ، وَانْصُرْهُ

آسايش خاطرى به او بده كه با كمال خلوص تو را پرستش كند خدايا عزيزش گردان و ديگران را به او عزيز كن ياريش كن

وَانْتَصِرْ بِهِ، وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزيزاً، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ

و بوسيله او ديگران را يارى كن و بطور پيروزمندانه اى او را يارى كن و گشايش آسانى بهره اش كن و قرار ده برايش از

لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً، اَللّهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتّى لا

نزد خود حكومتى نصرت آور خدايا بدو دين خود و روش پيامبرت را آشكار ساز بطورى كه

يَسْتَخْفِىَ بِشَىْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ اَحَد مِنَ الْخَلْقِ، اَللّـهُمَّ اِنّا نَرْغَبُ

چیزی از امور حقه نماند که ناچار باشد از ترس مردم پنهانش کند خدایا ما با تضرع و زاری

اِلَيْكَ فى دَوْلَة كَريمَة، تُعِزُّ بِهَا الاِسْلامَ وَاَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَاَهْلَهُ،

به درگاهت از تو خواستاریم دولتی گرامی را که بهوسیله آن اسلام و مسلمین را عزت بخشی و نفاق و منافقین را منکوب سازی

وَتَجْعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاةِ اِلى طاعَتِكَ، وَالْقادَةِ اِلى سَبيلِكَ، وَتَرْزُقُنا بِها

و ما را در آن دولت از زمره خوانندگان مردم بسوی اطاعت تو و از برندگان بسوی راه خود قرارمان دهی و بدان وسیله

كَرامَةَ الدُّنْيا وَالاْخِرَةِ، اَللّهُمَّ ما عَرَّفْتَنا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْناهُ، وَما قَصُرْنا

بزرگواری دنیا و آخرت را نصیب ما گرداندی خدایا آنچه را که از حق به ما شناسانده ای تاب تحملش را نیز به ما بده و آنچه را که از

عَنْهُ فَبَلِّغْناهُ، اَللّـهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعْثَنا، وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنا، وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا،

رسیدن بدان کوتاه آمدیم تو ما را بدان برسان خدایا بدان حضرت پراکندگیمان را برطرف کن و گسیختگیمان را دور کن و پریشانی ما را بدو پیوست کن

وَكَثِّرْبِهِ قِلَّتَنا، وَاَعزِزْ بِهِ ذِلَّتَنا، وَاَغْنِ بِهِ عائِلَنا، وَاقْضِ بِهِ عَنْ مُغْرَمِنا،

و کمی ما را بدو زیاد کن و خواری ما را بدو عزت بخش و نداری ما را بدو توانگری بخش و بدهی ما را بوسیله اش بپرداز

وَاجْبُرْبِهِ فَقْرَنا، وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنا، وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنا،

و فقر ما را بدو جبران کن و شکاف و تفرقه ما را بدو برطرف کن و سختی ما را بدو آسان کن و چهره های ما را بدو سفید گردان

وَفُكَّ بِهِ اَسْرَنا، وَاَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنا، وَاَنْجِزْ بِهِ مَواعيدَنا، وَاسْتَجِبْ بِهِ

و گرفتاران ما را بدو آزادکن و خواسته های ما را بدو روا کن و وعده های ما را به او تحقق بخش و دعای ما را بدو مستجاب

دَعْوَتَنا، وَاَعْطِنا بِهِ سُؤْلَنا، وَبَلِّغْنا بِهِ مِنَ الدُّنْيا وَالاْخِرَةِ آمالَنا، وَاَعْطِنا بِهِ

کن و خواهشهای ما را بوسیله او عطا کن و بوسیله او ما را به آرزوهای دنیا و آخرت برسان و بوسیله او بیش از آنچه

فَوْقَ رَغْبَتِنا، يا خَيْرَ الْمَسْـُولينَ وَاَوْسَعَ الْمُعْطينَ، اِشْفِ بِهِ صُدُورَنا،

ما خواهانیم به ما بده ای بهترین درخواست شدگان و دست بازترین عطاکنندگان سینه های ما را با ظهورش شفا بخش

وَاَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنا، وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ، اِنَّكَ

و بوسيله او عقده دلهای ما را برطرف كن و بدو ما را بدان حقی كه مورد اختلاف است به اذن خود راهنمايی كن كه براستی تو

تَهْدی مَنْ تَشاۤءُ اِلی صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، وَانْصُرْنا بِهِ عَلی عَدُوِّكَ وَعَدُوِّناۤ،

هر كه را بخواهی به راه راست هدايت فرمايی و بدست او ما را بر دشمنانت و دشمنان ما نصرت ده

اِلـهَ الْحَقِّ آمينَ، اَللّـهُمَّ اِنّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

ای معبود برحق آمين خدايا ما به تو شكايت كنيم از نبودن پيامبرمان كه درودهای تو بر او و آلش باد

وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا، وَقِلَّةَ عَدَدِنا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنا، وَتَظاهُرَ الزَّمانِ

و از غيبت مولايمان و از بسياری دشمنان و كمی افرادمان و از سختی آشوبها و از كمك دادن اوضاع زمانه

عَلَيْنا، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ الِهِ، وَ اَعِنّا عَلی ذلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ،

به زيان ما پس درود فرست بر محمّد و آلش و كمك ده ما را بر اين اوضاع به گشايش فوری از طرف خود و

وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ، وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَ سُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ

برطرف كردن رنج وناراحتی و ياری با عزت و ظاهر ساختن سلطنت حقه و رحمتی از جانب تو كه ما را

تَجَلِّلُناها، وَ عافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

فراگيرد و تندرستی از طرف تو كه ما را بپوشاند به رحمتت ای مهربانترين مهربانان.

11 ـ در هر شب بخواند:

اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصّالِحينَ فَاَدْخِلْنا، وَفى عِلِّيّينَ فَارْفَعْنا، وِبِكَأْس

خدايا بوسيله رحمتت ما را در جرگه شايستگان وارد كن و درعليين بهشت بالا بر و جامى

مِنْ مَعين مِنْ عَيْن سَلْسَبيل فَاسْقِنا، وَمِنَ الْحُورِ الْعينِ بِرَحْمَتِكَ

از آب خوشگوار چشمه سلسبيل به ما بنوشان و از حوريان بهشتى به رحمت خود

فَزَوِّجْنا، وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدينَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاَخْدِمْنا، وَمِنْ

به ازدواج ما درآور و از پسران جاويدان كه همچون مرواريدانى در صدفند به خدمت ما بگمار و از

ثِمارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنا، وَ مِنْ ثِيابِ السُّنْدُسِ وَالْحَريرِ

ميوه هاى بهشتى و گوشت پرندگان به ما بخوران و از جامه هاى زربفت و ابريشم

وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنا، وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحرامِ وَقَتْلاً فى سَبيلِكَ

و ديبا به ما بپوشان و به درك فضيلت شب قدر و حج خانه كعبه و كشته شدن در راه خود

فَوَفِّقْ لَنا، وَصالِحَ الدُّعآءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا، وَاِذا جَمَعْتَ الْأَوَّلينَ

ما را موفق بدار و دعاى شايسته و خواهش ما را برآور و چون اوّلين

وَالأخِرينَ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَارْحَمْنا، وَبَرآئَةً مِنَ النّارِ فَاَكْتُبْ لَنا، وَفى جَهَنَّمَ

و آخرين را در روز قيامت گرد آوردى در آن هنگام به ما ترحم كن و منشور رهايى ما را از آتش برايمان بنويس و در دوزخ

فَلا تَغُلَّنا، وَ فى عَذابِكَ وَ هَوانِكَ فَلا تَبْتَلِنا، وَ مِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّريعِ فَلا

ما را به زنجير مبند و در شكنجه و خواريت ما را مبتلا مكن و از درخت زقوم و ضريع به ما

تُطْعِمْنا، وَ مَعَ الشَّياطينِ فَلا تَجْعَلْنا، وَ فِى النّارِ عَلى وُجُوهِنا فَلا

مخوران و با شياطين ما را در يكجا قرار مده و به رو در آتش دوزخ ما را

تَكْبُبْنا، وَ مِنْ ثِيابِ النّارِ وَسَرابيلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا، وَمِنْ كُلِّ سُوء يا

ميناز و از جامه هاى آتشين و پيراهنهاى آتش زاى قطران (آهن آب شده) به ما مپوشان و از هر بدى اى

لا اِلـهَ اِلاَّ اَنْتَ بِحَقِّ لا اِلـهَ اِلاَّ اَنْتَ فَنَجِّنا.

خدايى كه جز تو معبودى نيست به حق كلمه «لا اله الاّ أنت» ما را نجات بخش.

12ـ از حضرت صادق(علیه السلام) روایت شده است که در هر شب ماه رمضان این دعا را می خوانی:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ مِنَ الاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِی

خدایا از تو خواهم که در قضا و قدر حتمی و

الاَمْرِ الْحَکیمِ، مِنَ الْقَضآءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَلا یُبَدَّلُ، اَنْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجّاجِ

فرمان حکیمانه خود از آن قضایی که برگشت ندارد و تغییرپذیر نیست چنان مقرر داری که ثبت کنی

بَیْتِكَ الْحَرامِ، اَلْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، اَلْمَشْکُورِ سَعْیُهُمْ، اَلْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ،

نام مرا از حاجیان کعبه ات که حجشان قبول شده و سعیشان پذیرفته گردیده و گناهانشان آمرزیده شده

اَلْمُکَفَّرِ عَنْ سَیِّئاتِهِمْ، وَاَنْ تَجْعَلَ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ، اَنْ تُطیلَ عُمْری

و از بدیهاشان صرفنظر گردیده و نیز در قضا و قدر خود مقرر داری که عمر مرا

فی خَیْر وَعافِیَة، وَتُوَسِّعَ فی رِزْقی، وَتَجْعَلَنی مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدینِكَ،

در خوبی و تندرستی طولانی کنی وروزیم توسعه دهی و بگردانی مرا از آن کسانی که بوسیله آنان دینت را یاری کنی

وَلا تَسْتَبْدِلْ بی غَیْری. و مرا با دیگری عوض نکنی.

13ـ مرحوم محدّث قمی نقل کرده است که: در **(أنیس الصالحین)** آمده است که در هر شب از شبهای ماه رمضان این دعا را بخوان:

اَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْکَریمِ، اَنْ یَنْقَضِیَ عَنّی شَهْرُ رَمَضانَ، اَوْ یَطْلُعَ

پناه می برم به جلال ذات بزرگوارت از این که ماه رمضان از من بگذرد یا سپیده دم

الْفَجْرُ مِنْ لَیْلَتی هذِهِ، وَلَكَ قِبَلی تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنی عَلَیْهِ.

امشب بزند و هنوز از تو در پیش من بازخواست یا گناهی مانده باشد که مرا بدان عذاب کنی.

14ـ مستحبّ است در هر شب از ماه رمضان دو رکعت نماز خوانده شود و در هر رکعت حمد و توحید سه مرتبه و پس از سلام بگوید:

سُبْحانَ مَنْ هُوَ حَفیظٌ لا یَغْفُلُ، سُبحانَ مَنْ هُوَ

منزه است آن خدای نگهبانی که غفلت نکند منزه است آن خدای

رَحیمٌ لا یَعْجَلُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ قآئِمٌ لا یَسْهُو، سُبْحانَ مَنْ هُوَ دائِمٌ لا یَلْهُو.

مهربانی که شتاب نکند منزه است آن خدای پابرجایی که کسی را از یاد نبرد منزه است آن خدای جاویدانی که به چیزی سرگرم نشود

سپس تسبیحات اربعه را هفت مرتبه بخواند و آنگاه بگوید:

سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ، یا عَظیمُ اِغْفِرْ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظیمَ.

منزّهی تو منزّهی تو منزّهی ای خدای بزرگ بیامرز گناهان بزرگم را.

در پایان نیز ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او(علیهم السلام). کسی که این دو رکعت نماز را بجا آورد خداوند متعال گناهان زیادی را از او بیامرزد.

15ـ در روایتی از امام صادق(علیه السلام) آمده است که هر کس در هر شب از ماه رمضان، سوره «إنّا فَتَحْنا» را در نماز مستحبّی بخواند، آن سال از بلاها محفوظ بماند.

16ـ بجا آوردن هزار رکعت نماز در طول شبهای ماه رمضان.

درباره کیفیّت بجا آوردن آن، روایات مختلف است ولی آنچه که در روایت **(**علی بن مهران**)** از امام جواد(علیه السلام) نقل شده و گروه کثیری از بزرگان آن را پذیرفته اند چنین است:

در دهه اوّل و دهه دوم ماه رمضان، در هر شبی بیست رکعت نماز خوانده شود (هر دو رکعت به یك سلام) به این نحو که هر شب، هشت رکعتِ آن بعد از نماز مغرب و دوازده رکعتِ آن،

بعد از نماز عشا و در دهه آخر، در هر شبی سی رکعت خوانده شود؛ هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت، بعد از نماز عشا، که در مجموع هفتصد رکعت می شود و باقیمانده آن که سیصد رکعت است در شب های قدر خوانده شود، یعنی در شب نوزدهم صد رکعت (به اضافه بیست رکعتی که قبلاً می خواند) و در شب بیست و یکم صد رکعت (به اضافه سی رکعت) و در شب بیست و سوم نیز صد رکعت (به علاوه سی رکعت) که در مجموع هزار رکعت می شود. مناسب است که مؤمنان از این نماز (تا آن جا که مقدور است) غفلت نورزند.

اعمال مخصوص سحرگاهان

در اعمال سحرهای ماه مبارك رمضان اموری مستحب است:

1ـ خوردن سحری; كه در روايتی از رسول خدا(صلی الله عليه وآله) آمده است كه خوردن سحری را ترك نكنيد; هرچند يك عدد خرما باشد.

در روايت ديگری رسول خدا(صلی الله عليه وآله) فرمود: فرشتگان برای كسانی كه در سحرها، طلب آمرزش می كنند و سحری می خورند، استغفار می كنند.

2ـ خواندن سوره **(**إنّا أنزلناه**)** به هنگام خوردن سحری; در روايتی از امام صادق(عليه السلام) آمده است كه هر مؤمنی، در وقت افطار و خوردن سحری، اين سوره را بخواند، در ميان اين دو وقت ثواب شهيدان را دارد.

3ـ خواندن دعای سحر

اين دعا كه دارای مضامين ارزشمند و بيانگر عظمت اوصاف الهی است، انسان را در مسير كمال معنوی و سير و سلوك الی الله بسيار كمك می كند و توجّه به معانی آن، معارف توحيدی ناب و خالص را به ما می آموزد.

درباره اين دعای باعظمت، از امام رضا(عليه السلام) نقل شده كه فرمود: اين دعا را امام باقر(عليه السلام) در سحرهای ماه مبارك رمضان می خواند و می فرمود: اسم اعظم الهی در آن است و در سرعت اجابت دعا بسيار مؤثّر است. دعا اين است:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ بَهآئِكَ بِاَبْهاهُ، وَكُلُّ بَهآئِكَ بَهِیٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

خدایا از تو خواهم به درخشنده ترین مراتب درخشندگیت با این که تمام مراتب آن درخشنده است خدایا درخواست کنم به همه

بِبَهآئِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاَجْمَلِهِ، وَكُلُّ جَمالِكَ

مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم به زیباترین مراتب جمالت با این که تمام

جَمیلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ

مراتب جمالت زیباست خدایا از تو خواهم به همه مراتب جمالت خدایا از تو خواهم به باشکوهترین مراتب جلالت

بِاَجَلِّهِ، وَكُلُّ جَلالِكَ جَلیلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ

با این که تمام مراتب جلال تو باشکوه است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِها، وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظیمَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی

از تو خواهم به بزرگترین مرتبه عظمتت با این که تمام مراتب عظمتت بزرگ است خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ، وَكُلُّ نُورِكَ

خواهم به همه مراتب عظمتت خدایا از تو خواهم به نورانی ترین مراتب روشنیت با این که تمام مراتب

نَیِّرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ

روشنیت نورانی است خدایا از تو خواهم به همه مراتب نورت خدایا از تو خواهم به وسیعترین مراتب

بِاَوْسَعِها، وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ

رحمتت با این که تمام مراتب رحمتت وسیع است خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها، وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

از تو خواهم به تمامترین کلمات (و سخنانت) با این که همه سخنانت تمام است خدایا از تو خواهم

بِكَلِماتِكَ كُلِّهَا، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ، وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ،

به همه سخنانت خدایا از تو خواهم به کاملترین مرتبه کمالت با این که تمام مراتب کمالت کامل است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ اَسمآئِكَ بِاَكْبَرِها،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب کمالت خدایا از تو خواهم به بزرگترین نامهایت

وَكُلُّ اَسْمآئِكَ كَبیرَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَسْمآئِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

با این که تمام نامهایت بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه نامهایت خدایا از تو خواهم

مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها، وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها،

به عزيزترين مقام عزتت گرچه همه مراتب عزتت عزيز است خدايا از تو خواهم به همه مراتب عزتت

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها، وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ، اَللّهُمَّ اِنّى

خدايا از تو خواهم به حق گذراترين مشيتت گرچه تمام مراتب مشيتت گذراست خدايا از تو

اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتى

خواهم تمام مراتب مشيتت خدايا از تو خواهم به حق آن قدرتت كه احاطه پيدا كردى

اسْتَطَلْتَ بِها عَلى كُلِّ شَىْء، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

بدان بر هر چيز گرچه تمام مراتب قدرتت چنين است خدايا از تو خواهم

بِقُدْرَتِكَ كُلِّها، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ، وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ،

به همه مراتب قدرتت خدايا از تو خواهم به حق نافذترين مراتب دانشت گرچه تمام مراتب دانشت نافذ است

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ،

خدايا از تو خواهم به تمام مراتب دانشت خدايا از تو خواهم به حق پسنديده ترين سخنانت

وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِىٌّ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ

با اين كه همه سخنانت پسنديده است خدايا از تو خواهم به حق همه سخنانت خدايا از تو خواهم به حق

مَسآئِلِكَ بِاَحَبِّها اِلَيْكَ، وَكُلُّ مَسآئِلِكَ اِلَيْكَ حَبيبَةٌ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

محبوبترين خواسته هايت پيش تو گرچه همه خواسته هايت پيش تو محبوب است خدايا از تو خواهم

بِمَسآئِلِكَ كُلِّها، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ، وَكُلُّ شَرَفِكَ

به حق همه خواسته هايت خدايا از تو خواهم به حق شريفترين مراتب شرفت با اين كه تمام مراتب آن

شَريفٌ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ

شريف است خدايا از تو خواهم به همه مراتب شرفت خدايا از تو خواهم به حق ابدى ترين مراتب سلطنت

بِاَدْوَمِهِ، وَكُلُّ سُلطانِكَ دآئِمٌ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ

گرچه تمام مراتب سلطنتت جاويدان است خدايا از تو خواهم به حق تمام مراتب سلطنتت خدايا

اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ، وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

از تو خواهم به حق گرانمايه ترين مراتب فرمانروايیت گرچه تمام مراتب فرمانروايیت گرانمايه است خدايا از تو خواهم

بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاَعْلاهُ، وَكُلُّ عُلُوِّكَ عال،

به همه مراتب فرمانروايیت خدايا از تو خواهم به والاترين مقام بلندت گرچه همه مراتب آن والاست

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ، وَكُلُّ

خدايا از تو خواهم به همه مراتب بلنديت خدايا از تو خواهم به حق قديمترين نعمتت گرچه

مَنِّكَ قَديمٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ آياتِكَ

همه نعمتهايت قديم است خدايا از تو خواهم به حق نعمتهايت خدايا از تو خواهم به حق

بِاَكْرَمِها، وَكُلُّ آياتِكَ كَريمَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِآياتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّى

گرامى ترين آياتت گرچه همه آيات تو گرامى است خدايا از توخواهم به حق همه آياتت خدايا از تو

اَسْئَلُكَ بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ الشَّاْنِ وَالْجَبَرُوتِ، وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَاْن وَحْدَهُ

خواهم بدانچه در آنى از شأن و مقام و بزرگى و از تو خواهم به هر شأن و مقامى جدا

وَجَبَرُوت وَحْدَها، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِما تُجيبُنى [بِهِ] حينَ اَسْئَلُكَ،

و به هر بزرگى جداگانه خدايا از تو خواهم به آنچه اجابت كنى دعايم را هنگامى كه از تو خواهم

فَاَجِبْنى يا اَللّٰهُ. كه اجابت كنى اى خدا.

دعای ابوحمزه ثمالی

دعای ابوحمزه ثمالی که در سحرگاهان ماه رمضان خوانده می شود، از مضامین و محتوای بسیار بلندی برخوردار است که اگر کسی اندکی آمادگی روحی داشته باشد و با توجّه، این دعا را بخواندبه یقین درعمق وجودش نورانیّت خاصّی وارد می شود ودردل وجانش انقلابی ایجاد می کند.

دعای ابوحمزه ثمالی علاوه بر آن که یك دوره درس خداشناسی را در بر دارد، راه و رسم بندگی و طریق انابه و توبه و بازگشت به پروردگار را به ما می آموزد.

ابوحمزه ثمالی می گوید: امام زین العابدین(علیه السلام) در طول شب های ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می ایستاد و چون هنگام سحر فرا می رسید، این دعا را می خواند:

اِلهی لا تُؤَدِّبْنی بِعُقُوبَتِكَ، وَلا تَمْكُرْ بی فی حیلَتِكَ، مِنْ اَیْنَ لِیَ الْخَیْرُ یا

خدایا مرا به مجازات و عقوبتت ادب مکن و مکر مکن به من با حیله ات از کجا خیری بدست آورم ای

رَبِّ، وَلا یُوجَدُ اِلاَّ مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ اَیْنَ لِیَ النَّجاةُ، وَلا تُسْتَطاعُ اِلاَّ بِكَ،

پروردگار من با این که خیری یافت نشود جز در پیش تو و از کجا نجاتی برایم باشد با این که نجاتی نتوان یافت جز به کمك تو

لاَ الَّذی اَحْسَنَ اسْتَغْنی عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَلاَ الَّذی اَساءَ وَاجْتَرَءَ

نه آن کس که نیکی کند بی نیاز است از کمك تو و رحمتت و نه آن کس که بد کند و دلیری

عَلَیْكَ وَلَمْ یُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ

بر تو کند و خشنودیت نجوید از تحت قدرت تو بیرون رود ای پروردگار من

به اندازه یك نفس بگوید.

سپس بگوید:

بِكَ عَرَفْتُكَ، وَاَنْتَ دَلَلْتَنى عَلَيْكَ، وَ دَعَوْتَنى اِلَيْكَ، وَ لَوْ لا

بوسیله خودت من ترا شناختم و تو مرا برخود راهنمایی کردی و بسوی خود خواندی و اگر

اَنْتَ لَمْ اَدْرِ ما اَنْتَ، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذى اَدْعُوهُ فَيُجيبُنى، وَ اِنْ كُنْتُ بَطيئاً

تو نبودی من ندانستم که تو کیستی ستایش خدایی را که می خوانمش و او پاسخم دهد و اگرچه وقتی می خواندم بکندی

حينَ يَدْعُونى، وَ الْحَمْدُ للهِ الَّذى اَسْئَلُهُ فَيُعْطينى، وَ اِنْ كُنْتُ بَخيلاً حينَ

به درگاهش روم و ستایش خدایی را که می خواهم از او و به من عطا می کند و اگرچه در هنگامی که او از من چیزی

يَسْتَقْرِضُنى، وَ الْحَمْدُ للهِ الَّذى اُناديهِ كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتى، وَاَخْلُو بِهِ

قرض خواهد من بخل کنم و ستایش خدایی را که هرگاه برای حاجتی بخواهم او را ندا کنم و هر زمان

حَيْثُ شِئْتُ لِسِرّى بِغَيْرِ شَفيع فَيَقْضى لى حاجَتى، اَلْحَمْدُللهِ الَّذى لا

بخواهم برای راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد ستایش خدایی را که جز او

اَدْعُو غَيْرَهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لى دُعآئى، وَالْحَمْدُ للهِ الَّذى لا

کسی را نخوانم و اگر غیر او دیگری را می خواندم دعایم را مستجاب نمی کرد و ستایش خدایی را که بجز او

اَرْجُو غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لاَخْلَفَ رَجآئى، وَالْحَمْدُ للهِ الَّذى وَكَلَنى

امید ندارم و اگر به غیر او امیدی داشتم ناامیدم می کرد و ستایش خدایی را که مرا به حضرت خود

اِلَيْهِ فَاَكْرَمَنى، وَلَمْ يَكِلْنى اِلَى النّاسِ فَيُهينُونى، وَالْحَمْدُ للهِ الَّذى تَحَبَّبَ

واگذار کرده و از این رو به من اکرام کرده و به مردم واگذارم نکرده که مرا خوار کنند و ستایش خدایی را که با من

اِلَىَّ وَهُوَ غَنِىٌّ عَنّى، وَالْحَمْدُ للهِ الَّذى يَحْلُمُ عَنّى حَتّى كَاَنّى لا ذَنْبَ لى،

دوستی کند در صورتی که از من بی نیاز است و ستایش خدایی را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی که گویا گناهی ندارم

فَرَبّى اَحْمَدُ شَىْء عِنْدى وَاَحَقُّ بِحَمْدى، اَللّـٰهُمَّ اِنّى اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ

پس پروردگار من ستوده ترین چیزهاست نزد من و به ستایش من سزاوارتر است خدایا من همه راههای مقاصد را

اِلَيْكَ مُشْرَعَةً، وَمَناهِلَ الرَّجآءِ اِلَيْكَ مُتْرَعَةً، وَالاِسْتِعانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ

به سوی تو باز می بینم و چشمه های امید را بسویت سرشار می یابمو یاری جستن به فضل تو برای

اَمَّلَكَ مُباحَةً، وَاَبْوابَ الدُّعآءِ اِلَيْكَ لِلصّارِخينَ مَفْتُوحَةً، وَاَعْلَمُ اَنَّكَ

آرزومندانت مباح و بی مانع است و درهای دعای بسوی تو برای فریادکنندگان باز است و به خوبی می دانم که تو

لِلرّاجى بِمَوْضِعِ اِجابَة، وَلِلْمَلْهُوفينَ بِمَرْصَدِ اِغاثَة، وَاَنَّ فِى اللَّهْفِ اِلى

برای اجابت شخص امیدوار آماده ای و برای فریادرسی اندوهگینان مهیای فریادرسی هستی و براستی می دانم که در پناهندگی به

جُودِكَ، وَالرِّضا بِقَضآئِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمّا فى

جود و کرمت و خشنودی به قضا و قدرت عوضی است از جلوگیری کردن بخیلان و گشایشی است از احتیاج بدانچه در

اَيْدِى الْمُسْتَأْثِرينَ، وَاَنَّ الرّاحِلَ اِلَيْكَ قَريبُ الْمَسافَةِ، وَاَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ

دست دنیاطلبان است و براستی کوچ کننده به درگاهت راهش نزدیك است و مسلّماً تو از خلق خود در حجاب

عَنْ خَلْقِكَ اِلاَّ اَنْ تَحْجُبَهُمُ الاَعْمالُ دُونَكَ، وَقَدْ قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِطَلِبَتى،

نشوی مگر آن که کردارشان میان آنها و تو حاجب شود و من با مطلبی که دارم قصد تو را کرده

وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِحاجَتى، وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغاثَتى، وَبِدُعآئِكَ تَوَسُّلى،

و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم و استغاثه ام را به درگاه تو قرار دادم و دعای تو را دست آویز خود کردم

مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقاق لاِسْتِماعِكَ مِنّى، وَلاَ اسْتيجاب لِعَفْوِكَ عَنّى، بَلْ

بی آن که من استحقاق داشته باشم که تو از من بشنوی و نه مستوجب آنم که از من بگذری بلکه

لِثِقَتى بِكَرَمِكَ، وَسُكُونى اِلى صِدْقِ وَعْدِكَ، وَلَجَأى اِلَى الاْيمانِ

بدان اعتمادی که من به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به درستی وعده ات دارم و به خاطر پناهندگیم به ایمان و اعتقادی که

بِتَوْحيدِكَ، وَيَقيني[وَ ثِقَتي] بِمَعْرِفَتِكَ مِنّي اَنْ لا رَبَّ لي غَيْرُكَ، وَلا اِلـهَ

بر يگانگى تو دارم و يقينى كه به معرفت و شناسايى تو دارم كه مى دانم پروردگارى غير تو نيست و معبودى

اِلاَّ اَنْتَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، اَللّهُمَّ اَنْتَ الْقائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَوَعْدُكَ

جز تو وجود ندارد يگانه اى كه شريكى برايت نيست خدايا تو فرمودى و گفتارت حق و وعده ات

صِدْقٌ: وَاسْئَلُوا اللّهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّهَ كانَ بِكُمْ رَحيماً. وَلَيْسَ مِنْ صِفاتِكَ

راست است (كه فرمودى) «و درخواست كنيد خدا را از فضلش كه براستى او به شما مهربان است» و رسم تو چنان نيست

يا سَيِّدي اَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ، وَاَنْتَ الْمَنّانُ بِالْعَطِيّاتِ عَلى

اى آقاى من كه دستور سؤال بدهى ولى از عطا و بخشش دريغ نموده و خوددارى كنى و تويى بخشاينده به عطايا بر

اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ، وَالْعائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَاْفَتِكَ، اِلـهي رَبَّيْتَني في نِعَمِكَ

اهل كشور خود و متوجه بدانها به مهربانى و رأفتت خدايامرا در خردسالى در نعمتها

وَاِحْسانِكَ صَغيراً، وَنَوَّهْتَ بِاسْمي كَبيراً، فَيا مَنْ رَبّاني فِي الدُّنْيا

و احسان خويش پروريدى و در بزرگى نامم را بر سر زبانها بلند كردى پس اى كه در دنيا مرا

بِاِحْسانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ، وَاَشارَ لي فِي الاْخِرَةِ اِلى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ،

به احسان و فضل و نعمتهاى خود پروريدى و براى آخرتم به عفو و كرم اشارت فرمودى

مَعْرِفَتي يا مَوْلايَ دَليلي عَلَيْكَ، وَحُبّي لَكَ شَفيعي اِلَيْكَ، وَاَنَا واثِقٌ مِنْ

اى مولاى من شناساييم به تو راهنماى من بسوى توست و محبّتى كه به تو دارم شفيع من است به درگاهت و من از

دَليلي بِدَلالَتِكَ، وَساكِنٌ مِنْ شَفيعي اِلى شَفاعَتِكَ، اَدْعُوكَ يا سَيِّدي

راهنمايى كردن اين دليلم بسوى تو مطمئنم و از پذيرفتن شفيعم از جانب تو آسوده خاطرم مى خوانمت اى آقاى من

بِلِسان قَدْ اَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ اُناجيكَ بِقَلْب قَدْ اَوْبَقَهُ جُرْمُهُ،

به زبانى كه گناه لالش كرده پروردگارا با تو راز گويم بوسيله دلى كه جنايت به هلاكتش كشانده

اَدْعُوكَ یا رَبِّ راهِباً راغِباً راجِیاً خآئِفاً، اِذا رَاَیْتُ مَوْلاىَ ذُنُوبى

مى خوانمت اى پروردگار من هراسان و خواهانو امیدوار و ترسان، اى مولاى من هنگامى که گناهانم را مشاهده مى کنم

فَزِعْتُ، وَاِذا رَاَیْتُ کَرَمَکَ طَمِعْتُ، فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَیْرُ راحِمٍ، وَاِنْ عَذَّبْتَ

هراسان شوم و چون بزرگوارى تو را بینم به طمع افتم خدایا اگر بگذرى بهترین مهرورزى و اگر عذاب کنى

فَغَیْرُ ظالِمٍ، حُجَّتى یا اَللهُ فى جُرْاَتى عَلى مَسْئَلَتِکَ مَعَ اِتْیانى ما تَکْرَهُ،

ستم نکرده اى، دلیل و بهانه من اى خدا در این که دلیرى کنم در سؤال کردن از تو با این که رفتارم خوشایند تو نیست

جُودُکَ وَکَرَمُکَ، وَعُدَّتى فى شِدَّتى مَعَ قِلَّةِ حَیائى، رَاْفَتُکَ وَرَحْمَتُکَ،

همان جود و کرم توست و ذخیره من در سختیم با بى شرمى من همان رأفت و مهربانى توست

وَقَدْ رَجَوْتُ اَنْ لا تَخیبَ بَیْنَ ذَیْنِ وَذَیْنِ مُنْیَتى، فَحَقِّقْ رَجآئى، وَاسْمَعْ

و براستى امیدوارم که نومید مکنى میان این و آن آروزیم را پس امیدم را صورت عمل ده و دعایم را

دُعآئى، یا خَیْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ، وَاَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ، عَظُمَ یا سَیِّدى

شنیده گیر اى بهترین کسى که خوانندگان بخوانندش و برتر کسى که امیدواران بدو امید دارند اى آقایم

اَمَلى، وَسآءَ عَمَلى، فَاَعْطِنى مِنْ عَفْوِکَ بِمِقْدارِ اَمَلى، وَلا تُؤاخِذْنى

آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تواز عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده و مرا به بدترین

بِاَسْوَءِ عَمَلى، فَاِنَّ کَرَمَکَ یَجِلُّ عَنْ مُجازاةِ الْمُذْنِبینَ، وَحِلْمَکَ یَکْبُرُ

عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است از مجازات گنهکاران و بردباریت بزرگتر است

عَنْ مُکافاةِ الْمُقَصِّرینَ، وَ اَ نَا یاسَیِّدى عائِذٌ بِفَضْلِکَ، هارِبٌ مِنْکَ اِلَیْکَ،

از مکافات تقصیرکاران و من اى آقایم به فضلت پناهنده گشته و از تو بسوى خودت گریخته ام

مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ اَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً، وَما اَ نَا يا رَبِّ وَما

و خواستارم آنچه را وعده کردی از چشم پوشی نسبت به کسی که خوش گمان به تو است، من چه ام پروردگارا؟ و چه

خَطَرى، هَبْنى بِفَضْلِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَىَّ بِعَفْوِكَ، اَىْ رَبِّ جَلِّلْنى بِسَتْرِكَ،

اهمیتی دارم؟ مرا به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کن و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود بپوشان

وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخى بِكَرَمِ وَجْهِكَ، فَلَوِ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلى ذَنْبى غَيْرُكَ

و به کرم ذاتت از سرزنش کردن من درگذر پس اگر دیگری جز تو بر گناهم آگاه می شد

ما فَعَلْتُهُ، وَلَوْ خِفْتُ تَعْجيلَ الْعُقُوبَةِ لاَجْتَنَبْتُهُ، لا لاَنَّكَ اَهْوَنُ النّاظِرينَ،

گناه را انجام نمی دادم و اگر از زود به کیفر رسیدن می ترسیدم باز هم خودداری می کردم و این که گناه کردم نه برای آن بود که تو سبکترین بینندگانی

وَاَخَفُّ الْمُطَّلِعينَ [عَلَىَّ]، بَلْ لاَنَّكَ يارَبِّ خَيْرُ السّاتِرينَ، وَاَحْكَمُ

و یا بی مقدارترین مطلعین هستی بلکه برای آن بود که تو ای پروردگار من بهترین پوشندگان و حکم کننده ترین

الْحاكِمينَ، وَاَكْرَمُ الاَكْرَمينَ، سَتّارُ الْعُيُوبِ، غَفّارُ الذُّنُوبِ، عَلاّمُ

حاکمان و گرامی ترین گرامیان و پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهانان ای دانای

الْغُيُوبِ، تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ

نهانها که گناه را به کرمت می پوشانی و کیفر را به واسطه بردباریت به تأخیر اندازی پس تو را ستایش سزاست

عَلى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَعَلى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَيَحْمِلُنى وَيُجَرِّئُنى

بر بردباریت پس از دانستن و بر گذشتت پس از توانایی داشتن و همین گذشت تو از من مرا وادار کرده و دلیر ساخته

عَلى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنّى، وَيَدْعُونى اِلى قِلَّةِ الْحَياءِ سَتْرُكَ عَلَىَّ،

بر نافرمانیت و همان پرده پوشیت بر من مرا به بی شرمی واداشته

وَيُسْرِعُنى اِلَى التَّوَثُّبِ عَلى مَحارِمِكَ مَعْرِفَتى بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَعَظيمِ

و همان معرفتی که من به فراخی رحمتت دارم و بزرگی عفوت مرا بدست زدن به کارهای حرام شتابان می کند

عَفْوِكَ، يا حَليمُ يا كَريمُ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا غافِرَ الذَّنْبِ، يا قابِلَ التَّوْبِ،

ای بردبار ای بزرگوار ای زنده و ای پاینده ای آمرزنده گناه ای پذیرنده گناه

يا عَظيمَ الْمَنِّ، يا قَديمَ الاِحسانِ، اَيْنَ سَتْرُكَ الْجَميلُ، اَيْنَ عَفْوُكَ

ای بزرگ نعمت ای دیرینه احسان کجاست پرده پوشی زیبایت؟ کجاست گذشت

الْجَليلُ، اَيْنَ فَرَجُكَ الْقَريبُ، اَيْنَ غِياثُكَ السَّريعُ، اَيْنَ رَحْمَتُكَ الْواسِعَةُ،

بزرگت؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست فریادرسی فوریت؟ کجاست رحمت وسیعت؟

اَيْنَ عَطاياكَ الْفاضِلَةُ، اَيْنَ مَواهِبُكَ الْهَنيئَةُ، اَيْنَ صَنائِعُكَ السَّنِيَّةُ، اَيْنَ

کجاست عطاهای برجسته ات؟ کجاست بخششهای دلچسبت؟ کجاست نیکی های شایانت؟ کجاست

فَضْلُكَ الْعَظيمُ، اَيْنَ مَنُّكَ الْجَسيمُ، اَيْنَ اِحْسانُكَ الْقَديمُ، اَيْنَ كَرَمُكَ يا

فضل عظیمت؟ کجاست نعمت بزرگت؟ کجاست احسان دیرینه ات؟ کجاست کرمت؟ ای

كَريمُ، بِهِ وَ بِمُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد فَاسْتَنْقِذْنى، وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنى، يا

کریم بدان (چه گفتم) و به محمّد و آل محمّد مرا نجات ده و به رحمتت خلاصم کن ای

مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ، يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ، لَسْتُ اَتَّكِلُ فِى النَّجاةِ مِنْ عِقابِكَ

نیکو ای نیکو بخش ای نعمت ده ای زیاده بخش چنان نیست که من برای نجات از عقاب تو

عَلى اَعْمالِنا، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنا، لاَنَّكَ اَهْلُ التَّقْوى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تُبْدِئُ

به کارهامان تکیه کنم بلکه به فضلی که بر ما داری تکیه زنم زیرا تو اهل تقوا و شایسته آمرزشی آغاز کنی

بِالاِحْسانِ نِعَماً، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً، فَما نَدْرى ما نَشْكُرُ اَجَميلَ ما

به احسان از روی نعمت بخشی و گذشت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری و با این وضع ما ندانیم کدام یك را سپاس گوییم: آن نیکیها

تَنْشُرُ، اَمْ قَبيحَ ما تَسْتُرُ، اَمْ عَظيمَ ما اَبْلَيْتَ وَاَوْلَيْتَ، اَمْ كَثيرَ ما مِنْهُ نَجَّيْتَ

که پراکنده کنی یا زشتیها که بپوشانی یا بزرگ آزمایشت و شایستگی نعمتت یا آن همه چیزهایی که ما را از آن نجات داده

وَعافَيْتَ، يا حَبيبَ مَنْ تَحَبَّبَ اِلَيْكَ، وَيا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لاذَبِكَ وَانْقَطَعَ

و عافیت دادی ای دوست کسی که با تو دوستی کند و ای نور دیده کسی که پناه به تو آرد و از دیگران

اِلَيْكَ، اَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسيئُونَ، فَتَجاوَزْ يا رَبِّ عَنْ قَبيحِ ما

ببرد تویی نیکوکار و ماییم گنهکار پس درگذر ای پروردگار از زشتیهای

عِنْدَنا بِجَميلِ ما عِنْدَكَ، وَاَيُّ جَهْلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جُودُكَ، اَوْ اَيُّ زَمانٍ

ما به نیکیهای خود و کدام نادانی است ای پروردگار که جود تو فرایش نگیرد و چه روزگاری

اَطْوَلُ مِنْ اَناتِكَ، وَما قَدْرُ اَعْمالِنا فى جَنْبِ نِعَمِكَ، وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ

درازتر از زمان بردباری توست و چه ارزشی دارد اعمال ما در جنب نعمتهایت و چگونه زیاد بشمریم

اَعْمالاً نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ، بَلْ كَيْفَ يَضيقُ عَلَى الْمُذْنِبينَ ما وَسِعَهُمْ مِنْ

اعمال (بدمان) را که بتوانیم آنها را برابر با کرم تو کنیم بلکه چگونه ممکن است میدان بر گنهکاران تنگ شود با آن رحمت وسیعت

رَحْمَتِكَ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، فَوَ عِزَّتِكَ يا

که ایشان را فراگرفته ای وسیع آمرزش ای دو دستت به رحمت باز سوگند به عزتت ای

سَيِّدى لَوْ نَهَرْتَنى ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ، وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ، لِمَا انْتَهى

آقای من اگرچه برانیم من از در خانه ات برنخیزم و از تملق و چاپلوسیت دست برندارم چون اطلاع

اِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَاَنْتَ الْفاعِلُ لِما تَشاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ

از جود و کرمت پیدا کرده ام و تویی کننده هرچه بخواهی عذاب کنی هرکه را

تَشآءُ بِما تَشآءُ كَيْفَ تَشآءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشآءُ بِما تَشآءُ كَيْفَ تَشآءُ، لا

خواهی به هرچه خواهی به هر طورکه خواهی ورحم کنی هرکه راخواهی به هرچه خواهی هرطورکه خواهی

تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ، وَلا تُنازَعُ فی مُلْكِكَ، وَلا تُشارَكُ فی اَمْرِكَ، وَلا

بازپرسی از کار تو نشود و نزاعی در فرمانروایيت رخ ندهد و شریکی در کارت نباشد

تُضآدُّ فی حُكْمِكَ، وَلا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ اَحَدٌ فی تَدْبيرِكَ، لَكَ الْخَلْقُ

و ضدّیتی در حکمت نباشد و کسی نیست که در تدبیر تو بر تو اعتراض کند آفرینش و دستور

وَالاَمْرُ، تَبارَكَ اللهُ رَبُّ الْعالَمينَ، يا رَبِّ هذا مَقامُ مَنْ لاذَبِكَ وَاسْتَجارَ

از توست برتر است خدا پروردگار جهانیان پروردگارا این جایگاه کسی است که به توروی آورده و

بِكَرَمِكَ، وَاَلِفَ اِحْسانَكَ وَنِعَمَكَ، وَاَنْتَ الْجَوادُ الَّذی لايَضيقُ عَفْوُكَ،

به کرمت پناه جسته و به احسان و نعمتت خو گرفته و تویی بخشاینده ای که تنگ نايد عفوت

وَلا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ، وَقَدْ تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَديمِ،

و کاهش نیابد فضل و بخششت و کم نگردد مهر و رحمتت و ما بدان چشم پوشی دیرینه

وَالْفَضْلِ الْعَظيمِ، وَ الرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ، اَفَتُراكَ يا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنا، اَوْ

و فضل عظیمت و رحمت پهناورت اعتماد کرده ایم آیا چنان می بینی پروردگارا که برخلاف گمانهای ما رفتار کنی یا

تُخَيِّبُ آمالَنا، كَلاّ يا كَريمُ فَلَيْسَ هذا ظَنُّنا بِكَ، وَ لا هذا فيكَ طَمَعُنا، يا

آرزوهایمان نومید کنی؟ هرگز! ای کریم چون ما چنین گمانی به تو نداریم و طمع ما درباره تو اینگونه نیست

رَبِّ اِنَّ لَنا فيكَ اَمَلاً طَويلاً كَثيراً، اِنَّ لَنا فيكَ رَجآءً عَظيماً، عَصَيْناكَ

پروردگارا براستی ما درباره تو آرزوی دراز و بسیاری داریم براستی ما نسبت به تو امید بزرگ و زیادی داریم، تو را نافرمانی کردیم

وَنَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنا، وَ دَعَوْناكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتَجيبَ لَنا،

ولی امیدواریم که تو بپوشانی بر ما و خواندیم تو را و امیدواریم که تو اجابت کنی ما را

فَحَقِّقْ رَجآئَنا مَوْلانا، فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِاَعْمالِنا، وَلكِنْ عِلْمُكَ

پس امید ما را تحقق بخش ای مولای ما که براستی ما می دانیم که به اعمالمان مستوجب چه(پاداشی) هستیم ولی علم تو

فينا وَ عِلْمُنا بِاَنَّكَ لا تَصْرِفُنا عَنْكَ، وَ اِنْ كُنّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبينَ لِرَحْمَتِكَ،

درباره ما و علم ما درباره تو این است که ما را از درگاهت نرانی و اگرچه ما مستوجب رحمت تو نیستیم

فَاَنْتَ اَهْلٌ اَنْ تَجُودَ عَلَيْنا، وَ عَلَى الْمُذْنِبينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ، فَامْنُنْ عَلَيْنا

ولی تو شایسته آنی که بر ما بخشش کنی و بر گنهکاران به فضل وسیعت توجه فرمایی پس بر ما منّت گذار

بِما اَنْتَ اَهْلُهُ، وَجُدْ عَلَيْنا فَاِنّا مُحْتاجُونَ اِلى نَيْلِكَ، يا غَفّارُ بِنُورِكَ

بدانچه تو شایسته آنی و بر ما جود کن که ما نیازمند عطای توییم ای آمرزنده به نور تو

اهْتَدَيْنا، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنا، وَبِنِعْمَتِكَ اَصْبَحْنا وَ اَمْسَيْنا، ذُنُوبُنا بَيْنَ

راه یافتیم و به فضل تو بی نیازی جستیم و به نعمت تو صبح و شام کردیم گناهان ما

يَدَيْكَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللّهُمَّ مِنْها وَنَتُوبُ اِلَيْكَ، تَتَحَبَّبُ اِلَيْنا بِالنِّعَمِ،

پیش روی توست که ما از آنها آمرزش خواهیم و بسویت توبه کنیم تو با نعمتهایت بر ما دوستی کنی و

وَنُعارِضُكَ بِالذُّنُوبِ،خَيْرُكَ اِلَيْنا نازِلٌ، وَشَرُّنا اِلَيْكَ صاعِدٌ، وَلَمْ يَزَلْ وَ لا

ما به گناهان با تو معارضه و برابری کنیم خیر تو بر ما نازل گردد و در برابر شرّ ما بسوی تو بالا آید و تو همیشه تا بوده

يَزالُ مَلَكٌ كَريمٌ يَأْتيكَ عَنّا بِعَمَل قَبيح، فَلا يَمْنَعُكَ ذلِكَ مِنْ اَنْ تَحُوطَنا

و هست پادشاه بزرگوار و کریمی بوده ای که از جانب ما کارهای زشت بسوی تو آید ولی آنها جلوگیریت نکند از این که ما را به

بِنِعَمِكَ، وَ تَتَفَضَّلَ عَلَيْنا بِآلائِكَ، فَسُبْحانَكَ ما اَحْلَمَكَ وَ اَعْظَمَكَ

نعمتهای خود فراگیری و خود بر ما تفضل کنی پس منزهی تو که چقدر بردباری و چه بزرگ و

وَاَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَ مُعيداً، تَقَدَّسَتْ اَسْمآئُكَ، وَجَلَّ ثَناؤُكَ، وَكَرُمَ صَنائِعُكَ

كريمى چه در آغاز (نعمت) و چه در ادامه آن نامهايت مقدّس و ستايشت ارجمند است و كارها

وَفِعالُكَ، اَنْتَ اِلهى اَوْسَعُ فَضْلاً، وَاَعْظَمُ حِلْماً مِنْ اَنْ تُقايِسَنى بِفِعْلى

و رفتارت گرانبهاست فضل تو اى معبود من وسيعتر و بردباريت بزرگتر از آن است كه مرا به كردار و

وَخَطيئَتى، فَالْعَفْوَ اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ، سَيِّدى سَيِّدى سَيِّدى، اَللّهُمَّ اشْغَلْنا

گناهم بسنجى از من درگذردرگذردرگذر اى آقاى من... آقاى من... آقاى من خدايا ما را به ذكر خود

بِذِكْرِكَ، وَ اَعِذْنا مِنْ سَخَطِكَ، وَ اَجِرْنا مِنْ عَذابِكَ، وَ ارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِكَ،

مشغول كن و از خشمت پناهمان ده و از عذابت امانمان ده و از بخششهايت روزيمان گردان

وَ اَنْعِمْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلِكَ، وَ ارْزُقْنا حَجَّ بَيْتِكَ، وَ زِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ،

و از فضل خود بر ما انعام كن و روزى ما كن حج خانه ات و زيارت قبر پيامبرت را

صَلَواتُكَ وَ رَحْمَتُكَ وَ مَغْفِرَتُكَ وَ رِضْوانُكَ عَلَيْهِ وَ عَلى اَهْلِ بَيْتِهِ، اِنَّكَ

كه درود تو و رحمت و آمرزش و خشنوديت بر او و بر خاندانش باد كه براستى تو

قَريبٌ مُجيبٌ، وَ ارْزُقْنا عَمَلاً بِطاعَتِكَ، وَ تَوَفَّنا عَلى مِلَّتِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ

به خلق نزديكى و اجابت كننده دعايىو عمل به طاعتت را روزى ما گردان و بر كيش خودت و روش پيامبرت

صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لى وَ لِوالِدَىَّ وَ ارْحَمْهُما كَما رَبَّيانى

كه درود تو بر او و آلش باد ما را بميران خدايا بيامرز مرا و پدر و مادرم را و برايشان رحم كن چنانچه مرا در

صَغيراً، اِجْزِهِما بِالاِحسانِ اِحْساناً، وَ بِالسَّيِّئاتِ غُفْراناً، اَللّهُمَّ اغْفِرْ

كودكى پروريدند و پاداششان بده در برابر نيكى به نيكى و در مقابل بديها به آمرزش خدايا بيامرز

لِلْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ، اَلاَحياَءِ مِنْهُمْ وَ الاَمواتِ، وَ تابِعْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ

مردان و زنان با ایمان را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان را

بِالْخَيْراتِ، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنا وَ مَيِّتِنا، وَ شاهِدِنا وَ غآئِبِنا، ذَكَرِنا وَاُنْثانا،

در نیکیها خدایا بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غائب ما، مرد ما و زن ما را؛

صَغيرِنا وَكَبيرِنا، حُرِّنا وَ مَمْلُوكِنا، كَذَبَ الْعادِلُونَ بِاللّهِ، وَ ضَلُّوا ضَلالاً

کوچك ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را، دروغ گفتند برگشتگان از خدا و گمراه شدند گمراهی

بَعيداً، وَ خَسِرُوا خُسْراناً مُبيناً، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد،

دوری و زیان کردند زیان آشکاری خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و

وَاخْتِمْ لى بِخَيْر، وَ اكْفِنى ما اَهَمَّنى مِنْ اَمْرِ دُنْياىَ وَ آخِرَتى، وَ لاتُسَلِّطْ

کارم را ختم به خیر کن و کفایت کن آنچه اندیشه ام را به خود مشغول کرده از کار دنیا و آخرتم و مسلط مکن

عَلَىَّ مَنْ لا يَرْحَمُنى، وَاجْعَلْ عَلَىَّ مِنْكَ واقِيَةً باقِيَةً، وَلا تَسْلُبْنى صالِحَ

بر من کسی را که به من رحم نکند و بنه بر من از نزد خود نگهبانی همیشگی و از من نعمتهای شایسته خود را

ما اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَىَّ، وَ ارْزُقْنى مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً، اَللّهُمَّ

که به من داده ای سلب مفرما و از فضل خویش روزی فراخ و حلال و پاکی برای من روزی گردان خدایا

احْرُسْنى بِحَراسَتِكَ، وَ احْفَظْنى بِحِفْظِكَ، وَ اكْلاْنى بِكِلائَتِكَ، وَارْزُقْنى

به نگهبانی خود مرا نگهبانی فرما و به حفظ خود حفظم کن و در حمایت خود نگاهداریم کن و روزی من کن

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ، فى عامِنا هذا وَ فى كُلِّ عام، وَ زِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

حج خانه محترمت را در این سال و در هر سال و زیارت قبر پیغمبرت

وَالاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَ لا تُخْلِنی یا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشاهِدِ الشَّریفَةِ،

و قبور ائمه علیهم السلام را و محروم مکن پروردگارا از زیارت این مشاهد شریفه

وَالْمَواقِفِ الْكَریمَةِ، اَللّهُمَّ تُبْ عَلَیَّ حَتّی لا اَعْصِیَكَ، وَ اَلْهِمْنِی الْخَیْرَ

و زیارتگاههای گرامی خدایا توبه ام ده تانافرمانیت نکنم و به دلم انداز کار نیك را

وَالْعَمَلَ بِهِ، وَ خَشْیَتَكَ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ ما اَبْقَیْتَنی یا رَبَّ الْعالَمینَ،

و عمل بدان و ترست را در شب و روز تا هنگامی که در این دنیا زنده ام داری ای پروردگار جهانیان

اَللّهُمَّ اِنّی كُلَّما قُلْتُ قَدْ تَهَیَّاْتُ وَ تَعَبَّاْتُ، وَقُمْتُ لِلصَّلاةِ بَیْنَ یَدَیْكَ

خدایا من هر زمان پیش خود گفتم که دیگر مهیا شده ام و برخاستم برای خواندن نماز در برابرت

وَناجَیْتُكَ، اَلْقَیْتَ عَلَیَّ نُعاساً اِذا اَنَا صَلَّیْتُ، وَ سَلَبْتَنی مُناجاتَكَ اِذا اَ نَا

و با تو به راز پرداختم تو بر من چُرت را مسلط کردی در آن هنگامی که داخل نماز شدم و حال مناجات را از من گرفتی در آن وقتی که

ناجَیْتُ، ما لی كُلَّما قُلْتُ قَدْ صَلُحَتْ سَریرَتی، وَ قَرُبَ مِنْ مَجالِسِ

به راز و نیاز پرداختم، مرا چه شده است که هرگاه با خود گفتم باطن و درونم نیکو شده و نزدیك شده از مجالس

التَّوّابینَ مَجْلِسی، عَرَضَتْ لی بَلِیَّةٌ اَزالَتْ قَدَمی، وَ حالَتْ بَیْنی وَ بَیْنَ

توبه کنندگان مجلس من، گرفتاری و پیش آمدی برایم رخ داده که پایم لغزش پیدا کرده و میان من و خدمتگزاریت

خِدْمَتِكَ، سَیِّدی لَعَلَّكَ عَنْ بابِكَ طَرَدْتَنی، وَ عَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّیْتَنی، اَوْ

حائل گشته ای آقای من شاید مرا از دَرِ خانه ات رانده ای و از خدمتت دورم کرده ای یا

لَعَلَّكَ رَاَیْتَنی مُسْتَخِفّاً بِحَقِّكَ فَاَقْصَیْتَنی، اَوْ لَعَلَّكَ رَاَیْتَنی مُعْرِضاً عَنْكَ

شاید دیده ای سبك شمارم حقّت را پس دورم کرده ای یا شاید دیده ای از تو رو گردانده ام

فَقَلَیْتَنی، اَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنی فی مَقامِ الْكاذِبینَ فَرَفَضْتَنی، اَوْ لَعَلَّكَ

پس خشمم کرده ای یا شاید مرا در جایگاه دروغگویانم دیده ای پس رهایم کرده ای یا شاید

رَاَیْتَنی غَیْرَ شاكِرٍ لِنَعْمآئِكَ فَحَرَمْتَنی، اَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنی مِنْ مَجالِسِ

دیده ای سپاسگزار نعمتهایت نیستم پس محروم ساخته ای یا شاید مرا در مجلس

الْعُلَمآءِ فَخَذَلْتَنی، اَوْ لَعَلَّكَ رَاَیْتَنی فِی الْغافِلینَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آیَسْتَنی،

علما نیافته ای پس خوارم کرده ای یا شاید مرا در زمره غافلانم دیده ای پس از رحمت خویش بی بهره ام کرده ای

اَوْ لَعَلَّكَ رَاَیْتَنی آلِفَ مَجالِسِ الْبَطّالینَ فَبَیْنی وَبَیْنَهُمْ خَلَّیْتَنی، اَوْ لَعَلَّكَ

یا شاید مرا مأنوس با مجالس بیهوده گذرانم دیده ای پس مرا به آنها واگذاشته ای یا شاید

لَمْ تُحِبَّ اَنْ تَسْمَعَ دُعآئی فَباعَدْتَنی، اَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمی وَ جَریرَتی

دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس از درگاهت دورم کرده ای یا شاید به جرم و گناهم

كافَیْتَنی، اَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَیآئی مِنْكَ جازَیْتَنی، فَاِنْ عَفَوْتَ یا رَبِّ، فَطالَ

کیفرم داده ای یا شاید به بی شرمیم مجازاتم کرده ای پس اگر از من بگذری پروردگارا بجاست چون بسیار

ما عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبینَ قَبْلی، لاَنَّ كَرَمَكَ اَیْ رَبِّ یَجِلُّ عَنْ مُكافاتِ

اتفاق افتاده که از گنهکاران پیش از من گذشته ای زیرا کرم تو پروردگارا برتر از کیفر کردن

الْمُقَصِّرینَ، وَ اَ نَا عائِذٌ بِفَضْلِكَ، هارِبٌ مِنْكَ اِلَیْكَ، مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدْتَ مِنَ

تقصیرکاران است و من پناهنده به فضل توام و از ترس تو بسوی خودت گریخته ام و درخواست انجام وعده ات را

الصَّفْحِ عَمَّنْ اَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً، اِلهی اَنْتَ اَوْسَعُ فَضْلاً، وَ اَعْظَمُ حِلْماً مِنْ اَنْ

در چشم پوشی از کسی که خوش گمان به توست دارم خدایا تو فضلت و سیعتر و بردباریت بزرگتر از آن است که

تُقايِسَنى بِعَمَلى، اَوْ اَنْ تَسْتَزِلَّنى بِخَطيئَتى، وَما اَ نَا يا سَيِّدى وَ ما

مرا به كردارم بسنجى يا اين كه مرا به خطايم بلغزانى و چه هستم من اى آقاى من و چه

خَطَرى، هَبْنى بِفَضْلِكَ سَيِّدى، وَ تَصَدَّقْ عَلَىَّ بِعَفْوِكَ، وَ جَلِّلْنى بِسَتْرِكَ،

ارزشى دارم؟ مرا به فضل خويش ببخش اى آقاى من و بر من با عفو خود نيكى كن و با پرده پوشيت بپوشانم

وَاعْفُ عَنْ تَوْبيخى بِكَرَمِ وَجْهِكَ، سَيِّدى اَ نَا الصَّغيرُ الَّذى رَبَّيْتَهُ، وَ اَ نَا

و درگذر از سرزنش كردنم به بزرگوارى ذاتت آقاى من من همان بنده خردسالى هستم كه پروريدى و

الْجاهِلُ الَّذى عَلَّمْتَهُ، وَ اَ نَا الضّآلُّ الَّذى هَدَيْتَهُ، وَ اَ نَا الْوَضيعُ الَّذى

همان نادانى هستم كه دانايش كردى و همان گمراهى هستم كه راهنماييش كردى و همان پستى هستم كه

رَفَعْتَهُ، وَاَ نَا الْخآئِفُ الَّذى آمَنْتَهُ، وَالْجائِعُ الَّذى اَشْبَعْتَهُ، وَالْعَطْشانُ

بلندش كردى و همان ترسانى هستم كه امانش دادى و گرسنه اى هستم كه سيرش كردى و تشنه اى هستم

الَّذى اَرْوَيْتَهُ، وَالْعارِى الَّذى كَسَوْتَهُ، وَالْفَقيرُ الَّذى اَغْنَيْتَهُ، وَالضَّعيفُ

كه سيرابش كردى و برهنه اى هستم كه پوشانديش و ندارى هستم كه دارايش كردى و ناتوانى هستم

الَّذى قَوَّيْتَهُ، وَالذَّليلُ الَّذى اَعْزَزْتَهُ، وَالسَّقيمُ الَّذى شَفَيْتَهُ، وَالسّآئِلُ

كه نيرومندش كردى و خوارى هستم كه عزيزش كردى و دردمندى هستم كه درمانش كردى و خواهنده اى هستم

الَّذى اَعْطَيْتَهُ، وَ الْمُذْنِبُ الَّذى سَتَرْتَهُ، وَ الْخاطِئُ الَّذى اَقَلْتَهُ، وَ اَ نَا

كه عطايش كردى و گنهكارى هستم كه گناهانش را پوشاندى و خطاكارى هستم كه از او گذشتى و

الْقَليلُ الَّذى كَثَّرْتَهُ، وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذى نَصَرْتَهُ، وَ اَ نَا الطَّريدُ الَّذى

اندكى هستم كه بسيارش كردى و خوارشمرده اى هستم كه ياريش كردى و آواره اى هستم كه

آوَيْتَهُ، اَ نَا يارَبِّ الَّذى لَمْ اَسْتَحْيِكَ فِى الْخَلاءِ، وَلَمْ اُراقِبْكَ فِى الْمَلاءِ،

جا و مأوايش دادى منم پروردگارا آن كسى كه در خلوت از تو شرم نكردم و در آشكارا هم رعايت تو را نكردم

اَنَا صاحِبُ الدَّواهِى الْعُظْمى، اَ نَا الَّذى عَلى سَيِّدِهِ اجْتَرى، اَ نَا الَّذى

منم صاحب مصيبتها و ماجراهاى بزرگ منم كسى كه بر آقاى خود دليرى كرده منم كسى كه

عَصَيْتُ جَبّارَ السَّماۤءِ، اَ نَا الَّذى اَعْطَيْتُ عَلى مَعاصِى الْجَليلِ الرُّشا، اَ نَا

نافرمانى برپادارنده آسمانها را كرده ام منم كسى كه براى نافرمانيهاى بزرگى كه كرده ام رشوه داده ام منم

الَّذى حينَ بُشِّرْتُ بِها خَرَجْتُ اِلَيْها اَسْعى، اَ نَا الَّذى اَمْهَلْتَنى فَمَا

آن كسى كه هرگاه نويد گناهى را به من مى دادند بسويش شتابان مى رفتم منم كه مهلتم دادى ولى من

ارْعَوَيْتُ، وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعاصى فَتَعَدَّيْتُ،

به خود نيامدم و بر من پوشاندى ولى من شرم نكردم و نافرمانيها كردم و از حدّ گذراندم

وَاَسْقَطْتَنى مِنْ عَيْنِكَ فَما بالَيْتُ، فَبِحِلْمِكَ اَمْهَلْتَنى، وَبِسَتْرِكَ سَتَرْتَنى،

و از چشم خود مرا انداختى و من اعتنا نكردم پس باز هم به بردباريت مهلتم دادى و به پرده پوشيت مرا پوشاندى

حَتّى كَاَنَّكَ اَغْفَلْتَنى، وَمِنْ عُقُوباتِ الْمَعاصى جَنَّبْتَنى، حَتّى كَاَنَّكَ

تا بدان جا كه گويا از ياد من بيرون رفتو از كيفرهاى گناهان مرا دور داشتى تا به حدى كه

اسْتَحْيَيْتَنى، اِلهى لَمْ اَعْصِكَ حينَ عَصَيْتُكَ وَاَ نَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جاحِدٌ، وَلا

گويا از من شرم كردى خدايا در هنگام گناه كه من نافرمانيت كردم نه از باب اين بود كه پروردگاريت را منكر بودم و يا

بِاَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلا لِوَعيدِكَ مُتَهاوِنٌ، لكِنْ

دستورت را سبك شمردم و يا خود را در معرض كيفرت درآوردم و يا تهديدهاى تو را بى ارزش فرض كردم بلكه

خَطیئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لی نَفْسی، وَ غَلَبَنی هَوایَ، وَ اَعانَنی عَلَیْها

گناهی بود که پیش آمد و نفس سرکش نیز آن را آراست و هوای نفس نیز چیره شد و بدبختی هم

شِقْوَتی، وَ غَرَّنی سَتْرُکَ الْمُرْخی عَلَیَّ، فَقَدْ عَصَیْتُکَ وَ خالَفْتُکَ بِجُهْدی،

کمك کرد و پرده آویخته (پرده پوشی تو) هم مرا مغرور کرد و در نتیجه تا آن جا که می توانستم در نافرمانی و مخالفت تو کوشیدم

فَالاْنَ مِنْ عَذابِکَ مَنْ یَسْتَنْقِذُنی، وَ مِنْ اَیْدِی الْخُصَماءِ غَداً مَنْ

ولی اکنون کیست که از عذاب تو مرا نجات دهد و از دست دشمنان در فردای قیامت چه کسی

ما اَحْصی کِتابُکَ مِنْ عَمَلی، اَلَّذی لَوْلا ما اَرْجُو مِنْ کَرَمِکَ وَسَعَةِ

مبدّل به وحشت مکن و پاداشم را پاداش آن کس که جز تو را پرستیده قرار مده زیرا مردمی بودند که

رَحْمَتِکَ، وَنَهْیِکَ اِیّایَ عَنِ الْقُنُوطِ، لَقَنَطْتُ عِنْدَما اَتَذَکَّرُها، یا خَیْرَ مَنْ

رحمتت نبود و از نا امید شدن بازم نمی داشتی به محض آن که به یاد آنها می افتادم یکسره نا امید می شدم ای بهترین کسی که

دَعاهُ داعٍ، وَاَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ، اَللّٰهُمَّ بِذِمَّةِ الاِسْلامِ اَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ،

خواندش خواننده ای و برترین کسی که امیدش دارد امیدواری خدایا به پیمان اسلام به درگاهت توسل جویم

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اَعْتَمِدُ اِلَیْکَ، وَبِحُبِّی النَّبِیَّ الاُمِّیَّ الْقُرَشِیَّ الْهاشِمِیَّ

و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به دوستی و محبتی که به پیامبر امّی قرشی هاشمی

الْعَرَبِیَّ التِّهامِیَّ الْمَکِّیَّ الْمَدَنِیَّ، اَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَیْکَ، فَلا تُوحِشِ

عربی تهامی مکی مدنی دارم امید تقرب به تو را دارم پس تو انس ایمانی مرا

اسْتیناسَ اِیمانی، وَلا تَجْعَلْ ثَوابی ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواکَ، فَاِنَّ قَوْماً

به زبان ایمان آوردند تا بدان وسیله خون خود را حفظ کنند و بدین مقصود هم رسیدند ولی ما به دل و زبان

بِاَلْسِنَتِنا وَقُلُوبِنا لِتَعْفُوَ عَنّا، فَاَدْرِكْنا ما اَمَّلْنا، وَثَبِّتْ رَجائَكَ فی

به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری پس ما را هم به مقصودمان برسان و امیدت را در دلهای ما ثابت

صُدُورِنا، وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ

و محکم فرما و منحرف مساز دلهای ما را پس از آن که هدایتمان کردی و ببخش بما از نزد خود رحمتی که براستی تویی

اَنْتَ الْوَهّابُ، فَوَعِزَّتِكَ لَوِ انْتَهَرْتَنی ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ، وَلا كَفَفْتُ عَنْ

بسیار بخشنده به عزتت سوگند اگر برانیم من هرگز از در خانه ات برنخیزم و دست از تملق

تَمَلُّقِكَ، لِما اُلْهِمَ قَلْبی مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ، وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ، اِلی مَنْ

و چاپلوسیت برندارم چون شناسایی کرمت و رحمت وسیعت به دلم الهام شده، بنده به نزد چه کسی

یَذْهَبُ الْعَبْدُ اِلاَّ اِلی مَوْلاهُ، وَاِلی مَنْ یَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ اِلاَّ اِلی خالِقِهِ،

رود جز به درگاه مولایش ومخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش

اِلهی لَوْ قَرَنْتَنی بِالاَصْفادِ، وَمَنَعْتَنی سَیْبَكَ مِنْ بَیْنِ الاَشْهادِ، وَدَلَلْتَ

خدایا اگر مرا به زنجیر و بند گرفتارم کنی و بازداری از من عطایت را در میان انظار مردم

عَلی فَضایِحی عُیُونَ الْعِبادِ، وَ اَمَرْتَ بی اِلَی النّارِ، وَ حُلْتَ بَیْنی وَ بَیْنَ

و رسواییهایم را به چشم بندگانت آری و دستور بردنم را بسوی دوزخ صادر کنی و میان من و نیکان

یُخَلِّصُنی، وَ بِحَبْلِ مَنْ اَتَّصِلُ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّی، فَواسَوْاَتا عَلی

خلاصم کند و به ریسمان چه کسی چنگ زنم اگر تو رشته خود را از من قطع کنی پس چه رسوایی است برای من بر آنچه

الاَبْرارِ، ما قَطَعْتُ رَجآئی مِنْكَ، وَ ما صَرَفْتُ تَأْمیلی لِلْعَفْوِ عَنْكَ، وَ لا

حائل گردی من هرگز امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و آرزومندیم را از عفو تو بازنگردانم و

خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبى، اَ نَا لا اَنْسى اَيادِيَكَ عِنْدى، وَسَتْرَكَ عَلَىَّ فى دارِ

بیرون نرود محبّتت از دلم و من نعمتهایی که در دنیا به من دادی و پرده پوشیهایت را فراموش نمی کنم

الدُّنْيا، سَيِّدى اَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيا مِنْ قَلْبى، وَاجْمَعْ بَيْنى وَبَيْنَ

ای آقای من محبت دنیا را از دلم بیرون کن و جمع کن میان من و میان (پیامبرت حضرت)

الْمُصْطَفى، وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ خاتَمِ النَّبِيّينَ مُحَمَّد صَلَّى اللّٰهُ

مصطفی و آلش برگزیدگان خلقت و خاتم پیمبران محمّد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَانْقُلْنى اِلى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ اِلَيْكَ، وَاَعِنّى بِالْبُكآءِ عَلى نَفْسى،

علیه و آله و مرا به درجه توبه و بازگشت بسویت برسان و یاریم ده به گریه کردن بر خویشتن

فَقَدْ اَفْنَيْتُ بِالتَّسْويفِ وَالْآمالِ عُمْرى، وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيِسينَ مِنْ

زیرا که من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوها گذراندم و درآمده ام در جایگاه نا امیدان از

خَيْرى، فَمَنْ يَكُونُ اَسْوَءَ حالاً مِنّى اِنْ اَ نَا نُقِلْتُ عَلى مِثْلِ حالى اِلى

خیر خودم پس کیست که بدحال تر از من باشد اگر من بر این حال بسوی قبرم

قَبْرى، لَمْ اُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتى، وَلَمْ اَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصّالِحِ لِضَجْعَتى، وَمالى لا

منتقل گردم زیرا که آماده اش نکرده ام برای خوابیدنم و فرش نکرده ام آن را به عمل صالح برای آرمیدنم و چرا

اَبْكى وَلا اَدْرى اِلى ما يَكُونُ مَصيرى، وَاَرى نَفْسى تُخادِعُنى، وَ اَيّامى

گریه نکنم در صورتی که نمی دانم به چه سرنوشتی دچار گردم من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را

تُخاتِلُنى، وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَاْسى اَجْنِحَةُ الْمَوْتِ، فَمالى لا اَبْكى، اَبْكى

که مرا بفریبد در حالی که مرگ بالهای خود را بر سرم گسترده پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم

لِخُرُوجِ نَفْسی، اَبْکی لِظُلْمَةِ قَبْری، اَبْکی لِضیقِ لَحَدی، اَبْکی لِسُؤالِ

برای جان دادنم گریه کنم برای تاریکی قبرم گریه کنم برای تنگی لحدم گریه کنم برای سؤال

مُنْکَر وَنَکیرٍ اِیّایَ، اَبْکی لِخُرُوجی مِنْ قَبْری عُرْیاناً ذَلیلاً، حامِلاً ثِقْلی

نکیر و منکر از من گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را

عَلی ظَهْری، اَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ یَمینی وَاُخْری عَنْ شِمالی، اِذِ الْخَلائِقُ فی

به پشتم بار کرده یکبار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ و هریك از خلایق را در

شَأْن غَیْرِ شَأْنی، لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ یَوْمَئِذ شَأْنٌ یُغْنیهِ، وُجُوهٌ یَوْمَئِذ

کاری غیر از کار خود ببینم برای هر یك از آنها در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد چهره هایی در آن روز

مُسْفِرَةٌ، ضاحِکَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَوُجُوهٌ یَوْمَئِذ عَلَیْها غَبَرَةٌ، تَرْهَقُها قَتَرَةٌ

گشاده و خندان و شادمانند و چهره هایی در آن روز غبارآلود است و سیاهی و خواری آنها را

وَذِلَّةٌ، سَیِّدی عَلَیْكَ مُعَوَّلی وَمُعْتَمَدی، وَرَجآئی وَتَوَکُّلی، وَبِرَحْمَتِكَ

فراگرفته ای آقای من بر توست تکیه و اعتماد و امیدو توکلم و به رحمت تو

تَعَلُّقی، تُصیبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشآءُ، وَتَهْدی بِکَرامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ

آویخته ام، به رحمت خود رسانی هرکه را خواهی و به کرامتت راهنمایی کنی هر که را دوست داری پس

الْحَمْدُ عَلی ما نَقَّیْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبی، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلی بَسْطِ لِسانی،

ستایش تو راست بر این که دلم را از آلودگی شرك پاك کردی و برای توست ستایش برای باز کردنت زبانم را،

اَفَبِلِسانی هذَا الْکالِّ اَشْکُرُكَ، اَمْ بِغایَةِ جُهْدی فی عَمَلی اُرْضیكَ، وَما

آیا به این زبان کُندم سپاس تو را گویم یابا نهایت کوششم در کردارم تو را خشنود سازم؟ و چه

قَدْرُ لِسانی یا رَبِّ فی جَنْبِ شُکْرِکَ، وَ ما قَدْرُ عَمَلی فی جَنْبِ نِعَمِکَ

ارزشی دارد زبانم پروردگارا در برابر سپاس تو و چه ارزشی دارد کردارم در کنار نعمتهایت

وَاِحْسانِکَ اِلَیَّ، اِلهی اِنَّ جُودَکَ بَسَطَ اَمَلی، وَشُکْرَکَ قَبِلَ عَمَلی، سَیِّدی

و احسانی که به من کردی براستی بخشش توآرزویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت آقای من

اِلَیْکَ رَغْبَتی، وَاِلَیْکَ رَهْبَتی، وَاِلَیْکَ تَأْمیلی، وَقَدْ ساقَنی اِلَیْکَ اَمَلی،

اشتیاق من بسوی توست و هراسم از توست و آرزو و امیدم بسوی توست و آرزویم مرا بسوی تو کشانده

وَعَلَیْکَ یا واحِدی عَکَفَتْ هِمَّتی، وَفیما عِنْدَکَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتی، وَلَکَ

و همتم ای خدای یگانه من بدرگاه تو نشیمن کرده و در آنچه پیش توست (جامه) شوقم (دامن) گسترده و

خالِصُ رَجآئی وَخَوْفی، وَبِکَ اَنِسَتْ مَحَبَّتی، وَاِلَیْکَ اَلْقَیْتُ بِیَدی،

امید خالص و ترسم تنها از توست و به تو محبتم انس گرفته و دست به جانب تو انداخته ام

وَبِحَبْلِ طاعَتِکَ مَدَدْتُ رَهْبَتی، [یا] مَوْلایَ بِذِکْرِکَ عاشَ قَلْبی،

و به ریسمان اطاعت تو بند کردم ترسم را ای مولای من به یاد تو دلم زنده است

وَبِمُناجاتِکَ بَرَّدْتُ اَ لَمَ الْخَوْفِ عَنّی، فَیا مَوْلایَ وَیا مُؤَمَّلی، وَیا

و به راز و نیاز تو سوزش ترسم را تسکین بخشم پس ای مولای من و ای آرزویم و ای

مُنْتَهی سُؤْلی، فَرِّقْ بَیْنی وَبَیْنَ ذَنْبِیَ الْمانِعِ لی مِنْ لُزُومِ طاعَتِکَ، فَاِنَّما

آخرین سرحد خواسته ام میان من و گناهم را که مانع از ملازمت اطاعت توست جدایی بینداز و این خواهشی که

یُخَلِّصُنی، وَ بِحَبْلِ مَنْ اَتَّصِلُ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَکَ عَنّی، فَواسَوْاَتا عَلی

خلاصم کند و به ریسمان چه کسی چنگ زنم اگر تو رشته خود را از من قطع کنی پس چه رسوایی است برای من بر آنچه

اَسْئَلُكَ لِقَديمِ الرَّجآءِ فيكَ، وَعَظيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ، اَلَّذى اَوْجَبْتَهُ عَلى

من از تو می کنم به خاطر همان امید دیرینه ای است که به تو دارم و برای آن طمع بزرگی است که درباره ات دارم که تو رأفت و مهربانی را

نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، فَالاَمْرُ لَكَ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، وَالْخَلْقُ

برای بندگانت بر خود فرض کرده ای پس امر و فرمان از آن توست یگانه ای که شریك نداری و خلایق

كُلُّهُمْ عِيالُكَ وَفى قَبْضَتِكَ، وَكُلُّ شَىْءٍ خاضِعٌ لَكَ، تَبارَكْتَ يا رَبَّ

همگی جیره خوار تو و در قبضه اقتدار تو و خاضع درگاه تواند برتری ای پروردگار

الْعالَمينَ، اِلهى اِرْحَمْنى اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتى، وَكَلَّ عَنْ جَوابِكَ لِسانى،

جهانیان خدایا به من رحم کن در آن هنگامی که حجت و دلیلم قطع شود و زبانم از پاسخ تو لال گردد

وَطاشَ عِنْدَ سُؤالِكَ اِيّاىَ لُبّى، فَيا عَظيمَ رَجآئى، لا تُخَيِّبْنى اِذَا اشْتَدَّتْ

و هوش در هنگام بازپرسیت از سرم بپرد پس ای بزرگ امیدم مرا نومید مکن در آن هنگام که سخت

فاقَتى، وَلا تَرُدَّنى لِجَهْلى، وَلا تَمْنَعْنى لِقِلَّةِ صَبْرى، اَعْطِنى لِفَقْرى،

نیازمندم و به خاطر نادانیم مرا از درگاهت مران و برای کم طاقتیم مهرت را از من بازمدار به خاطر نیازی که دارم به من بده

وَارْحَمْنى لِضَعْفى، سَيِّدى عَلَيْكَ مُعْتَمَدى وَمُعَوَّلى، وَرَجآئى وَتَوَكُّلى،

و برای ناتوانیم به من رحم کن ای آقای من بر توست اعتماد و تکیه و امید و توکل من

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقى، وَبِفِنائِكَ اَحُطُّ رَحْلى، وَبِجُودِكَ اَقْصِدُ طَلِبَتى،

و مهر توست دستاویزم و به آستان تو بار (حاجت) اندازم و به جود تو خواهشم را جویم

وَبِكَرَمِكَ اَىْ رَبِّ اَسْتَفْتِحُ دُعآئى، وَلَدَيْكَ اَرْجُو فاقَتى وَبِغِناكَ اَجْبُرُ

و به کرم تو ای پروردگار من دعایم را آغاز کنم و از پیش تو امید رفع نیاز و احتیاج خود را دارم به توانگری تو جبران

عَيْلَتى، وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيامى، وَاِلى جُودِكَ وَكَرَمِكَ اَرْفَعُ بَصَرى،

نداریم کنم و زیر سایه عفو تو بپا ایستم و به جود و کرم تو دیده بگشایم

وَاِلى مَعْرُوفِكَ اُديمُ نَظَرى، فَلا تُحْرِقْنى بِالنّارِ وَاَنْتَ مَوْضِعُ اَمَلى، وَلا

و به نيكى تو چشم دوزم پس مرا به آتش مسوزان با اين كه مركز آرزوى منى و در

تُسْكِنّى الْهاوِيَةَ فَاِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنى، يا سَيِّدى لا تُكَذِّبْ ظَنّى بِاِحْسانِكَ

دوزخم سكونت مده كه تو نور چشم منى اى آقاى من گمان مرا به احسان و نيكيت دروغ

وَمَعْرُوفِكَ فَاِنَّكَ ثِقَتى، وَلا تَحْرِمْنى ثَوابَكَ فَاِنَّكَ الْعارِفُ بِفَقْرى، اِلهى

و بى اصل مكن زيرا تو مورد اطمينان محكم منى و از پاداش نيكيت محرومم مساز كه تو به ندارى من آشنايى خدايا

اِنْ كانَ قَدْ دَنا اَجَلى وَلَمْ يُقَرِّبْنى مِنْكَ عَمَلى، فَقَدْ جَعَلْتُ الْاِعْتِرافَ

اگر مرگم نزديك شده ولى كردارم مرا به تو نزديك نكرده من اعتراف به گناهم را

اِلَيْكَ بِذَنْبى وَسآئِلَ عِلَلى، اِلهى اِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ اَوْلى مِنْكَ بِالْعَفْوِ، وَاِنْ

وسيله عذر خويش به درگاهت قرار دهم خدايا اگر درگذرى كيست كه سزاوارتر از تو به گذشت باشد و اگر

عَذَّبْتَ فَمَنْ اَعْدَلُ مِنْكَ فِى الْحُكْمِ، اِرْحَمْ فى هذِهِ الدُّنْيا غُرْبَتى، وَعِنْدَ

عذاب كنى پس كيست كه در حكم عادل تر از تو باشد رحم كن در اين دنيا به غربتم و هنگام

الْمَوْتِ كُرْبَتى، وَفِى الْقَبْرِ وَحْدَتى، وَفِى اللَّحْدِ وَحْشَتى، وَاِذا نُشِرْتُ

مرگ به غمزدگيم و در قبر به تنهاييم و در لحد به وحشت و بى كسيم و هنگامى كه در برابرت

لِلْحِسابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلَّ مَوْقِفى، وَاغْفِرْ لى ما خَفِىَ عَلَى الْآدَمِيّينَ مِنْ

به پاى حسابم آورند به خوارى جايگاهم رحم كن و بيامرز براى من آنچه از كردارم كه بر مردم پوشيده مانده

عَمَلى، وَاَدِمْ لى ما بِهِ سَتَرْتَنى، وَارْحَمْنى صَريعاً عَلَى الْفِراشِ تُقَلِّبُنى

و ادامه بده برايم آنچه را كه بدان مرا پوشاندى و در آن حال كه در بستر مرگ افتاده و دستهاى ياران مرا به اين سو و آن سو كنند

اَیْدی اَحِبَّتی، وَتَفَضَّلْ عَلَیَّ مَمْدُوداً عَلَی الْمُغْتَسَلِ یُقَلِّبُنی صالِحُ

بر من رحم کن و در آن حال که روی سنگ غسالخانه دراز کشیده ام و همسایگان شایسته ام به این طرف و آن طرف می گردانند بر من

جیرَتی، وَتَحَنَّنْ عَلَیَّ مَحْمُولاً قَدْ تَناوَلَ الاَقْرِباَءُ اَطْرافَ جَنازَتی،

تفضل کن و هنگامی که خویشان اطراف جنازه ام را بر دوش گرفته اند با من مهربانی فرما

وَجُدْ عَلَیَّ مَنْقُولاً قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحیداً فی حُفْرَتی، وَارْحَمْ فی ذلِكَ

و هنگامی که تك و تنها در میان گودال قبر بر تو وارد شوم بر من بخشش کن و به غربت من در آن

الْبَیْتِ الْجَدیدِ غُرْبَتی، حَتّی لا اَسْتَاْنِسَ بِغَیْرِكَ، یا سَیِّدی اِنْ وَكَلْتَنی اِلی

خانه تازه و نو رحم کن بطوری که بجز تو انس نگیرم ای آقای من اگر مرا به خودم

نَفْسی هَلَكْتُ، سَیِّدی فَبِمَنْ اَسْتَغیثُ اِنْ لَمْ تُقِلْنی عَثْرَتی، فَاِلی مَنْ اَفْزَعُ

واگذاری هلاك گردم آقای من پس به که استغاثه کنم اگر تو لغزشم را نادیده نگیری و به که پناه برم

اِنْ فَقَدْتُ عِنایَتَكَ فی ضَجْعَتی، وَاِلی مَنْ اَلْتَجِئُ اِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتی،

اگر عنایت تو را در آرامگاهم از دست بدهم و به که ملتجی گردم اگر تو غمم را برطرف نکنی،

سَیِّدی مَنْ لی وَمَنْ یَرْحَمُنی اِنْ لَمْ تَرْحَمْنی، وَفَضْلَ مَنْ اُؤَمِّلُ اِنْ

آقای من که را دارم و که بر من رحم کند اگر تو بر من رحم نکنی و فضل که را آرزو کنم در روز

عَدِمْتُ فَضْلَكَ یَوْمَ فاقَتی، وَاِلی مَنِ الْفِرارُ مِنَ الذُّنُوبِ اِذَا انْقَضی اَجَلی،

نیازمندیم اگر فضل تو را گم کنم و بسوی چه کسی از گناهانم بگریزم در آن هنگام که عمرم بسر رسد

سَیِّدی لا تُعَذِّبْنی وَ اَ نَا اَرْجُوكَ، اِلهی حَقِّقْ رَجآئی، وَآمِنْ خَوْفی، فَاِنَّ

ای آقای من مرا با این که به تو امیدوارم معذب مفرما خدایا امید مرا تحقق بخش و ترسم را امان بخش زیرا

كَثْرَةَ ذُنُوبى لا اَرْجُو فيها اِلاَّ عَفْوَكَ، سَيِّدى اَ نَا اَسْئَلُكَ ما لا اَسْتَحِقُّ،

در این گناهان بسیار امیدی جز به عفو تو ندارم ای آقای من از تو خواهم چیزی را که شایسته آن نیستم

وَاَنْتَ اَهْلُ التَّقْوى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، فَاغْفِرْ لى وَاَلْبِسْنى مِنْ نَظَرِكَ

و تو شایسته پرهیزکاری هستی و اهل آمرزشی پس بیامرز مرا و از نظر

ثَوْباً يُغَطّى عَلَىَّ التَّبِعاتِ، وَتَغْفِرُها لى وَلا اُطالَبُ بِها، اِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَديم،

مرحمت خود جامه ای بر من بپوشان که گناهانم را بپوشاند و آنها را برایم بیامرز و مورد مؤاخذه قرارم مده که تو دارای منّتی دیرینه

وَصَفْح عَظيم، وَتَجاوُز كَريم، اِلهى اَنْتَ الَّذى تُفيضُ سَيْبَكَ عَلى مَنْ لا

و چشم پوشی بزرگ و گذشت بزرگواری هستی خدایا تویی که فیض خود را حتی بر آن که درخواست نکند

يَسْئَلُكَ، وَعَلَى الْجاحِدينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، فَكَيْفَ سَيِّدى بِمَنْ سَئَلَكَ وَاَيْقَنَ

و بر منکران پروردگاریت فروریزی پس چگونه نسبت به کسی که از تو درخواست کند و یقین داند

اَنَّ الْخَلْقَ لَكَ، وَالاَمْرَ اِلَيْكَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَّ الْعالَمينَ، سَيِّدى

که جهان خلقت از تو و کار بدست توست؟ برتری و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من

عَبْدُكَ بِبابِكَ، اَقامَتْهُ الْخَصاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَقْرَعُ بابَ اِحْسانِكَ

بنده ات به درگاهت آمده و تنگدستی او را پیش روی تو واداشته و به وسیله دعای خود در خانه

بِدُعآئِهِ، فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ عَنّى، وَاقْبَلْ مِنّى ما اَقُولُ، فَقَدْ

احسان تو را می کوبد پس آن روی بزرگوارت را از من بر مگردان و آنچه گویم از من بپذیر زیرا

دَعَوْتُكَ بِهذَا الدُّعاءِ، وَاَ نَا اَرْجُو اَنْ لا تَرُدَّنى، مَعْرِفَةً مِنّى بِرَاْفَتِكَ

من به این دعا تو را خواندم و امیدوارم که بازم مگردانی چون آشنایی کاملی به مهر و رأفت

وَرَحْمَتِكَ، اِلهى اَنْتَ الَّذى لا يُحْفيكَ سآئِلٌ، وَلا يَنْقُصُكَ نآئِلٌ، اَنْتَ كَما

تو دارم خدايا تويى كه درمانده و سؤال پيچت نكند سائلى و بخشش و عطا از تو نكاهد تو چنانى كه

تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ صَبْراً جَميلاً، وَفَرَجاً قَريباً،

خود گويى و بالاتر از آنى كه ما گوييم خدايا من از تو خواهم صبرى نيكو و گشايشى نزديك

وَقَوْلاً صادِقاً، وَاَجْراً عَظيماً، اَسْئَلُكَ يا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، ما عَلِمْتُ

و گفتارى راست و پاداشى بزرگ از تو خواهم پروردگارا هرچه خير و خوبى است چه آنچه مى دانم

مِنْهُ وَما لَمْ اَعْلَمْ، اَسْئَلُكَ اللّهُمَّ مِنْ خَيْرِ ما سَئَلَكَ مِنْهُ عِبادُكَ الصّالِحُونَ،

و چه آنچه را نمى دانم خواهم از توخدايا از بهترين چيزى كه بندگان شايسته ات خواهند

يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَاَجْوَدَ مَنْ اَعْطى، اَعْطِنى سُؤْلى فى نَفْسى وَاَهْلى،

اى بهترين درخواست شدگان و اى بخشنده ترين عطابخش عطاكن به من خواسته ام را در مورد خود و خانواده

وَ والِدىَّ وَ وُلْدى، وَاَهْلِ حُزانَتى وَاِخْوانى فيكَ، وَاَرْغِدْ عَيْشى، وَاَظْهِرْ

و پدر و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دينيم و زندگيم را خوش و فراخ گردانو مردانگيم را

مُرُوَّتى، وَاَصْلِحْ جَميعَ اَحْوالى، وَاجْعَلْنى مِمَّنْ اَطَلْتَ عُمْرَهُ، وَحَسَّنْتَ

آشكار ساز و تمام حالات مرا اصلاح كن و بگردانم از كسانى كه عمرش را طولانى و كردارش را

عَمَلَهُ، وَاَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَرَضيتَ عَنْهُ، وَاَحْيَيْتَهُ حَياةً طَيِّبَةً فى

نيكو و نعمتت را بر او تمام كرده و از او خشنود گشته اى و زندگى پاكيزه اى به او بخشيده اى كه

اَدْوَمِ السُّرُورِ، وَاَسْبَغِ الْكَرامَةِ، وَاَتَمِّ الْعَيْشِ، اِنَّكَ تَفْعَلُ ما تَشآءُ، وَلا

در ميان پابرجاترين خوشى و وسيعترين كرامت و كاملترين زندگانى روزگار بسر مى برد و براستى تو هرچه را بخواهى انجام دهى ولى

يَفْعَلُ ما يَشآءُ غَيْرُكَ، اَللّٰهُمَّ خُصَّنى مِنْكَ بِخاصَّةِ ذِكْرِكَ، وَلا تَجْعَلْ

جز تو كسى نتواند هر چه خدا خواهد انجام دهد خدايا مرا به ذكر مخصوص خود مخصوصم دار و آنچه را من

شَيْئاً مِمّا اَتَقَرَّبُ بِهِ فى آناءِ اللَّيْلِ وَاَطْرافِ النَّهارِ رِيآءً وَلا سُمْعَةً، وَلا

بوسيله آن در تمام ساعات و دقايق روز و شب وسيله تقرّب درگاهت قرار دهم خودنمايى و شهرت طلبى

اَشَراً وَلا بَطَراً، وَاجْعَلْنى لَكَ مِنَ الْخاشِعينَ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِنى السَّعَةَ فِى

و سركشى و گردن فرازى قرار مده و مرا از فروتنان درگاهت قرارم بده خدايا به من عطا فرما وسعت در

الرِّزْقِ، وَالاَمْنَ فِى الْوَطَنِ، وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِى الاَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ،

روزى، و امنيت در وطن، و چشم روشنى در خاندان و مال و اولاد

وَالْمُقامَ فى نِعَمِكَ عِنْدى، وَالصِّحَّةَ فِى الْجِسْمِ، وَالْقُوَّةَ فِى الْبَدَنِ،

و پايدار ماندن نعمتهايى كه در پيش من دارى و تندرستى و نيرويى در بدن

وَالسَّلامَةَ فِى الدّينِ، وَاسْتَعْمِلْنى بِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ، مُحَمَّد

و سلامتى در دين و هميشه تا زنده ام مرا به طاعت خود و اطاعت پيامبرت محمّد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَبَداً مَا اسْتَعْمَرْتَنى، وَاجْعَلْنى مِنْ اَوْفَرِ عِبادِكَ عِنْدَكَ

صلى الله عليه وآله وادار كن و بگردانم از پرنصيب ترين بندگانت

نَصيباً فى كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ، وَتُنْزِلُهُ فى شَهْرِ رَمَضانَ، فى لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَما

در هر خيرى كه نازل كرده ودر ماه رمضان در شب قدر نازل گردانى و آنچه را

اَنْتَ مُنْزِلُهُ فى كُلِّ سَنَة مِنْ رَحْمَة تَنْشُرُها، وَعافِيَة تُلْبِسُها، وَبَلِيَّة

در هر سال نازل گردانى از مهرى كه بگسترانى و تندرستى كه بپوشانى و بلاهايى كه

تَدْفَعُها، وَحَسَنات تَتَقَبَّلُها، وَسَيِّئات تَتَجاوَزُ عَنْها، وَارْزُقْنى حَجَّ بَيْتِكَ

بازگردانى و كارهاى خيرى كه بپذيرى و زشتيهايى را كه از آنها درگذرى و روزيم كن حج خانه

الْحَرامِ، فى عامى هذا وَفى كُلِّ عام، وَارْزُقْنى رِزْقاً واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ

كعبه را در اين سال و در هر سال و روزيم ده روزى فراخى از فضل

الْواسِعِ، وَاصْرِفْ عَنّى يا سَيِّدى الاَسْوآءَ، وَاقْضِ عَنِّى الدَّيْنَ

وسيع خود و بديها را اى آقايم از من دور كن و بدهى ها

وَالظُّلاماتِ، حَتّى لا اَتَاَذّى بِشَىْء مِنْهُ، وَخُذْ عَنّى بِاَسْماعِ

و مظلمه هايى كه به گردن دارم از من ادا فرما بطورى كه به خاطر چيزى از آنها ناراحت نباشم و گوش

وَاَبْصارِ اَعْدائى، وَحُسّادى وَالْباغينَ عَلَىَّ، وَانْصُرْنى عَلَيْهِمْ، وَاَقِرَّ

و چشم دشمنان و حسودان و ستمكارانم را بر من ببند و بر ايشان ياريم ده و ديده ام را

عَيْنى، وَفَرِّحْ قَلْبى، وَاجْعَلْ لى مِنْ هَمّى وَكَرْبى فَرَجاً وَمَخْرَجاً،

روشن كن و دلم را شاد گردان و برايم از اندوه و غمم فرج و گشايشى قرار ده

وَاجْعَلْ مَنْ اَرادَنى بِسُوء مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَىَّ، وَاكْفِنى شَرَّ

و هر كه را از تمامى خلقت كه اراده سويى نسبت به من دارد زير پاى من قرارش ده و كفايت كن مرا

الشَّيْطانِ وَشَرَّ السُّلْطانِ وَسَيِّئاتِ عَمَلى، وَطَهِّرْنى مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّها،

از شرّ شيطان و شرّ سلطان و بديهاى كردارم و پاكم كن از گناهان همگى،

وَاَجِرْنى مِنَ النّارِ بِعَفْوِكَ، وَاَدْخِلْنِى الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْنى مِنَ

و از آتش دوزخ بوسيله عفو خود پناهم ده و به رحمت خويش داخل بهشتم گردان و از حوريه هاى بهشتى

الْحُورِ الْعينِ بِفَضْلِكَ، وَاَلْحِقْنى بِاَوْلِيآئِكَ الصّالِحينَ، مُحَمَّد وَ آلِهِ

به فضل خود به همسریم درآور و ملحقم کن به دوستان شایسته ات محمّد و آلش

الاَْبْرارِ، اَلطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الاَخْيارِ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَعَلى اَجْسادِهِمْ

آن نیکان پاك پاکیزه و برگزیده درودهای تو بر ایشان و بر جسدهاشان

وَاَرْواحِهِمْ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، اِلهى وَسَيِّدى، وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ لَئِنْ

و بر ارواحشان و رحمت خدا و برکاتش ای خدای من و آقای من سوگند به عزت و جلالت اگر

طالَبْتَنى بِذُنُوبى لاُطالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَلَئِنْ طالَبْتَنى بِلُؤْمى لاَُطالِبَنَّكَ

مرا در مورد گناهان بازخواست کنی من نیز تو را به عفو و گذشتت مطالبه می کنم و اگر به پستی ام مرا مؤاخذه کنی من هم به کرمت

بِكَرَمِكَ، وَلَئِنْ اَدْخَلْتَنِى النّارَ لاُخْبِرَنَّ اَهْلَ النّارِ بِحُبّى لَكَ، اِلهى

تو را مطالبه می کنم و اگر به دوزخم ببری به دوزخیان گزارش می دهم که دوستت دارم ای خدای من

وَسَيِّدى اِنْ كُنْتَ لا تَغْفِرُ اِلاّ لاَوْلِيآئِكَ وَاَهْلِ طاعَتِكَ، فَاِلى مَنْ يَفْزَعُ

و آقای من اگر نیامرزی مگر دوستانت و پیروانت را پس به که پناه برند

الْمُذْنِبُونَ، وَاِنْ كُنْتَ لا تُكْرِمُ اِلاّ اَهْلَ الْوَفآءِ بِكَ، فَبِمَنْ يَسْتَغيثُ

گناهکاران و اگر اکرام نکنی مگر نسبت به وفادارانت پس به که استغاثه کنند

الْمُسيئُونَ، اِلهى اِنْ اَدْخَلْتَنِى النّارَ فَفى ذلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ، وَاِنْ

بدکرداران خدایا اگر به دوزخم ببری این کار موجب خوشحالی دشمنت گردد و اگر

اَدْخَلْتَنِى الْجَنَّةَ فَفى ذلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ، وَ اَ نَا وَاللهِ اَعْلَمُ اَنَّ سُرُورَنَبِيِّكَ

به بهشتم ببری موجب خوشحالی پیامبرت بشود و من به خدا سوگند مسلّماً می دانم که خوشحال شدن پیامبرت را

اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ، اَللّهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ اَنْ تَمْلاَ قَلْبى حُبّاً لَكَ،

بیشتر از خوشحال شدن دشمنت دوست داری خدایا از تو می خواهم که دلم را پرکنی از محبّت

وَخَشْيَةً مِنْكَ، وَتَصْديقاً بِكِتابِكَ، وَاِيماناً بِكَ، وَفَرَقاً مِنْكَ، وَشَوْقاً اِلَيْكَ،

و ترس از خودت و تصدیق به کتابت و ایمان به خودت و هراس و اندیشه از خود و اشتیاق بسوی خود

يا ذَا الْجَلالِ وَالاِكْرامِ، حَبِّبْ اِلَىَّ لِقائَكَ وَاَحْبِبْ لِقآئى، وَاجْعَلْ لى فى

ای صاحب جلال و بزرگواری مرا دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار و

لِقآئِكَ الرّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرامَةَ، اَللّهُمَّ اَلْحِقْنى بِصالِحِ مَنْ مَضى،

در لقای خود برای من آرامش و گشایش و کرامتی قرار ده خدایا مرا به شایستگان از مردم گذشته ملحق کن

وَاجْعَلْنى مِنْ صالِحِ مَنْ بَقِىَ، وَخُذْ بى سَبيلَ الصّالِحينَ، وَاَعِنّى عَلى

و از شایستگان باقیمانده قرارم ده و به راه شایستگانم ببر و کمکم ده بر

نَفْسى بِما تُعينُ بِهِ الصّالِحينَ عَلى اَنْفُسِهِمْ، وَاخْتِمْ عَمَلى بِاَحْسَنِهِ،

مخالفت با هوای نفسم بدانچه کمك دادی شایستگان را بر مخالفتشان با هوای نفس و ختم کن کارم را به نیکوترین کارهایم

وَاجْعَلْ ثَوابى مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَاَعِنّى عَلى صالِحِ ما اَعْطَيْتَنى،

و پاداشم را از آن کار به رحمت خود بهشت قرار ده و کمکم ده در آنچه به من داده ای که در کار صالح بکار بندم

وَثَبِّتْنى يا رَبِّ، وَلا تَرُدَّنى فى سُوءِ اسْتَنْقَذْتَنى مِنْهُ يا رَبَّ الْعالَمينَ،

و ثابت قدمم دار و بازم مگردان به بدیهایی که از آن نجاتم داده ای ای پروردگار جهانیان

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ اِيماناً لا اَجَلَ لَهُ دُونَ لِقائِكَ، اَحْيِنى ما اَحْيَيْتَنى عَلَيْهِ،

خدایا از تو خواهم ایمانی که انتهایش ملاقات تو باشد و تا زنده ام داری به همان ایمان زنده ام دار

وَتَوَفَّنى اِذا تَوَفَّيْتَنى عَلَيْهِ، وَابْعَثْنى اِذا بَعَثْتَنى عَلَيْهِ، وَاَبْرِءْ قَلْبى مِنَ

و چون بميرانيم بر همان ايمان بميرانم و چون برانگيزيم بر همان ايمان برانگيزم و پاك كن دلم را از

الرِّيآءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فى دينِكَ، حَتّى يَكُونَ عَمَلى خالِصاً لَكَ،

ريا و شك و خودنمايي در دينت تا در نتيجه عملم خالص براى تو باشد

اَللّـٰهُمَّ اَعْطِنى بَصيرَةً فى دينِكَ، وَفَهْماً فى حُكْمِكَ، وَفِقْهاً فى عِلْمِكَ،

خدايا به من عنايت كن بصيرتى در دينت و فهمى (در شناختن) حكمت و درك خاصى در فهم علمت

وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَوَرَعاً يَحْجُزُنى عَنْ مَعاصيكَ، وَبَيِّضْ وَجْهى

و دو سهم از رحمتت و پرهيزكارى آن چنانى كه مرا از گناهانت باز دارد و رويم را به نور خود

بِنُورِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتى فيما عِنْدَكَ، وَتَوَفَّنى فى سَبيلِكَ، وَعَلى مِلَّةِ

سفيد گردان و شوقم را بدانچه پيش توست قرار ده و در راه خود و بر كيش

رَسُولِكَ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اَللّـٰهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ،

پيامبرت صلى الله عليه وآله بميرانم خدايا به تو پناه مى برم از كسالت و سستى

وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسْكَنَةِ، وَالْفَقْرِ وَالْفاقَةِ

و اندوه و ترس و بِخالَت و بى خبرى و سنگدلى و بيچارگى و فقر و ندارى

وَكُلِّ بَلِيَّة، وَالْفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْس لا

و از هر بلا و هرزگى هر چه آشكار باشد از آنها و هر چه پنهان و پناه مى برم به تو از نفسى كه

تَقْنَعُ، وَبَطْن لا يَشْبَعُ، وَقَلْب لا يَخْشَعُ، وَ دُعاء لا يُسْمَعُ، وَعَمَل لا يَنْفَعُ،

قانع نباشد و شكمى كه سير نشود و دلى كه نهراسد و دعايى كه پذيرفته نشود و كارى كه سود ندهد

وَاَعُوذُ بِكَ یا رَبِّ عَلی نَفْسی وَدینی وَمالی، وَعَلی جَمیعِ ما رَزَقْتَنی،

و پناه می برم ای پروردگارم در مورد خویشتن و دین و مال و همه آنچه به من روزی کرده ای

مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ، اِنَّكَ اَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ، اَللّهُمَّ اِنَّهُ لا یُجیرُنی مِنْكَ

از شیطان رانده درگاهت که براستی تو شنوای دانایی خدایا کسی نیست که مرا از تو درپناه خود گیرد

اَحَدٌ، وَلا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً، فَلا تَجْعَلْ نَفْسی فی شَیْءٍ مِنْ عَذابِكَ،

و جز تو پناهگاهی نیابم پس مرا در چیزی از عذاب خود قرارم مده

وَلا تَرُدَّنی بِهَلَكَةٍ، وَلا تَرُدَّنی بِعَذابٍ اَلیمٍ، اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی، وَاَعْلِ

و مرا به هلاکت و عذاب دردناك بازمگردان خدایا عملم را بپذیر و نامم را

ذِكْری، وَارْفَعْ دَرَجَتی، وَحُطَّ وِزْری، وَلا تَذْكُرْنی بِخَطیئَتی، وَاجْعَلْ

بلند کن و درجه ام را بالا بر و گناهم را بریز و به خطایم مرا یاد مکن و پاداش

ثَوابَ مَجْلِسی، وَثَوابَ مَنْطِقی، وَ ثَوابَ دُعآئی رِضاكَ وَالْجَنَّةَ،

این مجلس مرا و پاداش گفتارم را و پاداش دعایم را خشنودی خودت و بهشت قرار ده

وَاَعْطِنی یا رَبِّ جَمیعَ ما سَاَلْتُكَ، وَ زِدْنی مِنْ فَضْلِكَ، اِنّی اِلَیْكَ راغِبٌ یا

و بده به من ای پروردگار من تمام آنچه را از تو خواستم و از فضل خویش بر من بیفزا که من براستی بسویت مشتاقم ای

رَبَّ الْعالَمینَ، اَللّهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ فی كِتابِكَ اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا، وَ قَدْ

پروردگار جهانیان خدایا تو خود در کتابت قرآن برای ما نازل فرمودی که ما گذشت کنیم از کسی که به ما ستم کرده و ما به

ظَلَمْنا اَنْفُسَنا فَاعْفُ عَنّا، فَاِنَّكَ اَوْلی بِذلِكَ مِنّا، وَاَمَرْتَنا اَنْ لا نَرُدَّ سائِلاً

خودمان ستم کردیم پس از ما درگذر که تو از ما سزاوارتر بدین کار هستی و به ما دستور دادی که هیچ خواهنده ای را از دَرِ خانه مان باز

عَنْ اَبْوابِنا، وَقَدْ جِئْتُكَ سائِلاً فَلا تَرُدَّنی اِلاَّ بِقَضآءِ حاجَتی، وَاَمَرْتَنا

نگردانیم و من بصورت خواهندگی به درگاهت آمده ام و بازم مگردان جز با روا شدن حاجتم و به ما دستور دادی

بِالْاِحْسانِ اِلى ما مَلَكَتْ اَيْمانُنا، وَنَحْنُ اَرِقّآؤُكَ فَاَعْتِقْ رِقابَنا مِنَ النّارِ،

كه نسبت به بردگانمان احسان و نيكى كنيم و ما بردگان توييم پس ما را از آتش دوزخ آزاد فرما

يا مَفْزَعى عِنْدَ كُرْبَتى، وَيا غَوْثى عِنْدَ شِدَّتى، اِلَيْكَ فَزِعْتُ، وَبِكَ

اى پناهم در هنگام اندوه و غم اى فريادرسم در هنگام سختى به درگاه تو زارى كنم و به تو

اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ، لا اَلُوذُ بِسِواكَ، وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلاَّ مِنْكَ، فَاَغِثْنى

استغاثه كنم و به تو پناه آرم و به ديگرى پناه نبرم و گشايش نخواهم جز از تو پس تو به فريادم برس

وَفَرِّجْ عَنّى، يا مَنْ يَفُكُّ الاَسيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ، اِقْبَلْ مِنّى الْيَسيرَ،

و گشايشى در كارم بده اى كه اسير و گرفتار را آزاد كنى و از گناه بسيار بگذرى طاعت اندك را از من بپذير

وَاعْفُ عَنّى الْكَثيرَ، اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحيمُ الْغَفُورُ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ ايماناً

و از گناه بسيارم بگذر كه براستى تو مهربان آمرزنده اى خدايا از تو خواهم ايمانى كه

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى، وَيَقيناً صادِقاً حَتّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَنى اِلاَّ ما كَتَبْتَ لى،

هميشه دلم با آن همراه گردد و يقينى راست و كامل كه بدانم مسلّماً چيزى به من نرسد جز آن كه بر من نوشته اى

وَرَضِّنى مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لى، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

و خشنودم كن در زندگى به همان كه نصيبم كرده اى اى مهربانترين مهربانان.

5. مختصرترين دعاى سحر(دعاى بسيار پرمحتوا)

يا مَفْزَعى عِنْدَ كُرْبَتى، وَيا غَوْثى عِنْدَ شِدَّتى، اِلَيْكَ فَزِعْتُ، وَبِكَ

اى پناهگاهم در هنگام غمزدگى و اى دادرسم در هنگام سختى و دشوارى به درگاهت زارى كنم و به تو

اسْتَغَثْتُ، وَبِكَ لُذْتُ، لا اَلُوذُ بِسِواكَ، وَ لا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلاَّ مِنْكَ، فَاَغِثْنى

استغاثه كنم و به تو پناه آرم و بجز تو به ديگرى پناه نبرم و گشايش را جز از تو نخواهم پس بدادم برس

وَ فَرِّجْ عَنّى، يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ، وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ، اِقْبَلْ مِنّى الْيَسيرَ،

و گشايشى به من ده اى كه بپذيرى (طاعت) اندك را و بگذرى از (گناه)بسيار بپذير از من (طاعت) اندك را

وَاعْفُ عَنّى الْكَثيرَ، اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ ايماناً

و بگذر از (گناه) بسيار كه براستى تو آمرزنده و مهربانى خدايا از تو ايمانى خواهم كه

تُباشِرُ بِهِ قَلْبى، وَيَقيناً حَتّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَنى اِلاَّ ما كَتَبْتَ لى،

هميشه دلم با آن همراه باشد و يقينى خواهم كه (بدان وسيله) بدانم كه چيزى به من نرسد جز آنچه برايم نوشته اى

وَ رَضِّنى مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لى، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا عُدَّتى فى

و خشنودم كن از زندگى به همان كه نصيبم كرده اى اى مهربانترين مهربانان اى ذخيره ام در

كُرْبَتى، وَ يا صاحِبى فى شِدَّتى، وَ يا وَلِيّى فى نِعْمَتى، وَيا غايَتى فى

غمندگى و اى يار همراهم در سختى و اى سرپرستم در نعمت و اى منتهاى شوق و

رَغْبَتى، اَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتى، وَ الاْمِنُ رَوْعَتى، وَ الْمُقيلُ عَثْرَتى، فَاغْفِرْ

رغبتم تويى پوشاننده زشتيهايم و امان بخش هراس و دلهره ام و چشم پوش لغزشم پس بيامرز

لى خَطيئَتى، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

خطايم را اى مهربانترين مهربانان•

6ـ خواندن این تسبیحات، که در کتب معتبر آمده است:

سُبْحانَ مَنْ یَعْلَمُ جَوارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحانَ مَنْ یُحْصی عَدَدَ الذُّنُوبِ،

منزه است آن که مصیبات و تأثرات دلها را داند منزه است آن که شماره گناهان را دارد

سُبْحانَ مَنْ لا یَخْفی عَلَیْهِ خافِیَةٌ فِی السَّماواتِ وَالاَرَضینَ، سُبْحانَ

منزه است آن که چیزی در آسمانها و زمینها بر او پنهان نماند منزه است

الرَّبِّ الْوَدُودِ، سُبْحانَ الْفَرْدِ الْوِتْرِ، سُبْحانَ الْعَظیمِ الاَعْظَمِ، سُبْحانَ

پروردگار مهرپیشه منزه است یکتای یگانه منزه است خدای بزرگ و بزرگتر منزه است

مَنْ لا یَعْتَدی عَلی اَهْلِ مَمْلَکَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا یُؤاخِذُ اَهْلَ الاْرْضِ

آن که ستم بر اهل کشور خود نکند منزه است آن که نگیرد زمینیان را

بِاَلْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الْحَنّانِ الْمَنّانِ، سُبْحانَ الرَّؤُوفِ الرَّحیمِ،

به عذاب رنگارنگ منزه است احسان بخش پرنعمت منزه است خدای رؤوف مهربان

سُبْحانَ الْجَبّارِ الْجَوادِ، سُبْحانَ الْکَریمِ الْحَلیمِ، سُبْحانَ الْبَصیرِ

منزه است خدای مقتدر بخشنده منزه است (خدای) بزرگوار بردبار منزه است (خدای) بینای

الْعَلیمِ، سُبْحانَ الْبَصیرِ الْواسِعِ، سُبْحانَ اللهِ عَلی اِقْبالِ النَّهارِ،

دانا منزه است بینای وسعت بخش منزه است خدا هنگام آمدن روز

سُبْحانَ اللهِ عَلی اِدْبارِ النَّهارِ، سُبْحانَ اللهِ عَلی اِدْبارِ اللَّیْلِ وَاِقْبالِ

منزه است خدا هنگام رفتن روز منزه است خدا در وقت رفتن شب و آمدن

النَّهارِ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعَظَمَةُ وَالْکِبْرِیآءُ، مَعَ کُلِّ نَفَس وَکُلِّ طَرْفَةِ

روز و از آن اوست ستایش و شوکت و بزرگی و کبریا با هر نفس کشیدن و هر

عَیْن، وَکُلِّ لَمْحَة سَبَقَ فی عِلْمِهِ، سُبْحانَکَ مِلاَ ما اَحْصی کِتابُکَ،

چشم به هم زدن و هر اشاره ای که در علم او گذشته است منزهی تو به پُری آنچه کتاب تو احصا کند

سُبْحانَکَ زِنَةَ عَرْشِکَ، سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ.

منزهی تو هموزن عرشت منزهی تو، منزهی تو، منزهی تو.

یادآوری: البتّه اگر نیّت روزه را بعد از خوردن سحری کند بهتر است، و از اوّل شب تا به آخر نیز می توان نیّت کرد; بلکه همین مقدار که می داند و قصد دارد فردا از برای خدا روزه بگیرد کافی است و همان طور که قبلاً گفتیم بسیار شایسته است که در سحرها نماز شب را ترک نکند.

5. سبب نامگذاری این دعا به «ابوحمزه ثمالی» به خاطر آن است که راوی این دعا از امام زین العابدین(علیه السلام)، ابوحمزه ثمالی است.

ابوحمزه ثمالی که نامش «ثابت بن دینار» است، از یاران مورد اعتماد امامان بزرگوار(علیهم السلام) بوده است، بنا بر نقل عالم معروف علم رجال «نجاشی»، وی به محضر چهار تن از ائمّه، از امام سجّاد تا امام کاظم: رسیده و از آنان روایت کرده است; «ابوحمزه ثمالی» از بهترین راویان شیعه و مورد اعتماد کامل علمای امامیّه است. امام صادق(علیه السلام) درباره وی فرمود:

ابوحمزه، در عصر خویش مانند سلمان است .

6. این دعا را شیخ در مصباح المتهجّد، صفحه ۵۸۲ و سیّد بن طاووس در اقبال، صفحه ٦٧ آورده اند. مرحوم علاّمه مجلسی نیز در بحارالانوار، جلد ۹۵، صفحه ۸۲ آن را نقل کرده است. ما این دعا را مطابق نسخه مصباح نقل می کنیم و اگر در نسخه های متداول، بر اساس دیگر کتب جملاتی آمده که در مصباح نیست، در پاورقی متذکّر می شویم.

اعمال مشترك روزهای ماه مبارك رمضان

برای روزهای ماه رمضان چند عمل نقل شده است:

1ـ هر روز این دعا را بخواند كه در كتب معتبر نقل شده است:

اَللّـهُمَّ هذا شَهْرُ رَمَضانَ، اَلَّذی اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرآنَ، هُدیً لِلنّاسِ وَبَیِّنات

خدایا این ماه رمضانی است كه در آن قرآن را نازل فرمودی قرآنی كه راهنمای مردم و حجّت هایی است

مِنَ الْهُدی وَالْفُرقانِ، وَ هذا شَهْرُ الصِّیامِ، وَهذا شَهْرُ الْقِیامِ، وَهذا شَهْرُ

از هدایت و تمیز و این ماه روزه است و ماه شب زنده داری است و ماه

الاِنابَةِ، وَهذا شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَهذا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَهذا شَهْرُ الْعِتْقِ

بازگشت است و ماه توبه و ماه آمرزش و رحمت است و ماه آزادی

مِنَ النّارِ، وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَهذا شَهْرٌ فیهِ لَیْلَةُ الْقَدْرِ، اَلَّتی هِیَ خَیْرٌ مِنْ

از آتش و رسیدن به بهشت است و ماهی است كه در آن شب قدری است كه آن شب بهتر است از

اَلْفِ شَهْر، اَللّـهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَعِنّی عَلی صِیامِهِ

هزار ماه خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و كمك ده مرا بر روزه

وَقِیامِهِ، وَسَلِّمْهُ لی، وَسَلِّمْنی فیهِ، وَاَعِنّی عَلَیْهِ بِاَفْضَلِ عَوْنِكَ،

و شب زنده داریش و آن را برای من سالمش دار و مرا در آن سالم بدارو كمكم ده بر انجام وظایف آن به بهترین كمك خود

وَوَفِّقْنی فیهِ لِطاعَتِكَ، وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَاَوْلِیآئِكَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِمْ،

و موفّقم دار در این ماه برای اطاعت خودت و پیروی پیامبرت و اولیایت درود تو بر ایشان باد

وَفَرِّغْنی فیهِ لِعِبادَتِكَ وَدُعآئِكَ، وَتِلاوَةِ كِتابِكَ، وَ عَظِّمْ لی فیهِ الْبَرَكَةَ،

و فارغم ساز دراین ماه برای عبادت و دعا و تلاوت قرآنت و بركتم را در این ماه زیادگردان

وَاَحْسِنْ لى فيهِ الْعافِيَةَ، وَاَصِحَّ فيهِ بَدَنى، وَاَوْسِعْ لى فيهِ رِزْقى، وَاكْفِنى

و نیکو کن در آن تندرستیم را و سالم دار در آن بدنم را و فراخ گردان در آن روزیم را و کفایت فرما

فيهِ ما اَهَمَّنى، وَاسْتَجِبْ فيهِ دُعآئى، وَبَلِّغْنى فيهِ رَجآئى، اَللّهُمَّ صَلِّ

در این ماه مهمات مرا و مستجاب گردان در آن دعایم را و به امید و آرزویم برسان خدایا درود فرست

عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَاَذْهِبْ عَنّى فيهِ النُّعاسَ وَالْكَسَلَ، وَالسَّاْمَةَ

بر محمّد و آل محمّد و دور کن از من در این ماه چُرت و بی حالی و خستگی

وَالْفَتْرَةَ، وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ، وَجَنِّبْنى فيهِ الْعِلَلَ وَالاَسْقامَ،

و سستی و سنگدلی و بی خبری و غرور و امراض و دردها

وَالْهُمُومَ وَالاَحْزانَ، وَالاَعْراضَ وَالاَمْراضَ، وَالْخَطايا وَالذُّنُوبَ،

و اندوهها و غمها و عوارض دیگر و بیماریها و خطاها و گناهان را

وَاصْرِفْ عَنّى فيهِ السُّوءَ وَالْفَحشآءَ، وَالْجَهْدَ وَالْبَلاءَ، وَالتَّعَبَ وَالْعَنآءَ،

و بازدار از من در این ماه بدی و هرزگی و رنج و بلا و مشقت و زحمت را

اِنَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَاَعِذْنى فيهِ مِنَ

که براستی تو شنوای دعا هستی خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و پناهم ده در این ماه از

الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ، وَ نَفْثِهِ وَ نَفْخِهِ، وَ وَسْوَسَتِهِ وَ تَثْبيطِهِ،

شیطان رانده درگاهت و اشاره اش و چشمك زدنش و پُفیدن و دمیدنش و وسوسه و تعویق انداختنش

وَبَطْشِهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرِهِ، وَ حَبآئِلِهِ وَ خُدَعِهِ، وَ اَمانِيِّهِ وَ غُرُورِهِ، وَ فِتْنَتِهِ

و ضربه و نیرنگ و حیله اش و دامهایش و فریبهایش و دروغهایش و گولهایش و فتنه اش و

وَشَرَكِهِ، وَ اَحْزابِهِ وَ اَتْباعِهِ، و اَشْياعِهِ وَ اَوْلِيآئِهِ، وَ شُرَكآئِهِ وَ جَميعِ

شبكه های دامش و همراهانش و پيروانش و دنباله ها و دوستان و شريكانش و همه

مَكائِدِهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَ ارْزُقْنا قِيامَهُ وَ صِيامَهُ،

اسباب حيله و كيدش خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و روزی ما گردان شب زنده داری و روزه اين ماه را

وَبُلُوغَ الاَْمَلِ فيهِ وَ فى قِيامِهِ، وَ اسْتِكْمالَ ما يُرْضيكَ عَنّى صَبْراً

و به رسيدن آرزويمان در اين ماه و در پايداری و انجام كامل چيزهايی كه تو را از من خشنود گرداند از نظر شكيبايی

وَاحْتِساباً، وَ ايماناً وَ يَقيناً، ثُمَّ تَقَبَّلْ ذلِكَ مِنّى بِالاَْضْعافِ الْكَثيرَةِ،

و چشم داشت ايشان و ايمان و يقين سپس بپذير آن را از من به چند برابر زيادتر و

وَالاَجْرِ الْعَظيمِ، يا رَبَّ الْعالَمينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد،

پاداشی بزرگ ای پروردگار جهانيان خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و

وَارْزُقْنِى الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ، وَالاِجْتِهادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشاطَ، وَ الاِْنابَةَ وَ التَّوْبَةَ،

روزيم كن حج و عمرهو كوشش و نيرو و نشاط و انابه و توبه

وَ الْقُرْبَةَ وَ الْخَيْرَ الْمَقْبُولَ، وَ الرَّهْبَةَ وَ الرَّغْبَةَ، وَ التَّضَرُّعَ وَ الْخُشُوعَ،

و تقرب به خودت و كار خير پذيرفته و ترس و زاری و شوق و فروتنی

وَ الرِّقَّةَ وَ النِّيَّةَ الصّادِقَةَ، وَ صِدْقَ اللِّسانِ، وَ الْوَجَلَ مِنْكَ، وَ الرَّجآءَ لَكَ،

و دل نازكی و نيّت راست و راستگويی زبان و بيم از خودت و اميد

وَ التَّوَكُّلَ عَلَيْكَ، وَ الثِّقَةَ بِكَ، وَ الْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِكَ، مَعَ صالِحِ الْقَوْلِ،

و توكل بر خودت و اعتماد به تو و پرهيزكاری از حرامهای تو با گفتار شايسته

وَ مَقْبُولِ السَّعْيِ، وَ مَرْفُوعِ الْعَمَلِ، وَ مُسْتَجابِ الدَّعْوَةِ، وَ لا تَحُلْ بَيْنى

و كوشش پذيرفته و عمل بالا رفته و دعای مستجاب شده و ميان من و

وَ بَیْنَ شیْء مِنْ ذلِکَ بِعَرَض وَ لا مَرَض، وَ لا هَمٍّ وَ لا غَمٍّ وَ لا سُقْم، وَ لا

هر یك از اینها (که گفتم) جدایی مینداز بواسطه پیشامدها و بیماری و اندوه و غم و درد و

غَفْلَة وَ لا نِسْیان، بَلْ بِالتَّعاهُدِ وَ التَّحَفُّظِ لَکَ وَ فیکَ، وَ الرِّعایَةِ لِحَقِّکَ،

غفلت و فراموشی بلکه (موفقم بدار که) به هم پیمانی و خودداری بخاطر تو و درباره تو مراعات حق تو

وَ الْوَفآءِ بَعَهْدِکَ وَ وَعْدِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی

و وفا به پیمان و وعده تو (کارهایم انجام شود) به رحمتت ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر

مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ اقْسِمْ لی فیهِ اَفْضَلَ ما تَقْسِمُهُ لِعبادِکَ الصّالِحینَ،

محمّد و آل محمّد و نصیبم کن در این ماه بهتر چیزی را که نصیب بندگان شایسته ات کردی

وَ اَعْطِنی فیهِ اَفْضَلَ ما تُعْطی اَوْلِیآئَکَ الْمُقَرَّبینَ، مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ،

و بده بمن در این ماه بهتر چیزی را که عطا کردی به اولیای مقرب خود از رحمت و آمرزش

وَ التَّحَنُّنِ وَ الاْجابَةِ، وَ الْعَفْوِ وَ الْمَغْفِرَةِ الدّائِمَةِ، وَ الْعافِیَةِ وَ الْمُعافاةِ،

و مهرورزی و اجابت دعا و گذشت و آمرزش همیشگی و تندرستی و آسایش

وَ الْعِتْقِ مِنَ النّارِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَ خَیْرِ الدُّنْیا وَ الاْخِرَةِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی

و آزادی از آتش و رسیدن به بهشت و خیر دنیاو آخرت خدایا درود فرست بر

مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ اجْعَلْ دُعآئی فیهِ اِلَیْکَ واصِلاً، وَ رَحْمَتَکَ وَ خَیْرَکَ

محمّد و آل محمّد و دعایم را در این ماه بسوی خود برسان و رحمت و خیر خود را

اِلَیَّ فیهِ نازِلا، وَ عَمَلی فیهِ مَقْبُولاً، وَ سَعْیی فیهِ مَشْکُوراً، وَ ذَنْبی فیهِ

در این ماه بسوی من نازل فرما و عملم را پذیرفته گردان و کوششم را در آن سپاس شده و گناهم را

مَغْفُوراً، حَتّی یَکُونَ نَصیبی فیهِ الاَکْثَرَ، وَ حَظّی فیهِ الاَوْفَرَ، اَللّهُمَّ صَلِّ

آمرزیده قرار ده تا این که سهمم در آن بیشتر و بهره ام کاملتر باشد خدایا درود فرست

عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ وَفِّقْنی فیهِ لِلَیْلَةِ الْقَدْرِ عَلی اَفْضَلِ حال

بر محمّد و آل محمّد و موفقم دار برای شب قدر به بهترین حالی که

تُحِبُّ اَنْ یَکُونَ عَلَیْها اَحَدٌ مِنْ اَوْلِیآئِکَ، وَ اَرْضاها لَکَ، ثُمَّ اجْعَلْها لی

دوست داری یکی از اولیایت در آن حال باشد و خشنودترین حالات پیش تو باشد سپس آن شب را برای من

خَیْراً مِنْ اَلْفِ شَهْر، وَ ارْزُقْنی فیها اَفْضَلَ ما رَزَقْتَ اَحَداً مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ

بهتر از هزار ماه کن و روزیم ده در آن شب به بهترین روزیهایی که به کسی دادی و به آن روزی او را رسانیدی

اِیّاها، وَاَکْرَمْتَهُ بِها، وَ اجْعَلْنی فیها مِنْ عُتَقآئِکَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَ طُلَقآئِکَ مِنَ

و بدان گرامیش داشتی و مرا در آن شب از آزاد شدگان از جهنم و رها شدگان از

النّارِ، وَ سُعَداءِ خَلْقِکَ، بِمَغْفِرَتِکَ وَرِضْوانِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَللّهُمَّ

دوزخ و سعادتمندان خلقت قرار ده بحق آمرزش و خشنودیت ای مهربانترین مهربانان خدایا

صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ ارْزُقْنا فی شَهْرِنا هذَا الْجِدَّ وَ الاْجْتِهادَ،

درود فرست بر محمّد و آل محمّد و روزی ما کن در این ماه کوشش و تلاش

وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشاطَ، وَ ما تُحِبُّ وَتَرْضی، اَللّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَ لَیال عَشْر،

و نیرو و نشاط و آنچه دوست داری و خشنود شوی خدایا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه

وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ، وَ ربَّ شَهْرِ رَمَضانَ، وَ ما اَنْزَلْتَ فیهِ مِنَ الْقُرآنِ، وَ رَبَّ

و شفع و وتر و پروردگار ماه رمضان و آنچه در آن فرو فرستادی از قرآن و پروردگار

جَبْرَئیلَ وَ میکآئیلَ وَ اِسْرافیلَ، وَ جَمیعِ الْمَلائِکَةِ الْمُقَرَّبینَ، وَ ربَّ

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان مقرب و پروردگار

اِبْراهیمَ وَ اِسْماعیلَ، وَ اِسْحقَ وَ یَعْقُوبَ، وَ ربَّ مُوسی وَ عیسی،

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی

وَجميعِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، وَ ربَّ مُحَمَّد خاتَمِ النَّبِيّينَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ

و همه پيمبران و فرستادگان و پروردگار حضرت محمّد خاتم پيمبران درودهاى تو بر او

وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ، وَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَ بِحَقِّكَ

و بر ايشان همگى و از تو خواهم به حقى كه تو بر ايشان دارى و به حقى كه ايشان بر تو دارند و به آن حق

الْعَظيمِ، لَمّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ، وَ نَظَرْتَ اِلَيَّ نَظْرَةً

بزرگ خودت كه درود فرستى بر او و آلش و بر ايشان همگى و نظرى به من كنى نظرى

رَحيمَةً، تَرْضى بِها عَنّى رِضىً لا تَسْخَطُ عَلَيَّ بَعْدَهُ اَبَداً، وَاَعْطَيْتَنى

مهربانانه كه بدان از من خشنود گردى خشنوديى كه هرگز پس از آن خشمى بر من نداشته باشى و همه خواسته هايم

جَميعَ سُؤْلى وَ رَغْبَتى، وَ اُمْنِيَّتى وَ اِرادَتى، وَ صَرَفْتَ عَنّى ما اَكْرَهُ

و ميل و آرزو و درخواستم را به من بدهى و بگردانى از من آنچه را خوش ندارم

وَاَحْذَرُ، وَاَخافُ عَلى نَفْسى وَما لا اَخافُ، وَعَنْ اَهْلى وَمالى وَاِخْوانى

و از آن نگران و ترسان بر خويشتن هستم و آنچه را كه نمى ترسم و نيز از خانواده و مال و برادران

وَذُرِّيَّتى، اَللّهُمَّ اِلَيْكَ فَرَرْنا مِنْ ذُنُوبِنا فَاوِنا تآئِبينَ، وَتُبْ عَلَيْنا

و فرزندانم آنها را بگردانى خدايا بسوى تو گريختيم از گناهانمان پس ما را جاى ده به حال توبه و توبه مان بپذير

مُسْتَغْفِرينَ، وَاغْفِرْ لَنا مُتَعوِّذينَ، وَاَعِذْنا مُسْتَجيرينَ، وَاَجِرْنا

در حال آمرزش خواهى و بيامرزمان در حال پناهندگى و پناهمان ده در حال پناه جويى و زنهارمان ده

مُسْتَسْلِمينَ، وَلا تَخْذُلْنا راهِبينَ، وَآمِنّا راغِبينَ، وَشَفِّعْنا سآئِلينَ،

در حال تسليم شدگى و خوارمان مكن در حال هراسناكى و امانمان ده در حال اميدوارى و شفاعتمان را بپذير در حال خواهندگى

وَاَعْطِنا اِنَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ، قَريبٌ مُجيبٌ، اَللّهُمَّ اَنْتَ رَبّى وَ اَنَا عَبْدُكَ،

و به ما بده كه براستى تو شنواى دعايى و نزديك و اجابت كننده اى خدايا تو پروردگار منى و من بنده تو

وَ اَحَقُّ مَنْ سَئَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ، وَ لَمْ يَسْئَلِ الْعِبادُ مِثْلَكَ كَرَماً وَ جُوداً، يا

و سزاوارترين كسى كه بنده از او درخواست كند پروردگار اوست و درخواست نكنند بندگان كسى را چون تو در كرم و جود اى

مَوْضِعَ شَكْوَى السّائِلينَ، وَ يا مُنْتَهى حاجَةِ الرّاغِبينَ، وَ يا غِياثَ

مرجع شكايت درخواست كنندگان و اى منتهاى حاجت مشتاقان و اى فريادرس

الْمُسْتَغيثينَ، وَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، وَ يا مَلْجَاَ الْهارِبينَ،

فريادخواهان و اى پاسخ دهنده دعاى درماندگان و اى پناهگاه گريختگان

وَ يا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، وَيا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفينَ، وَ يا كاشِفَ كَرْبِ

و اى دادرس دادخواهان و اى پروردگار ناتوان شمردگان و اى غمزداى غم

الْمَكْرُوبينَ، وَ يا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومينَ، وَ يا كاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظيمِ، يا اَللهُ

غمزدگان و اى غمگشاى ماتم زدگان و اى برطرف كننده اندوه بزرگ اى خدا

يا رَحْمنُ يا رَحيمُ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد،

اى بخشاينده اى مهربان اى مهربانترين مهربانان درود فرست بر محمّد و آل محمّد

وَاغْفِرْ لى ذُنُوبى وَ عُيُوبى، وَ اِسآئَتى وَظُلْمى وَ جُرْمى، وَ اِسْرافى عَلى

و بيامرز گناهانم و زشتيهايم و بديم و ستمم و جنايتم و زياده رويم را

نَفْسى، وَ ارْزُقْنى مِنْ فَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ، فَاِنَّهُ لايَمْلِكُها غَيْرُكَ، وَاعْفُ

بر نفسم و روزيم كن از فضل و رحمت خويش زيرا كه مالك آنها نيست كسى جز تو و بگذر

عَنّى، وَاغْفِرْ لى كُلَّ ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبى، وَاعْصِمْنى فيما بَقِىَ مِنْ

از من و بيامرز برايم گناهان گذشته ام را و نگاهم دار در باقيمانده

عُمْرى، وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلى والِدَيَّ وَ وُلْدى، وَقَرابَتى وَاَهْلِ حُزانَتى، وَ

از عمرم و بپوشان بر من و بر پدر و مادرم و فرزندانم و خويشانم و بستگانم

مَنْ كانَ مِنّی بِسَبیلٍ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ فی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ، فَاِنَّ

و هرکس که براه من می رود از مردان مؤمن و زنان با ایمان در دنیا و آخرت زیرا

ذٰلِكَ کُلَّهُ بِیَدِكَ، وَاَنْتَ واسِعُ الْمَغْفِرَةِ، فَلا تُخَیِّبْنی یا سَیِّدی، وَلا تَرُدَّ

تمام اینها بدست توست و تو وسیع آمرزشی پس نومیدم مکن ای آقایم

عَلَیَّ دُعآئی وَلا یَدی اِلی نَحْری، حَتّی تَفْعَلَ ذٰلِكَ بی، وَتَسْتَجیبَ لی

و دعایم را برمگردان و نه دستم را (خالی) بسوی سینه ام تا انجام دهی آنچه را گفتم درباره ام و اجابت کنی برایم

جَمیعَ ما سَئَلْتُكَ، وَتَزیدَنی مِنْ فَضْلِكَ، فَاِنَّكَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ،

تمام آنچه را درخواست کردم و بیفزایی بر من از فضل خویش که تو بر هر چیز توانایی

وَنَحْنُ اِلَیْكَ راغِبُونَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الاَسْمآءُ الْحُسْنی، وَالاَمْثالُ الْعُلْیا،

و ما بسوی تو مشتاقیم خدایا از توست نامهای نیکو و نمونه های والا

وَالْکِبْرِیآءُ وَالْاٰلاءُ، اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ، اِنْ کُنْتَ

و کبریا و انواع نعمتها از تو خواهم به حق نامت در «بسم الله الرحمن الرحیم» اگر

قَضَیْتَ فی هذِهِ اللَّیْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلائِکَةِ وَ الرُّوحِ فیها، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی

مقدر فرموده ای در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را (یعنی امشب را شب قدر قرار داده ای) که درود فرستی بر

مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمی فِی السُّعَدآءِ، وَ رُوحی مَعَ

محمّد و آل محمّد و قرار دهی نام مرا در زمره سعادتمندان و روحم را با

الشُّهَدآءِ، وَ اِحْسانی فی عِلِّیّینَ، وَ اِسآئَتی مَغْفُورَةً، وَ اَنْ تَهَبَ لی یَقیناً

شهیدان و کار نیکم را در علیین (بلندترین مقام بهشت) و گناهانم را آمرزیده و ببخشی به من یقینی

تُباشِرُ بِهِ قَلْبی، وَ ایماناً لا یَشُوبُهُ شَكٌّ، وَ رِضیً بِما قَسَمْتَ لی، وَآتِنی

که دلم همیشه همراه آن باشد و ایمانی به من بدهی که به شك آلوده نگردد و خشنودی در آنچه قسمتم کرده ای

فِی الدُّنْیا حَسَنَةً، وَفِی الأخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنی عَذابَ النّارِ، وَ اِنْ لَمْ تَکُنْ

و در دنیا خوبی و خوشی به من ده و در آخرت نیز خوبی بده و از عذاب دوزخ نگاهمان دار و اگر

قَضَیْتَ فی هذِهِ اللَّیْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلئِکَةِ وَالرُّوحِ فیها، فَاَخِّرْنی اِلی ذلِكَ،

مقدر نفرموده ای در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را پس مرا تا بدان شب باقی بدار

وَارْزُقْنی فیها ذِکْرَكَ وَشُکْرَكَ، وَ طاعَتَكَ وَ حُسْنَ عِبادَتِكَ، وَ صَلِّ عَلی

و روزی من کن در آن شب ذکر خود و شکر و اطاعتت و نیکو پرستش کردنت را و درود فرست بر

مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد بِاَفْضَلِ صَلَواتِكَ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، یا اَحَدُ یا

محمّد و آل محمّد به بهترین درودهایت ای مهربانترین مهربانان ای یگانه ای

صَمَدُ، یا رَبَّ مُحَمَّد اغْضَبِ الْیَوْمَ لِمُحَمَّد وَلاِبْرارِ عِتْرَتِهِ، وَ اقْتُلْ

بی نیاز ای پروردگار محمّد خشم خود را در امروز بخاطر محمّد و نیکان از عترتش (بر دشمنانشان) فروبار و درنتیجه بکُش

اَعْدائَهُمْ بَدَداً، وَ اَحْصِهِمْ عَدَداً، وَ لا تَدَعْ عَلی ظَهْرِ الأَرْضِ مِنْهُمْ اَحَداً،

دشمنانشان را یکی پس از دیگری و به شمارشان درآر جدا جدا و یك تن از ایشان را بر روی زمین باقی مگذار

وَ لا تَغْفِرْ لَهُمْ اَبَداً، یا حَسَنَ الصُّحْبَةِ، یا خَلیفَةَ النَّبِیّینَ، اَنْتَ اَرْحَمُ

و هرگز آنها را نیامرز ای نیکو رفاقت ای تکیه گاه پیمبران تویی مهربانترین

الرّاحِمینَ، اَلْبَدیءُ الْبَدیعُ، اَلَّذی لَیْسَ کَمِثْلِكَ شَیْءٌ، وَ الدّآئِمُ غَیْرُ

مهربانان آفریننده پدید آرنده ای که چیزی مانند تو نیست و خدای جاویدانی که

الْغافِلِ، وَ الْحَیُّ الَّذی لا یَمُوتُ، اَنْتَ کُلَّ یَوْم فی شَأْن، اَنْتَ خَلیفَةُ

غفلت نورزد و زنده ای که هرگز نمیرد تو هر روز در کاری هستی تو تکیه گاه

مُحَمَّد، وَ ناصِرُ مُحَمَّد، وَمُفَضِّلُ مُحَمَّد، اَسْئَلُكَ اَنْ تَنْصُرَ وَصِیَّ مُحَمَّد،

محمّد و یاور محمّد و برتری دهنده محمّد هستی از تو خواهم که یاری دهی وصی محمّد

وَخَلیفَةَ مُحَمَّد، وَ الْقآئِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ اَوْصِیآءِ مُحَمَّد، صَلَواتُكَ عَلَیْهِ

و جانشین محمّد و قیام کننده به عدل از اوصیای محمّد را که درود تو بر او

وَعَلَیْهِمْ، اِعْطِفْ عَلَیْهِمْ نَصْرَكَ، یا لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، بِحَقِّ لا اِلهَ إلاَّ اَنْتَ، صَلِّ

و ایشان باد متوجه کن بر ایشان یاریت را ای که نیست معبودی جز تو بحق کلمه «لا اله الا انت» درود فرست

عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَاجْعَلْنی مَعَهُمْ فِی الدُّنْیا وَ الاْخِرَةِ، وَاجْعَلْ

بر محمّد و آل محمّد و مرا در دنیا و آخرت با ایشان قرار ده

عاقِبَةَ اَمْری اِلى غُفْرانِكَ وَ رَحْمَتِكَ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، وَ كَذلِكَ نَسَبْتَ

و پایان کارم را به آمرزش و رحمت خود بکشان ای مهربانترین مهربانان و این چنین

نَفْسَكَ یا سَیِّدی بِاللُّطْفِ، بَلى اِنَّكَ لَطیفٌ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ

خود را معرفی کرده ای ای آقای من به این که لطف داری آری براستی تو لطف داری پس درود فرست بر محمّد و آل

مُحَمَّد، وَالْطُفْ بی لِما تَشآءُ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد،

محمّد و لطف فرما به من بدان چه خواهی خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد

وَارْزُقْنِی الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ فی عامِنا هذا، وَ تَطَوَّلْ عَلَیَّ بِجَمیعِ حَوآئِجی لِلاْخِرَةِ وَالدُّنْیا

و روزیم گردان حج و عمره را در این سال و تفضّل فرما بر من به برآوردن همه حاجتهای دنیا و آخرتم

سپس سه مرتبه می گویی:

اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ، اِنَّ

آمرزش خواهم از خدا پروردگارم و بسویش توبه کنم که براستی

رَبِّی قَریبٌ مُجیبٌ، اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ، اِنَّ رَبِّی رَحیمٌ وَدُودٌ،

پروردگار من نزدیك و اجابت کننده است آمرزش خواهم از خدا پروردگارم و بسویش توبه کنم براستی پروردگارم مهربان و با محبّت است

اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ، اِنَّهُ کانَ غَفّاراً، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی اِنَّكَ اَرْحَمُ

آمرزش خواهم از خدا پروردگارم وبسویش توبه کنم که براستی بسیار آمرزنده است خدایا مرا بیامرز که تو مهربانترین

الرّاحِمینَ، رَبِّ اِنّی عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسی، فَاغْفِرْ لی، اِنَّهُ لا یَغْفِرُ

مهربانانی پروردگارا من بد کردم و به خویشتن ستم کردم پس بیامرز مرا که نیامرزد

الذُّنُوبَ اِلاَّ اَنْتَ، اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، اَلْحَلیمُ

گناهان را جز تو آمرزش خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده و بردبار

الْعَظیمُ الْکَریمُ، اَلْغَفّارُ لِلذَّنْبِ الْعَظیمِ، وَاَتُوبُ اِلَیْهِ، اَسْتَغْفِرُ اللهَ اِنَّ اللهَ

و بزرگ و کریم و بسیار آمرزنده گناه بزرگ است و به سویش توبه کنم آمرزش خواهم از خدا که براستی او

کانَ غَفُوراً رَحیماً.

آمرزنده و مهربان است.

پس از آن، این دعا را می خوانی:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَاَنْ تَجْعَلَ فیما
خدایا از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و قرار ده در آنچه
تَقْضی وَتُقَدِّرُ مِنَ الاَمْرِ الْعَظیمِ الْمَحْتُومِ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضاءِ الَّذی
حکم فرموده و مقدّر کرده ای از فرمان بزرگ حتمی و مسلّمت در شب قدر از آن حکمی که

لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ، اَنْ تَكْتُبَنى مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، اَلْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

بازگشت و تغییری در آن نیست که نامم را در زمره حاجیان خانه محترم کعبه ات بنویسی آنان که حجّشان پذیرفته

اَلْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، اَلْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، اَلْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَاَنْ تَجْعَلَ

و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و بدیهایشان جبران شده است و در قضا و قدرت

فيما تَقْضى وَتُقَدِّرُ، اَنْ تُطيلَ عُمْرى، وَتُوَسِّعَ فى رِزْقى، وَتُؤَدِّىَ عَنّى

مقدر فرمایی که عمرم را طولانی کنی و روزیم را فراخ

اَمانَتى وَدَيْنى، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ، اَللّهُمَّ اجْعَلْ لى مِنْ اَمْرى فَرَجاً

و امانت و قرضم را بپردازی آمین ای پروردگار جهانیان خدایا قرار ده در کارم گشایش

وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنى مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا اَحْتَسِبُ،

و راهی و روزیم ده از آن جا که گمان دارمو از آن جا که گمان ندارم

وَاحْرُسْنى مِنْ حَيْثُ اَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لا اَحْتَرِسُ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّد

و محافظتم کن از آن جا که من خود را محافظت کنم و از آن جا که محافظت نکنم و درود فرست بر محمّد

وَآلِ مُحَمَّد، وَسَلِّمْ كَثيراً. و آل محمّد و سلام فرست بسیار•

2- در هر روز از ماه رمضان این تسبیحات را که از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است بخواند. این تسبیحات ده بخش است و هر بخش از آن مشتمل بر ده تسبیح است**:**

سُبْحـانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ

منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدای صورت ده منزه است خدا آفریننده

الاَزْواجِ کُلِّها، سُبْحـانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ

همه موجودات جُفت منزه است خدا مقرّر کننده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوی، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیْء، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما یُری

دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده آنچه دیده شود

وَما لا یُری، سُبْحـانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحـانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

و آنچه دیده نشود منزه است خدا به مقدار کلمات نامنتهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحانَ اللهِ السَّمیعِ الَّذی لَیْسَ شَیْءٌ اَسْمَعَ مِنْهُ، یَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ

منزه است خدای شنوایی که چیزی شنواتر از او نیست می شنود از بالای عرش خود

ما تَحْتَ سَبْعِ اَرَضینَ، وَیَسْمَعُ ما فی ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَیَسْمَعُ

آنچه را در زیر هفت زمین است و می شنود آنچه را در تاریکیهای بیابان و دریاست و می شنود

الاَنینَ وَالشَّکْوی، وَیَسْمَعُ السِّرَّ وَاَخْفی، وَیَسْمَعُ وَساوِسَ الصُّدُورِ، وَلا

ناله و شکایت را و می شنود پنهان و پنهان تر از پنهان را و می شنود وسوسه های سینه ها را

یُصِمُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ سُبْحـانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحـانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ،

و کر نکند شنواییش را صدایی منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش

سُبْحـانَ اللهِ خالِقِ الاَزْواجِ کُلِّها، سُبْحـانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ،

منزه است خدا آفریننده همه موجودات جُفت منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی

سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیْء، سُبْحانَ

منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است

اللهِ خالِقِ ما یُری وَما لا یُری، سُبْحانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللهِ

خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهایش منزه است خدا

رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللهِ الْبَصیرِ الَّذی لَیْسَ شَیْءٌ اَبْصَرَ مِنْهُ، یُبْصِرُ مِنْ

پروردگار جهانیان منزه است خدای بینایی که چیزی بیناتر از او نیست می بیند از

فَوْقِ عَرْشِهِ ما تَحْتَ سَبْعِ اَرَضینَ، وَیُبْصِرُ ما فی ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ،

بالای عرش خود آنچه در زیر هفت زمین است و می بیند آنچه را در تاریکیهای خشکی و دریاست

لا تُدْرِکُهُ الْاَبْصارُ وَهُوَ یُدْرِکُ الاَبْصارَ، وَهُوَ اللَّطیفُ الْخَبیرُ، لا تُغْشی

دیدگان او را درک نکند ولی او درک کند دیدگان را و اوست دقیق و کاردان دیده اش را

بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ، وَلا یُسْتَتَرُ مِنْهُ بِسِتْرٍ، وَلا یُواری مِنْهُ جِدارٌ، وَلا یَغیبُ

تاریکی نپوشاند و بوسیله پرده چیزی از او مستور نماند و دیوار چیزی را از او پنهان نکند و نادیده نماند

عَنْهُ بَرٌّ وَلا بَحْرٌ، وَلا یَکِنُّ مِنْهُ جَبَلٌ ما فی اَصْلِهِ، وَلا قَلْبٌ ما فیهِ، وَلا

از دید او هیچ خشکی و نه دریایی و هیچ کوهی نتواند مخفی کند از او آنچه را در ریشه و در زیر خود دارد و نه دلی آنچه را در خود دارد و نه

جَنْبٌ ما فی قَلْبِهِ، وَلا یَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغیرٌ وَلا کَبیرٌ، وَلا یَسْتَخْفی مِنْهُ

پهلویی آنچه را در دل دارد و نتواند بپوشاند خود را از او کوچکی و نه بزرگی، و پنهانی نتواند جست از او

صَغیرٌ لِصِغَرِهِ، وَلا یَخْفی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الاَرْضِ وَلا فِی السَّماءِ، هُوَ

کوچکی بخاطر خردیش و مخفی نماند بر اوچیزی در زمین و نه در آسمان اوست

الَّذی یُصَوِّرُکُمْ فِی الاَرْحامِ کَیْفَ یَشاءُ، لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ

که صورت بندد شما را در رحمها هر طور که خواهد معبودی جز او نیست که نیرومند و فرزانه است

سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ

منزه است خدا پدیدآرنده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده

الاَزْواجِ کُلِّها، سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ

همه موجودات جفت منزه است خدا مقرّر کننده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوی، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیْء، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما یُری

دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده آنچه دیدنی

وَما لا یُری، سُبْحانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمینَ،

و آنچه نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلمات نامتنهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحانَ اللهِ الَّذی یُنْشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ، وَیُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ،

منزه است خدایی که بوجود آورد ابرهای سنگین را و تسبیح گوید رعد به حمد او

وَالْمَلائِکَةُ مِنْ خیفَتِهِ، وَیُرْسِلُ الصَّواعِقَ فَیُصیبُ بِها مَنْ یَشآءُ، وَیُرْسِلُ

و فرشتگان از بیم او و بفرستد صاعقه ها را و دچار سازد بدان هر که را خواهد و

الرِّیاحَ بُشْراً بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ، وَیُنَزِّلُ الْمآءَ مِنَ السَّمآءِ بِکَلِمَتِهِ، وَیُنْبِتُ

بادها را نویدی از پیشاپیش رحمت خود فرستد و آب باران را از آسمان بوسیله امر خود فرو فرستد

النَّباتَ بِقُدْرَتِهِ، وَیَسْقُطُ الْوَرَقُ بِعِلْمِهِ، سُبْحانَ اللهِ الَّذی لا یَعْزُبُ عَنْهُ

و گیاه را به قدرت کامله خویش برویاند و برگ درختان را به علم خود فروریزد منزه است خدایی که پنهان نماند از او

مِثْقالُ ذَرَّة فِی الاَرْضِ وَلا فِی السَّمآءِ، وَلا اَصْغَرُ مِنْ ذلِکَ، وَلا اَکْبَرُ اِلاَّ

هموزن ذره ای در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر جز آن که

فی کِتاب مُبین سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ،

در دفتری روشن است منزه است خدا پدید آرنده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش

سُبْحـانَ اللهِ خالِقِ الاَزْواجِ کُلِّها، سُبْحـانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ،

منزه است خدا آفریننده همه موجودات جفت منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی

سُبْحـانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی، سُبْحـانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیْء، سُبْحـانَ

منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است

اللهِ خالِقِ ما یُری وَما لا یُری، سُبْحـانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحـانَ اللهِ

خدا آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهایش منزه است خدا

رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحـانَ اللهِ الَّذی یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ اُنْثی، وَما تَغیْضُ

پروردگار جهانیان منزه است خدایی که می داند آنچه بار دارد هر حیوان ماده ای و آنچه در

الاَرْحامُ وَما تَزْدادُ، وَکُلُّ شَیْء عِنْدَهُ بِمِقْدار، عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ،

رحمها کم شود و آنچه بیفزاید و هر چیزی را نزد او اندازه ای است دانای غیب و شهود

اَلْکَبیرُ الْمُتَعالُ، سَوآءٌ مِنْکُمْ مَنْ اَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ

و بزرگ و والاست برای او یکسان است هر که از شما سخن آهسته کند یا بلند کند و هر که به

مُسْتَخْف بِاللَّیْلِ وَسارِبٌ بِالنَّهارِ، لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ،

شب پنهان گردد و یا رهرو شود در روز برای خدا فرشتگانی پیاپی است از جلوی روی انسان و از پشت سرش

یَحْفَظُونَهُ مِنْ اَمْرِ اللهِ، سُبْحانَ اللهِ الَّذی یُمیتُ الاَحْیآءَ وَیُحْیِی الْمَوْتی،

که او را به فرمان خدا محافظت کنند منزه است خدائی که بمیراند زندگان را و زنده کند مردگان را

وَیَعْلَمُ ما تَنْقُصُ الاَرْضُ مِنْهُمْ، وَیُقِرُّ فِی الاَرْحامِ ما یَشآءُ اِلی اَجَل

و می داند آنچه را زمین از ایشان بکاهد و مستقر کند در رحمها آنچه را خواهد تا

مُسَمّیً سُبْحـانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحـانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحـانَ اللهِ

مدتی معین منزه است خدا پدید آرنده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا

خالِقِ الاَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ

آفریننده موجودات جفت همگی، منزه است خدا مقرّر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا

فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيْء، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما

شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیزی منزه است خدا آفریننده هر چه

يُرى وَما لا يُرى، سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

دیدنی است و هر چه نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلماتش منزه است خداپروردگار جهانیان

سُبْحانَ اللهِ مالِكِ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ

منزه است خدا مالك پادشاهی، بدهی سلطنت را به هر که خواهی و بگیری آن را از

تَشاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْء

هرکه خواهی و عزت بخشی هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی هر چه خیراست بدست توست و تو بر هر چیز

قَديرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ، تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ

توانایی درآوری شب را در روز و درآوری روز را در شب بیرون آوری زنده را

الْمَيِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِساب

از مرده و برون آوری مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بی حساب

سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ

منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده

الاْزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ

موجودات جفت همگی منزه است خدا مقرر کننده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوى، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيْء، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى

دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی

وَما لا يُرى، سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و نادیدنی منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحانَ اللهِ الَّذى عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها اِلاَّ هُوَ، وَيَعْلَمُ ما فِى الْبَرِّ

منزه است خدایی که نزد اوست کلیدهای غیب و نمی داند آنها را جز او و می داند هر چه در خشکی

وَالْبَحْرِ، وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَة اِلاَّ يَعْلَمُها، وَلا حَبَّة فى ظُلُماتِ الاَرْضِ،

و دریاست و نیفتد برگی از درخت جز آن که بداند آن را و نیست دانه ای در تاریکیهای زمین

وَلا رَطْب وَلا يابِس اِلاَّ فى كِتاب مُبين سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ،

و نه تر و نه خشکی جز این که در نامه ای روشن است منزه است خدا پدید آرنده هر دم زنی

سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الاَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللهِ

منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر موجود جفت همگی منزه است خدا

جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى، سُبْحانَ اللهِ

مقرّر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا

خالِقِ كُلِّ شَىْء، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لايُرى، سُبْحانَ اللهِ

آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر نادیدنی منزه است خدا

مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ، سُبْحانَ اللهِ الَّذى لا يُحْصى

به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدایی که شماره نتوانند کرد

مِدْحَتَهُ الْقآئِلُونَ، وَلا يَجْزى بِالائِهِ الشّاكِرُونَ الْعابِدُونَ، وَهُوَ كَما قالَ

مدحش را گویندگان و پاداش ندهند نعمتهایش را سپاسگزاران پرستش کننده و او چنان است که گفته

وَفَوْقَ ما يَقُولُ الْقائلُونَ، وَاللهُ سُبْحانَهُ كَما اَثْنى عَلى نَفْسِهِ، وَلا

و برتر از آن است که گویندگان گویند و خدای سبحان چنان است که خودش خویشتن را ستوده

يُحيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلاَّ بِما شآءَ،وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّماواتِ وَالْاَرْضَ،

و رسايى ندارند به چيزى از دانشش جز بدانچه خود او خواهد قلمرو او آسمانهاو زمين را فراگرفته

وَلا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ

و سنگينى نمى كند بر او نگهداشتن آن دو و او والا و بزرگ است منزه است خدا پديدآرنده هر دم زنى منزه است

اللهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ الاَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ

خداى صورت بخش منزه است خدا آفريننده هر جفت همگى منزه است خدا مقرّر دارنده

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ

تاريكيها و روشنى منزه است خدا شكافنده دانه و هسته منزه است خدا آفريننده

كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى، سُبْحانَ اللهِ مِدادَ

هر چيز منزه است خدا آفريننده هر ديدنى و هرناديدنى منزه است خدا به مقدار

كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ، سُبْحانَ اللهِ الَّذى يَعْلَمُ ما يَلِجُ فِى

كلماتش منزه است خدا پروردگار جهانيان منزه است آن خدايى كه مى داند آنچه فرو رود در

الاَرْضِ وَما يَخْرُجُ مِنْها، وَما يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما يَعْرُجُ فيها، وَلا

زمين و آنچه بيرون آيد از آن و آنچه فرو ريزد از آسمان و آنچه بالا رود در آن

يَشْغَلُهُ ما يَلِجُ فِى الاَرْضِ وَمايَخْرُجُ مِنْها، عَمّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما

و سرگرمش نكند آنچه فرو رود در زمين و آنچه بيرون آيد از آن از آنچه فرود آيد از آسمان و آنچه

يَعْرُجُ فيها، وَلا يَشْغَلُهُ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ وَما يَعْرُجُ فيها، عَمّا يَلِجُ فِى

بالا رود در آن و سرگرمش نكند آنچه فرود آيد از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه فرو رود در

الاَرْضِ وَما يَخْرُجُ مِنْها، وَلا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ، وَلا

زمين و آنچه بيرون آيد از آنو سرگرمش نكند علم به چيزى از علم به چيز ديگر

يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْء عَنْ خَلْقِ شَيْء، وَلا حِفْظُ شَيْء عَنْ حِفْظِ شَيْء، وَلا

و سرگرمش نکند آفریدن چیزی از آفریدن چیز دیگر و نه نگهداری چیزی از نگهداری چیز دیگر و چیزی

يُساويهِ شَيْءٌ،وَلا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ،لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ،وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ

با او مساوی نیست و چیزی معادل او نیست و چیزی مانند او نیست و او شنوا و بینا است

سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ، سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ

منزه است خدا پدید آرنده هر دم زن منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده

الاَزْواجِ كُلِّها، سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ

هر موجود جفت منزه است خدا مقرّر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوى، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيْء، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى

دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی

وَما لا يُرى، سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ،

و هر نادیدنی منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحانَ اللهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَالاَرْضِ، جاعِلِ الْمَلائِكَةِ رُسُلاً اُولى

منزه است خدا خالق آسمانها و زمین آن که فرشتگان را فرستادگانی مقرر فرمود که آنها دارای

اَجْنِحَة، مَثْنى وَثُلاثَ وَرُباعَ، يَزيدُ فِي الْخَلْقِ ما يَشآءُ، اِنَّ اللهَ عَلى كُلِّ

بالهایند دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا و بیفزاید در خلقت هر چه بخواهد و براستی خدابر هر

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ

تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده

شَيْء قَديرٌ، ما يَفْتَحِ اللهُ لِلنّاسِ مِنْ رَحْمَة فَلا مُمْسِكَ لَها، وَما يُمْسِكْ فَلا

چیز توانا است هر رحمتی را که خدا گشاید کسی بستن آن نتواند و هر چه را خدا بندد پس

مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، وَهُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ سُبْحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ،

از او کسی آنرا نگشاید و او است نیرومند فرزانه منزه است خدا آفریننده هر دم زن

سُبْحانَ اللّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ الاَزْواجِ کُلِّها، سُبْحانَ اللّهِ

منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر موجود جفت همگی منزه است خدا

جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی، سُبْحانَ اللّهِ

مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا

خالِقِ کُلِّ شَیْء، سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ ما یُری وَما لا یُری، سُبْحانَ اللّهِ

آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده دیدنیها وناديدنیها منزه است خدا

مِدادَ کَلِماتِهِ، سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، سُبْحانَ اللّهِ الَّذی یَعْلَمُ ما فِی

به مقدار کلمات نامنتهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدائی که می داند آنچه را در

السَّماواتِ وَما فِی الاَرْضِ، ما یَکوُنُ مِنْ نَجْوی ثَلاثَة اِلاَّ هُوَ رابِعُهُمْ،

آسمانها و آنچه را در زمین است، نباشدگفتگوی سرّی و رازگوئی سه نفری جز این که او چهارمین آنهاست

وَلا خَمْسَة اِلاَّ هُوَ سادِسُهُمْ، وَلا اَدْنی مِنْ ذلِكَ وَلا اَکْثَرَ اِلاَّ هُوَ مَعَهُمْ

و نه پنج نفری جز این که او ششمین آنهاست و نه کمتر از این و نه بیشتر از این جز این که او با آنهاست

اَیْنَما کانُوا، ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا یَوْمَ الْقِیامَةِ، اِنَّ اللّهَ بِکُلِّ شَیْء عَلیمٌ.

هر کجا که باشند سپس آگاهشان کند در روز قیامت بدانچه کرده اند براستی خدا بهر چیز داناست.

3- در هر روز از ماه مبارك رمضان، اين صلوات خوانده شود كه بسيار پرمحتوا و پرارزش است**:**

اِنَّ اللّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پيامبر اى كسانى كه ايمان آورده ايد شما هم درود فرستيد بر او

وَسَلِّمُوا تَسْليماً، لَبَّيْكَ يا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ وَسُبْحانَكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى

و سلام كنيد سلام كامل، پروردگارا من هم دستورت را اجابت كردم و پى درپى از تو سعادت مى خواهم و منزهى تو خدايا درود فرست بر

مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَبارِكْ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، كَما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ

محمّد و آل محمّد و بركت ده بر محمّدو آل محمّد چنانچه درود فرستادى و بركت دادى

عَلى اِبْراهيمَ وَآلِ اِبْراهيمَ، اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اَللّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ

بر ابراهيم و آل ابراهيم براستى تو ستوده و بزرگوارى خدايا مهرورز بر محمّد و آل

مُحَمَّد، كَما رَحِمْتَ اِبْراهيمَ وَآلَ اِبْراهيمَ، اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اَللّهُمَّ سَلِّمْ

محمّد چنانچه مهر ورزيدى بر ابراهيم و آل ابراهيم براستى تو ستوده و بزرگوارى خدايا تحيت و سلام فرست

عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، كَما سَلَّمْتَ عَلى نُوح فِى الْعالَمينَ،اَللّهُمَّ امْنُنْ

بر محمّد و آل محمّد چنانچه تحيت فرستادى بر حضرت نوح در ميان جهانيان خدايا نعمت بخش

عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، كَما مَنَنْتَ عَلى مُوسى وَهرُونَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى

بر محمّد و آل محمّد چنانچه نعمت بخشيدى بر موسى و هارون خدايا درود فرست بر

مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، كَما شَرَّفْتَنا بِهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد،

محمّد و آل محمّد چنانچه ما را بدو شرافت دادى خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد

كَما هَدَيْتَنا بِهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً

چنانچه ما را بدو راهنمايى كردى خدايا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و به مقام ستوده اى برانگيزانش

يَغْبِطُهُ بِهِ الاَوَّلُونَ وَالْاخِرُونَ، عَلى مُحَمَّد وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَلَعَتْ

كه اوّلين و آخرين بر او غبطه خورند، بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان كه

شَمْسٌ اَوْ غَرَبَتْ، عَلى مُحَمَّد وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ بَرَقَتْ،

برآيد خورشيد يا غروب كند بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان كه پلك چشمى بهم خورد يابرقى زند،

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ، سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى، سُبْحانَ اللهِ خالِقِ

تاريكيها و روشنى منزه است خدا شكافنده دانه و هسته منزه است خدا آفريننده

عَلى مُحَمَّد وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما ذُكِرَ السَّلامُ، عَلى مُحَمَّد وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما

بر محمّد و آلش سلام باد هر زمان كه ذكر سلامى شود، بر محمّد و آلش سلام باد هر

سَبَّحَ اللّهَ مَلَكٌ اَوْ قَدَّسَهُ، اَلسَّلامُ عَلى مُحَمَّد وَآلِهِ فِى الاَوَّلينَ، وَالسَّلامُ

زمان كه تسبيح خدا كند فرشته اى يا تقديسش كند سلام بر محمّد و آلش در ميان اوّلين و سلام

عَلى مُحَمَّد وَآلِهِ فِى الْاخِرينَ، وَالسَّلامُ عَلى مُحَمَّد وَآلِهِ فِى الدُّنْيا

بر محمّد و آلش در آخرين و سلام برمحمّد و آلش در دنيا

وَالأخِرَةِ، اَللّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ

و آخرت خدايا اى پروردگار شهر محترم مكه و پروردگار ركن و مقام و پروردگار حل

وَالْحَرامِ، اَبْلِغْ مُحَمَّداً نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلامَ، اَللّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّداً مِنَ الْبَهآءِ

و حرم از ما به محمّد پيامبرت سلام برسان خدايا عطا كن به محمّد از جلوه

وَالنَّضْرَةِ، وَالسُّرُورِ وَالْكَرامَةِ، وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسيلَةِ، وَالْمَنْزِلَةِ وَالْمَقامِ،

و درخشندگى و شادى و بزرگوارى و خوش حالى و وسيله و منزلت و مقام

وَالشَّرَفِ وَالرِّفْعَةِ، وَالشَّفاعَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ، اَفْضَلَ ما تُعْطى اَحَداً

و شرافت و بلندى مقام و شفاعت نزد تو در روز رستاخيز بهترين چيزى را كه عطا كنى به يكى

مِنْ خَلْقِكَ، وَاَعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ ما تُعْطِى الْخَلائِقَ مِنَ الْخَيْرِ، اَضْعافاً

از خلق خود و عطا کن به محمّد بالاترین خیری را که به خلایق عطا می کنی به چندین برابر

کَثيرَةً لا يُحْصيها غَيْرُكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، اَطْيَبَ

که شماره اش نتواند کسی جز تو خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد پاکترین

وَاَطْهَرَ، وَاَزْكى وَاَنْمى، وَاَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَد مِنَ الاَوَّلينَ

و پاکیزه ترین و نیکوترین و فزاینده ترین و بهترین درودی که بر یکی از اوّلین

وَالْاخِرينَ، وَعَلى اَحَد مِنْ خَلْقِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى

و آخرین و بطور کلی بر یکی از خلق خود فرستی ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر

عَلِيّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ

علی امیرمؤمنان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت

عَلى مَنْ شَرِكَ فى دَمِهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّد عَلَيْهِ

را بر آن کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت محمّد بر او

وَآلِهِ السَّلامُ، وَالْعَنْ مَنْ آذى نَبِيَّكَ فيها، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

و آلش سلام باد و لعنت کن کسی که پیامبرت را در مورد دخترش آزرده کرد خدایا درود فرست بر حسن

وَالْحُسَيْنِ اِمامَيِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُما، وَعادِ مَنْ عاداهُما،

و حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست بدار هر که دوستشان داردو دشمن دار هر که دشمنشان دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ شَرِكَ فى دِمائِهِما، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيِّ بْنِ

و دو چندان کن عذابت را برهرکس که در ریختن خونشان شرکت کرد خدایا درود فرست بر علی بن

الْحُسَيْنِ اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ

الحسین پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش داردو دو چندان کن

الْعَذابَ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ اِمامِ

عذابت را بر هر که به او ستم کرد خدایا درود فرست بر محمّد بن علی پیشوای

الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ

مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر که

ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّد اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ

بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر جعفر بن محمّد پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که

والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ

دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر که به او ستم کرد خدایا درود فرست

عَلى مُوسَى بْنِ جَعْفَر اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ شَرِكَ فى دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيِّ بْنِ

و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر علی بن

مُوسى اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ

موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن

الْعَذابَ عَلى مَنْ شَرِكَ فى دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمامِ

عذابت را بر هر کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر محمّد بن علی پیشوای

الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ

مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس

ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّد اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ،

که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر علی بن محمّد پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد

وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ، اَللّـهُمَّ صَلِّ عَلَى

و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،

حسن بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد

وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلى مَنْ ظَلَمَهُ، اَللّـهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ اِمامِ

و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم کرده خدایا درود فرست بر یادگار پس از او پیشوای

الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ،[وَعَجِّلْ فَرَجَه] ، اَللّـهُمَّ

مسلمانان و دوست دار هر که دوستش داردو دشمن دار هر که دشمنش دارد و در فرجش شتاب فرما خدایا

صَلِّ عَلَى الْقاسِمِ وَالطّاهِرِ اِبْنَیْ نَبِیِّكَ، اَللّـهُمَّ صَلِّ عَلى رُقَيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،

درود فرست بر قاسم و طاهر پسران پیامبرت خدایا درود فرست بر رقیه دختر پیامبرت

وَ الْعَنْ مَنْ آذى نَبِيَّكَ فيها، اَللّـهُمَّ صَلِّ عَلَى اُمِّ كُلْثُومَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَالْعَنْ

و لعنت کن بر آن کس که پیامبرت را در مورد اوآزرد خدایا درود فرست بر ام کلثوم دختر پیامبرت و لعنت کن

مَنْ آذى نَبِيَّكَ فيها، اَللّـهُمَّ صَلِّ عَلى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ، اَللّـهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فى

کسی را که پیامبرت را در مورد او آزردخدایا درود فرست بر فرزندان پیغمبرت خدایا بجای پیامبرت سرپرستی

اَهْلِ بَيْتِهِ، اَللّـهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِى الاَرْضِ، اَللّـهُمَّ اجْعَلْنا مِنْ عَدَدِهِمْ

خاندانش را به عهده گیر خدایا پابرجا کن حکومتشان را در زمین خدایا ما را در زمره عدّه

وَمَدَدِهِمْ،وَاَنْصارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِى السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ،اَللّـهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ

و کمك کاران و یاران آنها بر حق قرارمان ده چه در پنهانی و چه آشکارا خدایا بِستان انتقام

وَ وِتْرِهِمْ وَ دِمآئِهِمْ، وَ كُفَّ عَنّا وَ عَنْهُمْ وَ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَأْسَ كُلِّ

و قصاص و خونشان را و باز دار از ما و از ایشان و از هر مرد مؤمن و زن با ایمانی شر هر

باغٍ وَ طاغٍ، وَ كُلِّ دآبَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، اِنَّكَ اَشَدُّ بَأْساً وَ اَشَدُّ تَنْكيلاً.

ستمگر و سرکش و هر جانوری را که مهارش بدست تو است زیرا تو در سخت گیری از همه سخت تر ومجازات عقوبتت از همه شدیدتر است.

(سیّد بن طاووس) فرموده: آنگاه می گویی**:**

یا عُدَّتی فی کُرْبَتی، وَ یا صاحِبی فی

ای ذخیره ام در حال غمزدگی و ای همدمم در

شِدَّتی، وَیا وَلِیّی فی نِعْمَتی، وَ یا غایَتی فی رَغْبَتی، اَنْتَ السّاتِرُ

سختی و ای سرپرستم در نعمت و ای منتهای شوق و رغبت من تویی پوشاننده

عَوْرَتی، وَ الْمُؤْمِنُ رَوْعَتی، وَ الْمُقیلُ عَثْرَتی، فَاغْفِرْ لی خَطیئَتی، یا

زشتیم و امان بخش ترس و بیم و نادیده گیر لغزشم بیامرز خطای مرا ای

اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

مهربانترین مهربانان

و می گویی:

اَللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ لِهَمٍّ لا یُفَرِّجُهُ غَیْرُکَ،

خدایا تو را بخوانم در مورد اندوهی که برطرفش نکند کسی جز تو

وَلِرَحْمَة لا تُنالُ اِلاَّ بِکَ، وَلِکَرْب لا یَکْشِفُهُ اِلاَّ اَنْتَ، وَ لِرَغْبَة لا تُبْلَغُ اِلاّ

و در مورد رحمتی که نرسد جز بوسیله تو و برای گرفتگی که برطرفش نکند جز تو و در مورد شوقی که بدان نتوان رسید جز

بِکَ، وَلِحاجَة لا یَقْضیها اِلاَّ اَنْتَ، اَللّهُمَّ فَکَما کانَ مِنْ شَاْنِکَ ما اَذِنْتَ لی

به توفیق تو و در مورد حاجتی که کسی آن را برنیاورد جز تو خدایا هم چنانکه شأن تو بود که به من اجازه فرمودی

بِهِ مِنْ مَسْئَلَتِکَ، وَ رَحِمْتَنی بِهِ مِنْ ذِکْرِکَ، فَلْیَکُنْ مِنْ شَاْنِکَ سَیِّدی

از تو درخواست کنم و بوسیله یادآوریت به من مهر ورزیدی پس ای آقای من از شأن تو باید چنین باشد

الْاِجابَةُ لی فیما دَعَوْتُکَ، وَ عَوآئِدُ الاِفْضالِ فیما رَجَوْتُکَ، وَالنَّجاةُ

که در آنچه تو را خواندم اجابتم فرمایی و در آنچه امید به تو دارم عایدات فزون بخشی باشد و نجاتم دهی

مِمّا فَزِعْتُ اِلَيْكَ فيهِ، فَاِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلا اَنْ اَبْلُغَ رَحْمَتَكَ، فَاِنَّ رَحْمَتَكَ

از آنچه درباره اش به تو پناه آوردم و اگر من شایستگی ندارم که به رحمت و مهر تو برسم مسلّماً رحمت تو

اَهْلٌ اَنْ تَبْلُغَنی وَ تَسَعَنی، وَ اِنْ لَمْ اَكُنْ لِلاِجابَةِ اَهْلا فَاَنْتَ اَهْلُ الْفَضْلِ،

شایسته است که به من برسد و مرا فراگیرد و اگر من شایستگی اجابت دعا را ندارم ولی تو اهل فضلی

وَرَحْمَتُكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَیْء، فَلْتَسَعْنی رَحْمَتُكَ،یا اِلهی یا كَریمُ، اَسْئَلُكَ

و رحمتت همه چیز را شامل گردد پس باید مرا هم شامل شود ای خدای من ای خدای کریم از تو خواهم به

بِوَجْهِكَ الْكَريمِ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اَنْ تُفَرِّجَ

حق ذات بزرگوارت که درود فرستی بر محمّد و خاندانش و این که اندوه دلم را بگشایی

هَمّی، وَ تَكْشِفَ كَرْبی وَ غَمّی، وَ تَرْحَمَنی بِرَحْمَتِكَ، وَ تَرْزُقَنی مِنْ

و گرفتاری و غصه ام را برطرف کنی و به رحمت خود به من رحم کنی و از فضل خود روزیم گردانی

فَضْلِكَ، اِنَّكَ سَميعُ الدُّعآءِ، قَريبٌ مُجيبٌ.

که براستی تو شنوای دعایی و نزدیك و پاسخ دهنده هستی.

4ـ همچنین در کتب معتبر آمده است در هر روز از ماه مبارك رمضان بخوان**:**

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ، وَكُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ، اَللّهُمَّ اِنّی

خدایا از تو خواهم از فضلت از برترین آن و همه فضل تو برتر است خدایا از

اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّه، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِاَعَمِّهِ، وَكُلُّ رِزْقِكَ

تو خواهم به حق فضل تو همگی خدایا از تو خواهم ازروزیت از عمومی ترین آنها (که شامل همه می شود) گرچه تمام روزی تو

عآمٌّ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَطآئِكَ

عمومی است خدایا از تو خواهم به همه اقسام روزیت خدایا از تو خواهم از عطایت

بِاَهْنَأِهِ، وَكُلُّ عَطآئِكَ هَنیءٌ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَطآئِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّی

از گواراترین عطاها با این که همه انواع عطای تو گواراست خدایا از تو خواهم به همه اقسام عطای تو خدایا از

اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِكَ بِاَعْجَلِهِ، وَكُلُّ خَیْرِكَ عاجِلٌ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

تو خواهم از خیر و نیکیت به زودرس ترین آنها در صورتی که تمام نیکیهایت زودرس است خدایا از تو خواهم

بِخَیْرِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ اِحْسانِكَ بِاَحْسَنِهِ، وَكُلُّ اِحْسانِكَ

به همه انواع نیکیت خدایا از تو خواهم بهترین احسانت و همه احسان تو

حَسَنٌ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاِحْسانِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِما تُجیبُنی

نیکوست خدایا از تو خواهم تمام انواع احسانت را خدایا از تو خواهم بدانچه اجابتم کنی

بِهِ حینَ اَسْئَلُكَ، فَاَجِبْنی یا اَللّهُ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وآلِ مُحَمَّد عَبْدِكَ

هنگامی که از تو خواهم پس اجابتم کن ای خدا و درود فرست بر محمّد و آل او بنده

الْمُرْتَضی، وَرسُولِكَ الْمُصْطَفی، وَاَمینِكَ وَنَجِیِّكَ دُونَ خَلْقِكَ، وَنَجیبِكَ

پسندیده ات و فرستاده برگزیده ات و امین بر وحیت و محرم رازت از میان خلق و نیك گوهرت

مِنْ عِبادِكَ، وَنَبِيِّكَ بِالصِّدْقِ وَحَبيبِكَ، وَصَلِّ عَلى رَسُولِكَ، وَخِيَرَتِكَ

از بندگان تو و پیامبرت براستی و دوستت و دورد فرست بر رسول و برگزیده ات

مِنَ الْعالَمينَ، اَلْبَشيرِ النَّذيرِ، اَلسِّراجِ الْمُنيرِ، وَعلى اَهْلِ بَيْتِهِ

از جهانیان نوید دهنده و ترساننده آن چراغ تابناك و بر خاندان

الاَبْرارِالطّاهِرينَ، وَعَلى مَلائِكَتِكَ الَّذينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ،

نیکو و پاکیزه اش و بر فرشتگانت که خالص گرداندی آنها را برای خویش و آنها را

وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ، وَعَلى اَنْبِيآئِكَ الَّذينَ يُنْبِئُونَ عَنْكَ بِالصِّدْقِ،

از خلق خود مستور داشتی و بر پیامبرانت که از تو براستی خبر دهند

وَعَلى رُسُلِكَ الَّذينَ خَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ

و بر رسولانت که به وحی خویش مخصوصشان داشتی و بوسیله رسالتهای خویش بر جهانیان

بِرِسالاتِكَ، وَعَلى عِبادِكَ الصّالِحينَ الَّذينَ اَدْخَلْتَهُمْ فى رَحْمَتِكَ،

برتریشان دادی و بر بندگان شایسته ات که داخلشان کردی در رحمتت

اَلاْئِمَّةِ الْمُهْتَدينَ الرّاشِدينَ، وَاَوْلِيآئِكَ الْمُطَهَّرينَ، وَعَلى جَبْرَئيلَ

آن پیشوایان راهنمایی شده و رهبر و دوستان پاکیزه ات و بر جبرئیل

وَميكآئيلَ وَاِسْرافيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ، وَ مالِك خازِنِ النّارِ، وَ رِضْوانَ

و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و بر «مالك» خزینه دار دوزخ و بر رضوان

خازِنِ الْجِنانِ، وَرُوحِ الْقُدُسِ، وَالرُّوحِ الاَمينِ، وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ

خزینه دار بهشت و روح القدس و روح الامین و حاملین مقرّب عرش تو

الْمُقَرَّبينَ، وَعَلى الْمَلَكَيْنِ الْحافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلاةِ، اَلَّتى تُحِبُّ اَنْ يُصَلِّيَ

و بر دو فرشته نگهبان من درودی که دوست داری که درود فرستند

بِها عَلَيْهِمْ اَهْلُ السَّماواتِ وَاَهْلُ الاَرَضينَ، صَلاةً طَيِّبَةً كَثيرةً، مُبارَكَةً

بدان آسمانیان و زمینیان بر ایشان درودی پاك و بسیار و مبارك

زاكِيَةً نامِيَةً، ظاهِرَةً باطِنَةً، شَريفَةً فاضِلَةً، تُبَيِّنُ بِها فَضْلَهُمْ عَلَى

و پاکیزه و فزاینده و آشکار و پنهان و شریف و برتری که آشکار سازی بدان درود برتری ایشان را

الاَوَّلينَ وَالاْخِرينَ، اَللّهُمَّ وَاَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسيلَةَ، وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَةَ،

بر اوّلین و آخرین خدایا و عطا کن به محمّد وسیله و شرف و فضیلت را

وَاجْزِهِ خَيْرَ ما جَزَيْتَ نَبِيّاً عَنْ اُمَّتِهِ، اَللّهُمَّ وَاَعْطِ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و پاداشش بده به بهتر چیزی که پاداش دهی پیمبری را از امتش خدایا و عطا کن به محمّد صلی الله علیه

وَآلِهِ، مَعَ كُلِّ زُلْفَة زُلْفَةً، وَمَعَ كُلِّ وَسيلَة وَسيلَةً، وَمَعَ كُلِّ فَضيلَة فَضيلَةً،

و آله با هر مقام و رتبه ای مقام و رتبه ای دیگر و با هر وسیله ای وسیله ای دیگر و با هر فضیلتی فضیلتی دیگر

وَمَعَ كُلِّ شَرَف شَرَفاً، تُعْطى مُحَمَّداً وَ آلَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ، اَفْضَلَ ما اَعْطَيْتَ

و با هر شرافتی شرافتی دیگر بدهی به محمّد و آلش در روز قیامت بهترین چیزی که عطا کنی

اَحَداً مِنَ الاَوَّلينَ وَالاْخِرينَ، اَللّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

به احدی از اوّلین و آخرین خدایا و قرار ده محمّد صلی الله علیه

وَآلِهِ، اَدْنَى الْمُرْسَلينَ مِنْكَ مَجْلِساً، وَاَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلاً،

و آله را نزدیکترین رسولان بخود در مجلس و منزلش را در بهشت وسیع ترین منازل در پیش خود گردان

وَاَقْرَبَهُمْ اِلَيْكَ وَسيلَةً، وَاجْعَلْهُ اَوَّلَ شافِع، وَ اَوَّلَ مُشَفَّع، وَ اَوَّلَ

و نزدیکترین افراد از نظر وسیله در نزد خود و قرارش ده نخستین شفیع و هم نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته است و نخستین

قآئِل، وَاَنْجَحَ سائِل، وَابْعَثْهُ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذى يَغْبِطُهُ بِهِ الاَوَّلُونَ

گوینده و حاجت رواترین خواهنده و برانگیزش به مقامی شایسته که غبطه برند به او اوّلین

وَالْاٰخِرُونَ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ، وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَآلِ

و آخرین ای مهربانترین مهربانان و از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل

مُحَمَّد، وَاَنْ تَسْمَعَ صَوْتی، وَتُجیبَ دَعْوَتی، وَ تَجاوَزَ عَنْ خَطیئَتی،

محمّد و این که صدایم بشنوی و دعایم را اجابت کنی و از خطایم بگذری

وَتَصْفَحَ عَنْ ظُلْمی، وَتُنْجِحَ طَلِبَتی، وَتَقْضِیَ حاجَتی، وَتُنْجِزَ لی ما

و از ستمم چشم پوشی کنی و حاجت روایم کنی و خواسته ام بدهی و بدانچه وعده ام

وَعَدْتَنی، وَتُقیلَ عَثْرَتی، [وَتَقْبَلَ مِنّی] وَتَغْفِرَ ذُنُوبی، وَتَعْفُوَ عَنْ

کرده ای وفا کنی و لغزشم را نادیده گیری و گناهم را بیامرزی و از

جُرْمی، وَ تَقَبَّلَ عَمَلی، وَ لا تُعْرِضَ عَنّی، وَ تَرْحَمَنی وَ لا تُعَذِّبَنی،

جرمم بگذری و و عمل مرا بپذیری و رو از من نگردانی و به من رحم کنی و عذابم نکنی

وَتُعافِیَنی وَلاتَبْتَلِیَنی،وَتَرْزُقَنی مِنَ الرِّزْقِ اَطْیَبَهُ وَاَوْسَعَهُ، وَلا تَحْرِمَنی

و تندرستم کنی و مبتلایم نسازی و روزیم ده از پاك ترین و فراخ ترین روزیها و محرومم نکنی

یا رَبِّ، وَاقْضِ عَنّی دَیْنی، وَضَعْ عَنّی وِزْری، وَلا تُحَمِّلْنی ما لا طاقَةَ

ای پروردگار و قرضم را ادا کنی و بار گناهم را از دوشم برداری و باری بر دوشم ننهی که طاقتش را

لی بِهِ یامَوْلایَ، وَاَدْخِلْنی فی کُلِّ خَیْر اَدْخَلْتَ فیهِ مُحَمَّداً وَ الَ مُحَمَّد،

ندارم ای سرور من و داخل گردانی مرا در هر خیری که داخل کردی در آن محمّد و آل محمّد را

وَاَخْرِجْنی مِنْ کُلِّ سُوء اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّد، صَلَواتُكَ

و بیرونم آوری از هر بدی (و شری) که برون آوردی از آن محمّد و آل محمّد را که درودهای تو

عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

بر او و بر ایشان باد همگی و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش

آنگاه سه مرتبه بگو:

اَللّهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى، فَاسْتَجِبْ لى كَما وَعَدْتَنى

خدایا تو را خوانم چنانکه دستورم دادی پس به اجابت رسان دعایم را چنانچه وعده ام فرمودی

سپس بگو:

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ قَليلاً مِنْ كَثير، مَعَ حاجَة بى اِلَيْهِ عَظيمَة،

خدایا از تو خواهم اندکی از بسیار با نیاز بس بزرگی که من بدان دارم

وَغِناكَ عَنْهُ قَديمٌ،وَهُوَ عِنْدى كَثيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسيرٌ، فَامْنُنْ عَلَىَّ

ولی تو از قدیم بی نیاز بدان بوده ای و آن حاجت پیش من بسیار ولی برای تو سهل و آسان است پس بر من بدان حاجت منّت نه

بِهِ، اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْء قَديرٌ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

که تو بر هر چیز توانایی اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

5- «شیخ مفید» در کتاب «مقنعه» از راوی موثّق و جلیل القدر علیّ بن مهزیار از حضرت امام محمّدتقی(علیه السلام) روایت کرده است که مستحب است در هر وقت از شب و روز ماه رمضان، از اوّل ماه تا آخر آن، این دعا را بخوانی:

یا ذَا الَّذى كانَ قَبْلَ كُلِّ شَىْء، ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَىْء، ثُمَّ يَبْقى وَيَفْنى كُلُّ

ای که بوده ای پیش از هر چیز و آفرید هر چیز را و سپس تنها او باقی ماند و هر چه هست

شَىْء، يا ذَا الَّذى لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْءٌ، وَيا ذَا الَّذى لَيْسَ فِى السَّماواتِ

فانی شود ای که نیست مانندش چیزی ای که معبودی جز او در آسمانهای

الْعُلى، وَلا فِى الاَرَضينَ السُّفْلى، وَلا فَوْقَهُنَّ وَلا تَحْتَهُنَّ، وَلا بَيْنَهُنَّ اِلـهٌ

بالا و نه در زمینهای پایین و نه فوق آنها و نه زیر آنها و نه در مابین آنها

يُعْبَدُ غَيْرُهُ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا يَقْوى عَلى اِحْصآئِهِ اِلاَّ اَنْتَ، فَصَلِّ عَلى

نیست خاص توست ستایش آن ستایشی که توانایی ندارد بر شماره اش کسی جز تو درود فرست بر

مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمِّد، صَلاةً لا يَقْوى عَلى اِحْصآئِها اِلاّ اَنْتَ.

محمّد و آل محمّد درودی که توانایی نداشته باشد بر شماره اش کسی جز تو.

6ـ(شیخ کفعمی) در (بلدالامین) و (مصباح) از کتاب (اختیار) (سیّد بن باقی) نقل کرده است که هر کس بخواند این دعا را در هر روز از ماه رمضان، خداوند متعال گناهان بسیاری را از او بیامرزد:

اَللّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ،اَلَّذی اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ، وَافْتَرَضْتَ عَلی عِبادِكَ

خدایا ای پروردگار ماه رمضانی که فرود آوردی در آن قرآن را و واجب کردی بر بندگانت

فیهِ الصِّیامَ، وَارْزُقْنی حَجَّ بَیْتِكَ الْحَرامِ فی هذَا الْعامِ وَفی كُلِّ عام،

در این ماه روزه را و روزی من کن حج خانه محترمت (کعبه) را در این سال و در هر سال

وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ، فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُها غَیْرُكَ یا ذَا الْجَلالِ وَ الاِكْرامِ.

و بیامرز برایم گناهان بزرگ را که براستی نیامرزد آنها را کسی جز تو ای صاحب جلالت و بزرگواری.

۷ـ (شیخ مفید) در(مقنعه) فرموده: و از مستحبات ماه رمضان صلوات فرستادن بر رسول خدا(صلی الله علیه وآله)است در هر روز صد مرتبه، و اگر زیادتر بفرستد فضیلت بیشتری دارد.

پایان قسمت اول

یا علی